



دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر
دانشکده‌ی علوم انسانی

فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در علوم رفتاری

سال پانزدهم، شماره ۶۰، تابستان ۱۴۰۳

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر

مدیرمسئول: دکتر محمد قمری (استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)
سردبیر: دکتر مجتبی امیری مجد (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)
مدیر داخلی: دکتر جعفر پویامنش (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)

هیئت تحریریه:

دکتر حسن اسدزاده دهرایی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)
دکتر مجتبی امیری مجد (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)
دکتر سعیده بزازیان (دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)
دکتر محمود ساعتچی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)
دکتر پرویز شریفی درآمدی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی)
دکتر محمد قمری (استاد دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)
دکتر مجید محمودعلیلو (استاد دانشگاه تبریز)
دکتر سیده منور یزدی (استاد دانشگاه الزهرا)

ویراستار انگلیسی: دکتر ایوب دبیری (استادیار زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)
گرافیکست: دکتر رحمان پرچگانی (استادیار گروه هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر)

شاپا چاپی ۷۸۸۴-۲۲۲۸- شاپا الکترونیکی ۵۰۷-۲۹۸۱

چاپ: سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی / ناشر: انتشارات علمی، معاونت علمی دانشگاه آزاد اسلامی
اسلامی واحد ابهر / نشانی: ابهر، کیلومتر ۴ جاده ترانزیتی ابهر - خرمدره

تلفن: ۰۲۴۳۵۲۲۶۰۸۰ دورنگار: ۰۲۴۳۵۲۲۶۹۸۸
E-mail: abharjournal@gmail.com

راهنمای نویسندگان

فصلنامه پژوهش‌های کاربردی در علوم رفتاری مقاله‌های برگرفته از یافته‌های اصیل و جدید پژوهشی در زمینه‌های مختلف روان‌شناسی را چاپ می‌کند. رعایت موارد زیر برای تنظیم مقاله الزامی است:

چهارچوب مقاله

عنوان: مختصر و متناسب با محتوا؛

نام و وابستگی سازمانی نویسندگان: مانند مثال زیر:

گروه...، واحد...، دانشگاه آزاد اسلامی، نام شهر، ایران

Department of ..., ... Branch, Islamic Azad University, City, Iran

دکتر مجتبی امیری مجد

نویسنده مسئول: دانشیار گروه روان‌شناسی، واحد ابهر، دانشگاه آزاد اسلامی، ابهر، ایران.

Mo.Amiri@iau.ac.ir

Mojtaba Amiri Majd Ph.D

Associate Professor, Department of Psychology, Abhar Branch, Islamic Azad University, Abhar, Iran.

Mo.Amiri@iau.ac.ir

چکیده فارسی: حداکثر ۲۵۰ کلمه و شامل هدف، روش (نمونه روش نمونه‌گیری، ابزار)، یافته‌ها و نتیجه‌گیری. چکیده فقط در قالب یک پاراگراف به هم پیوسته نوشته شود و تیتربندی نشود.

واژه‌های کلیدی (۳ تا ۵ واژه).

چکیده انگلیسی: معادل و مطابق چکیده فارسی؛ (به هیچ وجه از نرم‌افزار برای ترجمه چکیده استفاده نشود).

مقدمه: بیان مساله، مبانی نظری و پیشینه پژوهش، پرسش(ها) یا فرضیه(های) پژوهش؛

روش: جامعه آماری، نمونه و روش نمونه‌گیری، روش اجرای پژوهش، ابزار سنجش با معرفی زیرمقیاس‌ها، شیوه نمره‌گذاری، ویژگی‌های روان‌سنجی در نمونه‌های ایرانی و غیر ایرانی. ابزار سنجش فقط در یک پاراگراف پیوسته معرفی شود.

یافته‌ها: نتایج پژوهش، همراه با جدول‌ها و نمودارهای ضروری مطابق ضوابط و الگوهای APA؛ فقط جداول ضروری و مهم آورده شوند.

بحث: بررسی نتایج پژوهش و تبیین یافته‌ها، شرح پیامدهای عملی و نظری، بیان محدودیت‌ها و پیشنهادها؛

منابع: منابعی که در متن مقاله از آن‌ها استفاده شده است، مطابق ضوابط APA به شرح زیر تنظیم شوند:

در بخش منابع، فهرست آثار و اسنادی که در متن مقاله به آن‌ها اشاره شده است، می‌آید. این فهرست به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی مؤلفان آثار، بدون ذکر شماره مرتب می‌شود و هر اثر تنها یک بار می‌آید. در ذکر هر اثر یا هر منبع چهار دسته اطلاعات زیر لازم است که باید به دنبال هم بیایند.

۱- مؤلف یا مؤلفان

۲- تاریخ انتشار اثر

۳- عنوان اثر

۴- اطلاعات مربوط به انتشار اثر مانند شهر، ایالت یا کشور، محل انتشار اثر، نام ناشر.

چهار مورد فوق با نقطه از هم جدا می‌شوند. به نمونه‌های زیر توجه شود:

کتاب‌های تألیفی: سیف، علی‌اکبر. (۱۴۰۰). مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری. تهران: دوران.

کتاب‌های ترجمه‌شده: نیومن، باربارا؛ نیومن، فیلیپ. (۱۳۹۹). نظریه‌های رشد. (ترجمه مجتبی امیری مجد) تهران: دانژه. (تاریخ انتشار اثر به زبان اصلی، ۲۰۰۹).

رساله‌ها و پایان‌نامه‌ها: گرجی، یوسف. (۱۳۷۳). رابطه بین میزان محبوبیت اجتماعی استادان از نظر دانشجویان و نحوه ارزشیابی دانشجویان از فعالیت‌های آموزشی آنان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. چاپ‌نشده. دانشگاه علامه طباطبائی تهران. مقاله‌ها: سیف، علی‌اکبر. (۱۳۶۹). تعریف و طبقه‌بندی تفکر. دانشنامه ۲، ۶۵-۵۰.

- **Journal Article:**

- Hughes, G., Desantis, A., & Waszak, F. (2013). Mechanisms of intentional binding and sensory attenuation: The role of temporal prediction, temporal control, identity prediction, and motor prediction. *Psychological Bulletin*, 139, 133–151. <http://dx.doi.org/10.1037/a0028566>.

- **Authored Book:**

- Rogers, T. T., & McClelland, J. L. (2004). *Semantic cognition: A parallel distributed processing approach*. Cambridge, MA: MIT Press.

- **Chapter in an Edited Book:**

- Gill, M. J., & Sypher, B. D. (2009). Workplace incivility and organizational trust. In P. Lutgen-Sandvik & B. D. Sypher (Eds.), *Destructive organizational communication: Processes, consequences, and constructive ways of organizing* (pp. 53–73). New York, NY: Taylor & Francis.

زیرنویس‌ها: توضیحات و معادل انگلیسی اصطلاحات و اسامی مؤلفان پایین هر صفحه با شماره‌های مجزا برای هر صفحه؛

نکات مهم

مقاله پیش‌تر در هیچ نشریه‌ای چاپ نشده باشد.

مسئولیت محتوای علمی مقاله، با نویسنده یا نویسندگان است.

مقاله با نسخه نرم‌افزار رایانه‌ای Word حداکثر در ۱۵ صفحه (فونت زر، اندازه ۱۲، فاصله خطوط ۱) تایپ‌شده باشد.

مقاله فقط باید از طریق سامانه مجله بارگذاری شود. مجله در رد، اصلاح و ویرایش مقاله آزاد است. پس از غربال‌گری اولیه و در صورتی که مقاله از نظر چهارچوب ظاهری و علمی با استانداردهای مجله هماهنگ باشد برای داوری و ارزیابی دقیق ارسال می‌شود. پس از انجام فرایند داوری مقاله، نتیجه پذیرش یا رد مقاله از طریق سامانه به نویسنده مسئول اعلام می‌شود. در صورتی که مقاله نیاز به اصلاح داشته باشد پس از انجام اصلاحات مورد نظر داوران و تایید سردبیر مجله، نامه پذیرش صادر می‌شود و مقاله در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	الگوی ساختاری رفتارهای انحرافی براساس سبک های هویت و هنجارهای اجتماعی در نوجوانان / طوبی سورتچی، محمد قمری، سیمین حسینیان
۲۵	الگویابی معادلات ساختاری شکایات روان تنی براساس حساسیت اضطرابی و مکانیزم های دفاعی با میانجی گری سیستم بازداری رفتاری در دختران نوجوان / مهناز افراسیابی، فرهاد جمهری، لیدا لیل آبادی
۴۱	رابطه ی سبک های مقابله ای و اضطراب با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان / سارا محمدی، دکترجهان سادات اسدی
۵۸	طراحی و اعتباربخشی برنامه آموزشی فرزند پروری مبتنی بر شفقت ورزی مادران / مرضیه اکبری، پریسا تجلی، یلدا دلگشایی
۷۴	اثربخشی طرحواره درمانی بر همجواری شناختی و سرزندگی تحصیلی دانش آموزان دختر اقدام کننده به خودکشی / مرضیه جمشیدی، پروین احتشام زاده، مرضیه طالب زاده شوشتری، رضا پاشا، سامان باوی
۸۷	نقش واسطه ای تعرض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت / سحر وافقی، سعید جهانیان



الگوی ساختاری رفتارهای انحرافی بر اساس سبک‌های هویت و هنجارهای اجتماعی در نوجوانان

طوبی سورتیچی^۱، محمد قمری^۲، سیمین حسینیان^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۱۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۱۱

چکیده

هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی رفتارهای انحرافی براساس سبک‌های هویت هنجارهای اجتماعی در نوجوانان بود. این پژوهش از نوع توصیفی همبستگی بوده است؛ جامعه‌ی آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان نکا (مجموعاً ۴۲۰۰ نفر) در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. تعداد نمونه در این پژوهش ۳۰۰ نفر بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه‌های سبک‌های هویت بزونسکی، پرسشنامه هنجارهای اجتماعی، پرسشنامه رفتارهای انحرافی بود. روش آماری در این پژوهش از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. برای انجام مباحث مدل‌سازی، از نرم‌افزار SmartPLS بهره گرفته شد. نتایج نشان داد مدل پژوهش، دارای برازش مناسب است و مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم ۸۰ درصد از متغیر رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان توسط سبک‌های هویت و هنجارهای اجتماعی قابل تبیین می‌باشد. از این میان عامل تعهد از قسمت سبک‌های هویت بیشترین تأثیر و جهت‌گیری اطلاعاتی کمترین میزان تأثیرگذاری نسبت به بقیه ابعاد سبک‌های هویتی را داراست. از دیگر متغیرها می‌توان به هنجار اجتماعی نام برد که به‌صورت جداگانه مبین پیش‌بینی کاهش رفتار انحرافی می‌باشند؛ که به‌نوبه خود می‌تواند تلویحات کاربردی در جهت کاهش رفتارهای انحرافی نوجوانان و بهبود وضعیت روان‌شناختی آنان ارائه دهد.

کلیدواژه‌ها: سبک‌های هویت، هنجارهای اجتماعی، رفتارهای انحرافی، مدل ساختاری، نوجوانان.

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران.

۲. استاد، گروه مشاوره، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. Mo.ghamari@iau.ac.ir

۳. استاد گروه مشاوره دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

مقدمه

توافق در مورد سن جرم (موفیت، ۱۹۹۳؛ شولمن و همکاران، ۲۰۱۳؛ فرینگتون، ۲۰۱۷) نشان می‌دهد که نوجوانان بیش‌تر از گروه‌های بزرگ‌سالان درگیر رفتارهای انحرافی می‌شوند. رفتارهای انحرافی مصداق گوناگونی دارد. پدیده رفتارهای انحرافی شامل نقطه مرکزی در موضوعات علوم اجتماعی می‌شود. شاید به دلیل اینکه به اخلاق و ترتیب‌های مهم اجتماعی مربوط می‌شود. طیف گسترده موارد مرتبط با تعاریف و مطالعه رفتارهای انحرافی سطحی از پیچیدگی این پدیده را نشان می‌دهد. پارسونز (۱۹۵۱) بر تأثیر رفتارهای انحرافی، هم بر زندگی فردی و هم بر ماکرو سیستم تأکید می‌کند. رفتارهای انحرافی طیف وسیعی از رفتارهایی را که طی آن افراد قواعد و هنجارهای سازمان محل کار خود را زیر پا می‌گذارند و هزینه‌های آشکار و پنهان و آسیب‌هایی به سازمان و افراد مرتبط با آن وارد می‌کنند، دربر می‌گیرد (بنت و رایبسون، ۲۰۰۵).

در تبیین انحرافات اجتماعی بر مبنای پیش فرضی که در مورد خرده نظام‌های چهارگانه فرهنگ، اجتماع، شخصیت و اقتصاد مطرح شده، شکل گرفته است. کارکردهای مناسب هریک از این خرده نظام‌ها و ارتباط و کنش متقابل بین آن‌ها عامل کنترل‌کننده هر جامعه و همچنین عامل بقا و پایداری نظام اجتماعی است. در مقابل، عدم تعادل و بی‌سازمانی در هریک از خرده نظام‌ها حیات جامعه را تهدید کرده زمینه را برای رفتار انحرافی فراهم می‌سازد. از دید پارسونز، نهادها و سازمان‌های اجتماعی عوامل اجرایی و ابزارهای جامعه‌پذیری الگوهای رفتاری و درونی ساختن آن‌ها در افراد هستند. در صورتی که نهادها و سازمان‌های کارگزار جامعه‌پذیری نظیر خانواده، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی کارایی لازم را نداشته باشند جامعه دچار بی‌سازمانی اجتماعی گردیده و پیامد آن شیوع رفتارهای انحرافی در جامعه است (احمدی، ۱۳۸۹). درعین حال تبیین این رفتارها را می‌توان در رابطه با سایر مفاهیم جامعه‌شناختی در رابطه گذاشت مانند: رفتارهای انحرافی و ارزش و هنجارهای اجتماعی، رفتارهای انحرافی و سبک‌های هویت، رفتارهای انحرافی و هوش اخلاقی، رفتارهای انحرافی خفیف و شبکه روابط.

در دوران بلوغ، خانواده‌ها شاهد تحول در زمینه فرهنگی، اخلاقی و دینی نوجوانان هستند. بسیاری از نوجوانان مشکل‌دار، دچار رشد نایافتگی و خودمحوری هستند. رشد ارزش‌ها و باورهای اخلاقی، پدیده بسیار پیچیده‌ای است و باید جوانب مختلف شناختی، عاطفی، رفتاری و فرهنگی-اجتماعی آن را مورد توجه قرارداد این خود گویا توجه به بعد اخلاق و هوش اخلاقی است. همچنین اختلال در روابط نوجوانان با خانواده، زمینه جدایی نوجوانان از بافت خانواده را فراهم می‌سازد (لطف‌آبادی، ۱۳۹۸). لذا دست یافتن به هویتی منسجم و یکپارچه که بتواند تمامی این جوانب را هماهنگ و هم‌راستا سازد، از ضروریات این دوره برای نوجوانان محسوب می‌شود و بررسی راه‌های رسیدن به هویت و سبک‌های هویت می‌تواند مفید باشد. سبک‌های هویت به آن دسته از فرآیندهای اجتماعی-شناختی مبتنی است که طی آن افراد براساس شیوه ترجیحی پردازش و ارزیابی اطلاعات مربوط به خود و تصمیمات فردی خود در وضعیت‌های متفاوت قرار می‌گیرند. دارای ۴ مؤلفه جهت‌گیری اطلاعاتی-هنجاری-سردرگم/اجتنابی-تعهد می‌باشد (بروزنسکی، ۱۹۸۹).

1. Moffitt, T. E
2. Shulman, E. P., Steinberg, L. D., and Piquero, A. R
3. Farrington, D. P
4. Parsons, T
5. Bennett-and-Robinson
6. Berzonsky, M.D

در شکل گیری هویت عوامل مختلفی تأثیر دارند. بدین معنی که در فرآیند تحول هویت و شکل گیری آن در کنار عوامل فردی، عوامل مختلف محیطی نیز تأثیرگذارند. محتوای هویت را گاهی مذهب، شغل، نقش جنسی و جهت گیری سیاسی شکل می دهد و یا بر اساس نظریه شناختی-اجتماعی برزونسکی (۲۰۰۳؛ غضنفری، ۱۳۸۳)، محتوای هویت توسط اسنادها، صفات و یا عناصری که هویت به وسیله آن تعریف می شود شکل می گیرد. . باین حال، در زندگی معمولی، هویت هایی که ساخته می شوند و به دیگران منتقل می شوند، اغلب با ترجیحات افراد مرتبط است: چیزهایی که به آنها اهمیت می دهند و دوست دارند.. به ترجیحات زیبایی شناختی و هنرها نیز می توانند ارتباط تنگاتنگی با (خود) داشته باشند و تغییر در ذائقه و ارزش های زیبایی شناختی ممکن است به عنوان تغییر در شخصیت تلقی شود.

انحراف از اخلاق و قوانین اساسی مربوط به فرهنگ مشخص می شود. رفتارها در سطح فردی، بر رفتار در سطح اجتماعی تأثیر دارد. بر اساس دیدگاه کلان، انحراف در مقابل کنترل اجتماعی قرار دارد (کیو بان و همکاران، ۲۰۲۱). انحراف های اجتماعی، ایزوله شدن و غیرقابل قبول بودن را در جامعه نشان می دهند. در مقابل، تحریم ها و محدودیت هایی مانند شرم و احساس گناه (عذاب وجدان متعارف) باعث پذیرش فرد در جامعه می شود (الی اس، ۱۹۷۸؛ پاین ۲۰۱۶). یکی از مکانیسم های درونی کردن شرم و احساس گناه، به عنوان یک تمرین انضباطی، تمرکز بر به تصویر کشیدن رفتار نرمال و قاعده مند در جامعه است (شوارتز، ۲۰۱۹) که از ضرورت توجه به هنجارهای اجتماعی سخن می گوید.

هنجار اجتماعی اصطلاح دانش جامعه شناسی به الگوی رفتاری گفته می شود که روابط و کنش های اجتماعی را تنظیم می کند، اکثریت جامعه خود را به آن پایبند می دانند و در صورتی که شخصی آن را رعایت نکند (هنجار شکنی)، جامعه او را مجازات می کند. هنجار اجتماعی به منزله مفهومی اصلی در جامعه شناسی امروزه نقش مهمی در پیش بینی و تبیین رفتار انسانی بازی می کند. هنجارها در واقع قواعد و دستورالعمل های رفتار اجتماعی و باورهای هستند درباره آنچه معمولاً انجام می شود و دیگران در موقعیتی خاص آنها را تأیید یا رد می کنند (خواجه رشیدان، ۱۳۸۷).

نتایج پژوهش بهرامی، زندی، اکبری و جدیدی (۱۳۹۹) که با عنوان تدوین مدل علی رفتارهای پرخطر بر اساس سرمایه اجتماعی و مسئولیت پذیری با نقش میانجی هویت اخلاقی (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه) صورت گرفته نشان داده است هویت اخلاقی، سرمایه اجتماعی و مسئولیت پذیری بر رفتارهای پرخطر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه اثر معنی داری دارد. همچنین پژوهش حمیدی پور و رجبی که در سال ۱۳۹۷ با هدف پیش بینی احساس امنیت اجتماعی بر اساس معنویت، هویت اجتماعی و هوش فرهنگی صورت گرفته گویای این بوده بین احساس امنیت اجتماعی و هویت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می دهد که متغیر هویت اجتماعی در پیش بینی متغیر امنیت اجتماعی بیشترین اهمیت را دارد. در پژوهشی که دیمانت (۲۰۱۸) با عنوان نقش هویت اجتماعی و هوش اجتماعی در پیش بینی رفتارهای پرخطر دانش آموزان انجام داده است مشخص شده است که هویت اجتماعی و هوش اجتماعی دو عامل برجسته در پیش بینی رفتارهای پرخطر دانش آموزان است. همچنین مطالعات موردی نشان داده است رفتارهای انحرافی ارتباط نزدیکی با تعریف دقیق از رفتار اجتماعی بهنجار دارد (هانیموگلو، ۲۰۱۸).

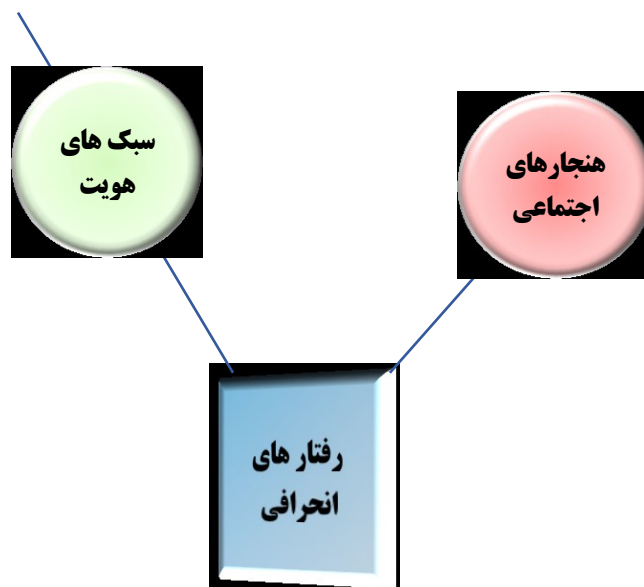
1. Cioban S, Lazăr AR, Bacter C, Hatos A
2. Elias, N
3. Payne, A. A
4. Schwartz, J. A
5. Social norm
6. Demant, D
7. Hanimoglu, E

نتایج پژوهش ایساکیان و لوکانیوکان (۲۰۲۰) با عنوان «جستجو در مورد هویت اجتماعی نوجوانان دارای رفتار انحرافی» نشان داده تحلیل فناوری‌های روان‌شناختی و تربیتی برای شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان دارای رفتار انحرافی، مفید بوده و امکان استفاده از الگوهای رفتار موفق و مورد تأیید اجتماعی را برای جنبه‌های مختلف زندگی نوجوانان تأیید کرده است. همچنین نتایج پژوهش بی‌بی و همکاران (۲۰۲۱) با عنوان «رابطه بین خود پنداره و رفتار انحرافی نوجوانان در پاکستان» نشان داده بین خود پنداره و رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه معنادار وجود دارد. در پژوهشی که گراوند (۱۴۰۱) با عنوان «مدل‌یابی ساختاری سبک‌های هویت با گرایش به رفتارهای پرخطر در دانشجویان: نقش واسطه‌ای ناگویی هیجانی» انجام داده است مشخص شده است که سبک‌های هویت سردرگم-اجتنابی و تعهد بر گرایش به رفتارهای پرخطر تأثیر مستقیم داشتند. همچنین، سبک‌های هویت سردرگم-اجتنابی و تعهد به واسطه‌ی ناگویی هیجانی بر گرایش به رفتارهای پرخطر تأثیر غیرمستقیم داشتند. سبک هویت هنجاری بر گرایش به رفتارهای پرخطر و ناگویی هیجانی اثر مستقیم داشت، اما سبک هویت اطلاعاتی بر گرایش به رفتارهای پرخطر و ناگویی هیجانی اثر مستقیم نداشت. علاوه بر این، ناگویی هیجانی بر گرایش به رفتارهای پرخطر دارای اثر مستقیم بود. درواقع افراد دارای سبک هویت تعهد، هیجانات مثبت بیشتری را تجربه خواهند کرد و بهتر هیجانات خویش را تنظیم می‌کنند، اما افراد دارای سبک هویت سردرگم-اجتنابی، نارسایی در فهم، وصف و پردازش هیجان دارند، که این امر سبب گرایش آنان به رفتارهای پرخطر (مصرف مواد، سیگار، و مصرف الکل و...) می‌شود. لذا پیشنهاد می‌شود متصدیان آموزشی با پرداختن به هویت ایرانی-اسلامی، موجبات هدایت دانشجویان را به سوی سبک هویت تعهد و با آموزش دانشجویان دارای سبک هویت سردرگم-اجتنابی، ناگویی هیجانی را در آنها کاهش دهند تا گرایش آنان به رفتارهای پرخطر کمتر شود. همچنین در پژوهشی که میری، سهراب زاده و خوش‌بیانی آرانی (۱۴۰۲) با عنوان «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل به ارتکاب رفتارهای انحرافی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان» انجام دادند؛ بررسی روابط بین متغیرها بیان‌گر برای این است که میزان وقوع رفتارهای انحرافی در بین پسران بیشتر از دختران می‌باشد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد که متغیرهای مورد استفاده در این تحقیق که شامل (میزان روابط دوستانه، گروه‌های مرجع، میزان رضایت‌مندی از زندگی، میزان پیوستگی اجتماعی، تضاد ارزشی، رعایت هنجارهای اجتماعی، تأیید کنترل اجتماعی و مشروعیت اجتماعی) است به خوبی تمایل به ارتکاب رفتارهای انحرافی در میان دانشجویان را تبیین می‌کنند. نتایج حاصل از تحلیل‌های رگرسیونی نشان داده که این عوامل به طور هم‌زمان ۰/۶۱ بر تمایل به ارتکاب رفتارهای انحرافی تأثیرگذار می‌باشد.

با توجه به حساس بودن گروه نوجوانان و با در نظر گرفتن این موضوع که این قشر آینده‌سازان کشور هستند روزبه‌روز بر همگان اهمیت پژوهش بر این قشر روشن‌تر می‌شود. همچنین، در مطالعات قبلی نشان داده شد که هویت، هویت اجتماعی، هوش اجتماعی و هنجارهای اجتماعی از عوامل مؤثر بر پیش‌بینی رفتارهای انحرافی نوجوانان است؛ اما مطالعات انجام‌شده در این زمینه محدود می‌باشد و امکان دستیابی به نتیجه‌گیری کلی و تدوین برنامه‌های کاربردی را دشوار می‌سازد. به همین دلیل پژوهش حاضر باهدف مدل‌یابی رفتارهای انحرافی بر اساس سبک‌های هویت و هنجارهای اجتماعی انجام شد.

فرضیه اول: سبک‌های هویت بر رفتارهای انحرافی نوجوانان اثر مستقیم دارد.

فرضیه دوم: هنجارهای اجتماعی بر رفتارهای انحرافی نوجوانان اثر مستقیم دارد.



شکل ۱- الگوی مفهومی پژوهش

روش شناسی پژوهش

این پژوهش با توجه به هدف آن از نوع تحقیقات کاربردی و ازلحاظ شیوه گردآوری داده ها و تحلیل آن ها به روش توصیفی و از نوع طرح های همبستگی و روش مدل یابی معادلات ساختاری می باشد؛ همچنین پژوهش حاضر به لحاظ نوع داده از نوع کمی است. به علت ناتوانی روش های آماری همبستگی و رگرسیون در تبیین روابط علت و معلولی میان متغیرها، روش الگویابی معادلات ساختاری کاربرد زیادی پیدا کرده است. باآنکه این روش محدودیت روش های مذکور را برطرف نموده است، اما می توان آن را ترکیبی از روش های مذکور و تحلیل عامل تأییدی قلمداد نمود (حبیبی و کلاهی، ۱۴۰۱). بنابراین پژوهش حاضر از نوع توصیفی همبستگی با کمک معادلات ساختاری است.

جامعه آماری، روش نمونه گیری و حجم نمونه

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه اول شهرستان نکا (مجموعاً ۴۲۰۰ نفر) در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بود. برای انتخاب نمونه های موردپژوهش از روش نمونه گیری تصادفی از نوع خوشه ای استفاده شد، به این صورت که ابتدا شهرستان نکا به ۲ ناحیه شهری و روستایی تقسیم شد. سپس از هر دو ناحیه تعداد ۶ دبیرستان انتخاب شد و از هر دبیرستان ۲ کلاس به عنوان واحد نمونه گیری در نظر گرفته شد. با توجه به نوع مطالعه و تعداد متغیرهای پیش بین در تحلیل معادلات ساختاری بنا به توصیه محققان (تاباچنیک و فیدل، ۲۰۰۷). حجم نمونه باید حداقل ۱۰ برابر تعداد متغیرها به اضافه ۵۰ باشد. در پژوهش حاضر درمجموع ۲۱ متغیر مکنون و مشاهده شده وجود

داشته (۲۶۰=۵۰+۱۰*۲۱). بنابراین حداقل ۲۶۰ نمونه مورد نیاز بوده است. در این مطالعه برای کاهش خطای نمونه‌برداری و جلوگیری از افت آزمودنی‌ها تا ۳۰۰ نفر افزایش داده شد.

معیارهای ورود: داشتن صحت عقلی، داشتن سن ۱۳ تا ۱۵ سال، دانش آموز مقطع متوسطه اول بودن، داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن

معیارهای خروج: آزمودنی‌های بی تفاوت که بدون اینکه پرسشنامه را مطالعه کنند به صورت تصادفی اقدام به پر کردن پرسشنامه کردند ابتدا به صورت چشمی حذف شدند (مثلاً با نگاه کردن به پرسشنامه آزمودنی‌هایی که به صورت ضربدری پرسشنامه را پر کردند یا همه پاسخ‌ها را یک گزینه انتخاب کرده‌اند پیدا و سپس توسط نرم افزار اکسل حذف شدند).

رضایت آگاهانه

در ابتدا سعی شد اهداف پژوهش تا آنجایی که در عملکرد دانش آموزان تاثیر نداشته و دچار سوگیری نشوند برای آن‌ها توضیح داده شود. در نتیجه دانش آموزان به میل و رغبت خود پرسشنامه را تکمیل نمودند که به نوبه خود باعث شد پژوهش دارای داده‌های مفقود شده، داده‌های پرت و آزمودنی‌های بی تفاوت نباشد. همچنین بر محرمانه بودن پاسخ‌ها نیز تاکید شد تا آزمودنی‌ها در کمال آرامش و صداقت گویه‌های پرسشنامه را پاسخ دهند.

ابزارها

پرسشنامه سبک هویت^۱

پرسشنامه سبک هویت برزونسکی به منظور هویت افراد توسط برزونسکی در سال ۱۹۸۹ ساخته و در سال ۱۹۹۲ مورد تجدیدنظر قرار گرفت. این آزمون یک ابزار خود گزارشی ۴۰ عبارتی است که از ۴ زیر مقیاس تشکیل یافته است که شامل جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری، جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی و تعهد است. پرسشنامه سبک هویت (برزونسکی، ۱۹۹۲؛ غضنفری، ۱۳۸۳) یک مقیاس ۴۰ سؤالی است که ۱۱ سؤال آن مربوط به مقیاس اطلاعاتی، ۹ سؤال مربوط به مقیاس هنجاری، ۱۰ سؤال آن مربوط به مقیاس سردرگم یا اجتنابی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به مقیاس تعهد است که برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و یک سبک هویتی محسوب نمی‌شود. مقیاس ۴۰ سؤالی است که ۱۱ سؤال آن مربوط به مقیاس اطلاعاتی، ۹ سؤال مربوط به مقیاس هنجاری، ۱۰ سؤال آن مربوط به مقیاس سردرگم یا اجتنابی و ۱۰ سؤال دیگر مربوط به مقیاس تعهد است که برای تحلیل ثانویه استفاده می‌شود و یک سبک هویتی محسوب نمی‌شود. روایی آن از طریق ارزیابی همبستگی با مقیاس وضعیت هویت بنیون و آدامز^۲ (۱۹۸۶) تأیید شده است (برزونسکی، ۱۹۸۸). نتایج نشان داد که هویت کسب‌شده با زیر مقیاس جهت‌گیری اطلاعاتی و تعهد و هویت تأخیری با زیر مقیاس‌های تعهد، جهت‌گیری هنجاری، جهت‌گیری اطلاعاتی و جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی همبستگی دارد.

2. Identity Styles Questionnaire

3. Adams, G. R.

غضنفری (۱۳۸۳) نیز ضریب پایایی آن را از طریق آلفای کرانباخ به دست آورده است. آلفای کرانباخ به دست آمده برای هر یک از زیر مقیاس ها عبارت بود از: تعهد ۰,۷۵، جهت گیری هنجاری ۰,۷۲، جهت گیری سردرگم/اجتنابی ۰,۸۲، جهت گیری اطلاعاتی ۰,۷۶، و مقیاس کل ۰,۸۳.

نمره گذاری و تفسیر

نمره گذاری پرسشنامه پرسشنامه سبک هویت برزونسکی بر اساس یک مقیاس ۵ درجه ای انجام می گیرد؛ که امتیاز هر یک به ترتیب ذیل است: کاملاً مخالفم: ۱، مخالفم: ۲، نظری ندارم: ۳، موافقم: ۴، کاملاً موافقم: ۵. برای به دست آوردن نمره هر زیر مقیاس باید امتیاز مربوط به هر زیر مقیاس با هم جمع شوند. برخی از عبارت ها به صورت منفی نمره گذاری می شوند. عبارت های ۹-۱۴-۱۱ و ۲۰ به صورت معکوس نمره گذاری می شود. نمراتی که در هر زیر مقیاس بالاتر باشند نشان دهنده سبک هویتی غالب آن فرد می باشد.

پرسشنامه هنجارهای اجتماعی^۱

پرسشنامه فوق دارای سه بعد (خانواده، مدرسه و جامعه) بوده که سؤالات مربوط به هر بعد در جدول زیر ارائه گردیده است:

بعد خانواده سؤال ۱ تا ۱۴

بعد مدرسه سؤال ۱۵ تا ۲۶

بعد جامعه سؤال ۲۷ تا ۳۰

برای به دست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات سؤالات مربوط به آن بعد را باهم جمع نمایید. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سؤالات را باهم جمع کنید. نمرات بالا در هر بعد نشان دهنده رعایت هنجار اجتماعی بیشتر در آن بعد می باشد و نمرات پایین تر نشان دهنده عدم رعایت هنجار اجتماعی در آن بعد می باشد.

روایی و پایایی

در پژوهش خواجه رشیدان (۱۳۸۷) اعتبار پرسشنامه توسط متخصصین فن و نظر صاحب نظران علوم اجتماعی و کمیسیون تخصصی شورای تحقیقات مورد تأیید قرار گرفت. پایایی پرسشنامه به وسیله روش دونیمه کردن پرسشنامه و آلفای کرونباخ محاسبه گردید که میزان ۷۷/۰ به دست آمد که حاکی از پایایی خوب این ابزار می باشد.

پرسشنامه رفتارهای انحرافی^۲

این پرسشنامه دارای ۱۸ سؤال بوده و هدف آن ارزیابی میزان گرایش به رفتارهای نابهنجار در بین دانش آموزان می باشد. طیف پاسخ دهی آن از نوع لیکرت پنج گزینه ای می باشد.

این پرسشنامه دارای ۴ بعد (روحیه وندالیستی، خشونت و درگیری، دزدی و تقلب و سرکشی) می باشد. برای به دست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، امتیازات مربوط به تک تک سؤالات را باهم جمع نمایید. این امتیاز دامنه ای از ۱۸ تا ۱۰۸ خواهد داشت. در پژوهش رستمی و راد (۱۳۹۲) اعتبار صوری و محتوایی این پرسشنامه تحت نظر اساتید دانشگاهی به تأیید رسیده است.

پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ موردسنجش قرار گرفت:

روحیه وندالیستی ۰/۶۳

خشونت و درگیری ۰/۶۹

دزدی و تقلب ۰/۶۱

تمرد و سرکشی ۰/۷۱

نمره گذاری و تفسیر

برای بدست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات سوالات مربوط به آن بعد با هم جمع می شوند. برای بدست آوردن امتیاز کلی پرسشنامه، مجموع امتیازات همه سوالات با هم جمع می شوند. نمرات بالاتر نشان دهنده رفتار انحرافی بالاتر و نمرات پایین تر نشان دهنده رفتار انحرافی کمتر می باشد.

روش آماری پژوهش از نوع معادلات رگرسیونی ساختاری با استفاده از نرم افزار smartpls3 بود. این مطالعه توسط کمیته اخلاق پزشکی دانشگاه واحد علوم تحقیقات با شناسه اخلاق IR.IAU.SRB.REC.1403.107 تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها

جدول ۱ توصیف آماری متغیرهای پژوهش

در جدول ۱، شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش نمایش داده شده است. لازم به ذکر است، کمینه و بیشینه هر یک از متغیرهای زیر به ترتیب ۱ و ۵ می باشد.

جدول ۱ توصیف آماری متغیرهای پژوهش

متغیر	بعد	میانگین	انحراف استاندارد	چولگی	کشیدگی
سبک‌های هویت	جهت‌گیری اطلاعاتی	۳,۳۷	۰,۶۲	۰,۲۲	-۰,۳۴
	جهت‌گیری هنجاری	۳,۲۳	۰,۷۸	-۰,۰۶	۰,۳۷
	جهت‌گیری سردرگم/اجتنابی	۳,۳۱	۰,۸۴	-۰,۱۱	-۰,۵۴
	تعهد	۳,۳۸	۰,۶۱	۰,۱۵	-۰,۲۹
هنجارهای اجتماعی	هنجارهای اجتماعی	۳,۲۶	۰,۷۵	-۰,۰۴	-۰,۱۹
رفتارهای انحرافی	رفتارهای انحرافی	۳,۱۹	۰,۷۷	-۰,۰۳	۰,۳۵

اطلاعات جدول فوق مشخصه‌های آماری همچون میانگین، انحراف استاندارد، چولگی و کشیدگی را برای متغیرهای پژوهش نشان می‌دهد. همچنین، با توجه به مقادیر چولگی و کشیدگی که در بازه‌ی معقول (۲- و ۲) برای حدس بر نرمال بودن داده‌ها قرار دارند، می‌توان فرض نرمال بودن داده‌ها را مطرح کرده و پذیرفت.

همبستگی بین متغیرها

پس از بررسی نرمال بودن داده ها، رابطه (همبستگی) بین متغیرهای پژوهش، مورد ارزیابی قرار گرفته است. بنابراین، از آزمون همبستگی استفاده شده است و نتایج آن در ماتریس جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲-ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

سازه		جهت گیری اطلاعاتی	جهت گیری هنجاری	جهت گیری سردرگم/اجتنابی	تعهد	هنجارهای اجتماعی
رفتارهای انحرافی	همبستگی	***۰,۵۹۱	***۰,۵۸۷	***۰,۵۷۳	۰,۵۴***	***۰,۵۲۲
	سطح معناداری	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰	۰,۰۰۰

همان طور که از ماتریس فوق مشخص است، علامت *** نشان دهنده وجود همبستگی بین متغیرهای پژوهش در سطح ۰,۰۱ را نشان می دهد. یعنی، بین متغیرهای پژوهش رابطه معنادار وجود دارد.

جهت آزمون الگوی پیشنهادی رفتارهای انحرافی بر اساس سبک های هویت و هنجارهای اجتماعی، از روش الگویابی معادلات ساختاری استفاده شد. در ابتدا مفروضه های زیربنایی مدل معادلات ساختاری بررسی شد. جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از کجی و کشیدگی متغیرها و آزمون کولموگروف اسمیرنوف استفاده شد. نتایج ضریب کجی و ضریب کشیدگی نشان داد با توجه به معیار نرمال بودن، متغیرهای پژوهش همگی دارای قدر مطلق ضریب کجی و ضریب کشیدگی کوچک تر از ۲ هستند و لذا تخطی از نرمال بودن داده ها قابل مشاهده نبود. نتایج آزمون کولموگروف اسمیرنوف نیز گویای نرمال بودن توزیع پراکندگی متغیرهای پژوهش بود ($P > 0.05$). در الگوی پیشنهادی رفتارهای انحرافی به عنوان متغیر پیش بین (مستقل) و سبک های هویت و هنجارهای اجتماعی به عنوان متغیر ملاک (وابسته) هستند. برازندگی الگوی پیشنهادی بر اساس ترکیبی از سنجش های برازندگی جهت تعیین کفایت برازش الگوی پیشنهادی با داده ها مورد استفاده قرار گرفتند که نتایج آن در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۳-شاخص های برازش مدل سبک های هویت و هنجارهای اجتماعی در رابطه با رفتارهای انحرافی

شاخص	ضریب تعیین R^2	شاخص اشتراک
ارزیابی برازش مدل فرضیه اول	۰,۶۹۹	۰,۵۴
ارزیابی برازش مدل فرضیه دوم	۰,۵۸۹	۰,۵۵

ارزیابی برازش مدل فرضیه اول (سبک‌های هویت بر رفتارهای انحرافی نوجوانان اثر مستقیم دارد) هدف از ارزیابی برازش کل مدل این است که مشخص شود تا چه حد کل مدل با داده‌های تجربی مورد استفاده سازگاری و توافق دارد. مدل یابی معادلات ساختاری، ترکیبی از تحلیل تأییدی و رگرسیون چند متغیره می‌باشد. در این روش، آزمون کلی مدل شامل آزمون مدل اندازه‌گیری (بررسی پایایی و روایی) و آزمون مدل ساختاری (ضریب مسیر و واریانس تبیین شده) می‌باشد.

ضریب تعیین R2

این ضریب مشخص می‌کند که چه میزان از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود. بین سبک‌های هویت بر رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه وجود دارد و ۰,۶۹۹ درصد واریانس متغیر رفتارهای انحرافی به‌وسیله جهت‌گیری اطلاعاتی، جهت‌گیری هنجاری، جهت‌گیری سردرگم و تعهد تبیین می‌شود که ضریب تعیین در حد مناسب و مطلوب است.

شاخص اشتراک^۱

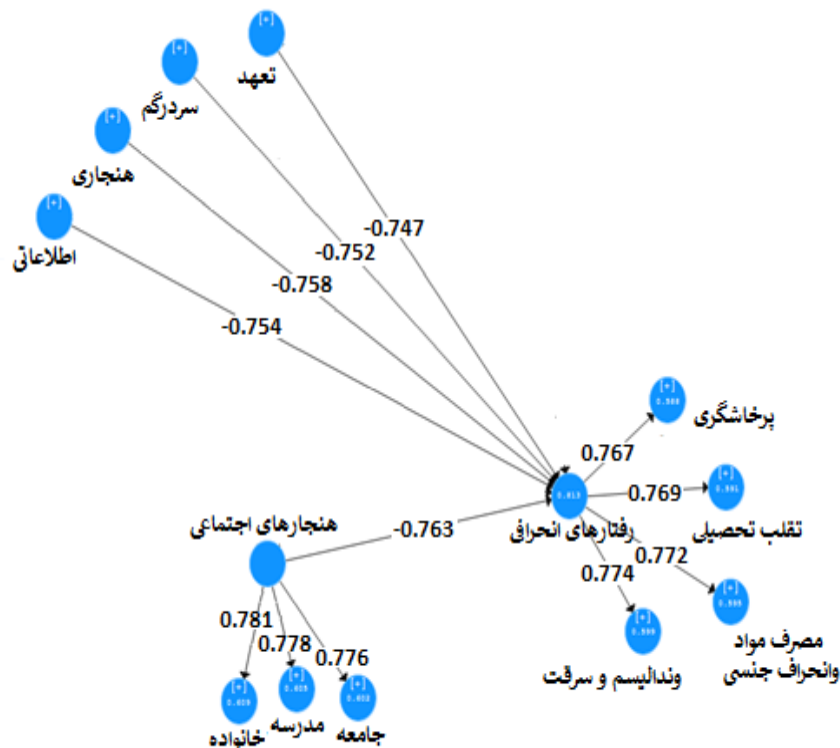
این معیار نشان می‌دهد که چه مقدار از تغییرپذیری شاخص‌ها (سؤالات) توسط سازه مرتبط با خود تبیین می‌شود و از میانگین شاخص اشتراک برای تعیین روایی همگرا استفاده می‌شود که این شاخص ۰,۵۴ است. ارزیابی برازش مدل فرضیه دوم (هنجارهای اجتماعی بر رفتارهای انحرافی نوجوانان اثر مستقیم دارد) هدف از ارزیابی برازش کل مدل این است که مشخص شود تا چه حد کل مدل با داده‌های تجربی مورد استفاده سازگاری و توافق دارد. مدل یابی معادلات ساختاری، ترکیبی از تحلیل تأییدی و رگرسیون چند متغیره می‌باشد. در این روش، آزمون کلی مدل شامل آزمون مدل اندازه‌گیری (بررسی پایایی و روایی) و آزمون مدل ساختاری (ضریب مسیر و واریانس تبیین شده) می‌باشد.

ضریب تعیین R2

این ضریب مشخص می‌کند که چه میزان از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین می‌شود. بین هنجارهای اجتماعی و رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه وجود دارد و ۰,۵۸۹ درصد واریانس متغیر رفتارهای انحرافی به‌وسیله هنجارهای اجتماعی تبیین می‌شود که ضریب تعیین در حد مناسب و مطلوب است.

شاخص اشتراک

این معیار نشان می‌دهد که چه مقدار از تغییرپذیری شاخص‌ها (سؤالات) توسط سازه مرتبط با خود تبیین می‌شود و از میانگین شاخص اشتراک برای تعیین روایی همگرا استفاده می‌شود که این شاخص ۰,۵۵ است. در مدل مفهومی فرض می‌شود که رفتارهای انحرافی با سبک‌های هویت و هنجارهای اجتماعی رابطه دارد. شکل ۲ نشان‌دهنده مسیرهای مدل فرضی سبک‌های هویت و هنجارهای اجتماعی در ارتباط با رفتارهای انحرافی است.



شکل ۲ مسیرهای مدل فرضی نقش سبک های هویت و هنجارهای اجتماعی در رابطه با رفتارهای انحرافی

در جدول ۴ ضرایب مسیر به همراه مقادیر معناداری آورده شده است. همان طور که ملاحظه می شود، همه مسیرها مورد پذیرش قرار گرفته شده است.

جدول ۴ ضرایب مسیر، مقادیر معناداری و وضعیت آن ها

مسیر	ضریب مسیر	مقدار تی	وضعیت
تعهد ← رفتارهای انحرافی	-۰,۷۴۷	-۲۲,۶۱۴	تأیید شد
جهت گیری سردرگم ← رفتارهای انحرافی	-۰,۷۵۲	-۲۲,۶۷۵	تأیید شد
جهت گیری هنجاری ← رفتارهای انحرافی	-۰,۷۵۸	-۲۲,۸۳۸	تأیید شد
جهت گیری اطلاعاتی ← رفتارهای انحرافی	-۰,۷۵۴	-۲۲,۷۴۶	تأیید شد
هنجارهای اجتماعی ← رفتارهای انحرافی	-۰,۷۶۳	-۲۲,۹۱۰	تأیید شد

نرم افزار ضرایب مسیر و عدد معناداری مربوط به هریک از ضرایب را ارائه می کند. در سطح اطمینان ۹۵ درصد اعداد معناداری بالاتر از ۱,۹۶ نرم افزار ضرایب مسیر و عدد معناداری مربوط به هریک از ضرایب را ارائه می کند. در سطح اطمینان ۹۵ درصد اعداد معناداری بالاتر از ۱,۹۶ نشان دهنده تأیید فرضیه مربوطه هستند. در جدول ۴ فرضیه های پژوهش به همراه ضرایب همبستگی و اعداد معناداری آن آورده شده است. همان گونه که در جدول ۴ مشاهده می شود

فرضیه اول پژوهش «سبک‌های هویت بر رفتارهای انحرافی نوجوانان اثر مستقیم دارد» و فرضیه دوم پژوهش «هنجارهای اجتماعی بر رفتارهای انحرافی نوجوانان اثر مستقیم دارد»، تأیید شد. لازم به ذکر است که در صورتی که عدد معناداری بزرگ‌تر از ۲,۵۸ باشد رابطه در سطح اطمینان ۰/۹۹ نیز معنادار است. برای بررسی میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته لازم است تا اثرات کل، مستقیم و غیرمستقیم برای متغیر درون‌زای مدل ارائه شود که این اثرات در جدول ۵ قابل مشاهده است.

جدول ۵ تفکیک اثرات، مستقیم، غیرمستقیم فرضیه اصلی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اثر		
		مستقیم	غیرمستقیم	کل
تعهد	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۴۷	$۰,۷۳۱ \times -۰,۷۴۴ = -۰,۵۴۳$	-۱,۲۹۰
سردرگم	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۵۲	$۰,۷۳۵ \times -۰,۷۴۴ = -۰,۵۴۶$	-۱,۲۹۸
هنجاری	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۵۸	$۰,۷۳۳ \times -۰,۷۴۴ = -۰,۵۴۵$	-۱,۳۰۳
اطلاعاتی	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۵۴	$۰,۷۳۸ \times -۰,۷۴۴ = -۰,۵۵۰$	-۱,۳۰۴
هنجارهای اجتماعی	رفتارهای انحرافی	-۰,۷۶۳	$۰,۷۴۳ \times -۰,۷۴۴ = -۰,۵۵۲$	-۱,۳۱۵

همان‌طور که در جدول فوق قابل مشاهده است:

- تأثیر تعهد بر رفتارهای انحرافی به میزان ۱,۲۹۰- است.
- تأثیر جهت‌گیری سردرگم بر رفتارهای انحرافی به میزان ۱,۲۹۸- است.
- تأثیر جهت‌گیری هنجاری بر رفتارهای انحرافی به میزان ۱,۳۰۳- است.
- تأثیر جهت‌گیری اطلاعاتی بر رفتارهای انحرافی به میزان ۱,۳۰۴- است.
- تأثیر هنجارهای اجتماعی بر رفتارهای انحرافی به میزان ۱,۳۱۵- است.

بنابراین، چنین استنباط می‌شود که سبک‌های هویت و هنجارهای اجتماعی با رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه دارد لازم به ذکر است که در صورتی که عدد معناداری بزرگ‌تر از ۲,۵۸ باشد رابطه در سطح اطمینان ۰/۹۹ نیز معنادار است.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی اثر سبک‌های هویتی، و هنجارهای اجتماعی بر رفتارهای انحرافی نوجوانان بود. با توجه به مدل نهایی پژوهش به‌طور کلی اثرات مسیرهای مستقیم و غیرمستقیم ۸۱ درصد از متغیر رفتارهای انحرافی دانش‌آموزان توسط سبک‌های هویت و هنجارهای اجتماعی قابل تبیین می‌باشد و به‌طور کلی مدل پژوهش مورد تأیید واقع گردید که نتایج این پژوهش با یافته‌های پژوهش بی‌بی و همکاران (۲۰۲۱)، ایساکیان و لوکانیوکان (۲۰۲۰)، دیمانت (۲۰۱۸)، میری و همکاران (۱۴۰۲)، گراوند (۱۴۰۱)، بهرامی و همکاران (۱۳۹۹) و حمیدی پور و رجبی (۱۳۹۷) همسو می‌باشد.

نتایج پژوهش ایساکیان و لوکانیوکان (۲۰۲۰) با عنوان "جستجو در مورد هویت اجتماعی نوجوانان دارای رفتار انحرافی" نشان داده تحلیل فناوری‌های روان‌شناختی و تربیتی برای شکل‌گیری هویت اجتماعی نوجوانان دارای رفتار انحرافی، مفید بوده و امکان استفاده از الگوهای رفتار موفق و مورد تأیید اجتماعی را برای جنبه‌های مختلف زندگی نوجوانان تأیید کرده است. همچنین نتایج پژوهش بی‌بی و همکاران (۲۰۲۱) با عنوان "رابطه بین خود پنداره و رفتار انحرافی نوجوانان در پاکستان" نشان داده بین خود پنداره و رفتارهای انحرافی نوجوانان رابطه معنادار وجود دارد مطالعات گراوند (۱۴۰۱) با

عنوان "مدل یابی ساختاری سبک های هویت با گرایش به رفتارهای پرخطر در دانشجویان: نقش واسطه ای ناگویی هیجانی" نشان داده است که سبک های هویت سردرگم-اجتنابی و تعهد بر گرایش به رفتارهای پرخطر تأثیر مستقیم داشتند. همچنین، سبک های هویت سردرگم-اجتنابی و تعهد به واسطه ای ناگویی هیجانی بر گرایش به رفتارهای پرخطر تأثیر غیرمستقیم داشتند. سبک هویت هنجاری بر گرایش به رفتارهای پرخطر و ناگویی هیجانی اثر مستقیم داشت، اما سبک هویت اطلاعاتی بر گرایش به رفتارهای پرخطر و ناگویی هیجانی اثر مستقیم نداشت. علاوه بر این، ناگویی هیجانی بر گرایش به رفتارهای پرخطر دارای اثر مستقیم بود. درواقع افراد دارای سبک هویت تعهد، هیجانات مثبت بیشتری را تجربه خواهند کرد و بهتر هیجانات خویش را تنظیم می کنند، اما افراد دارای سبک هویت سردرگم-اجتنابی، نارسایی در فهم، و صف و پردازش هیجان دارند، که این امر سبب گرایش آنان به رفتارهای پرخطر (مصرف مواد، سیگار، و مصرف الکل و ...) می شود. لذا پیشنهاد می شود متصدیان آموزشی با پرداختن به هویت ایرانی-اسلامی، موجبات هدایت دانشجویان را به سوی سبک هویت تعهد و با آموزش دانشجویان دارای سبک هویت سردرگم-اجتنابی، ناگویی هیجانی را در آنها کاهش دهند تا گرایش آنان به رفتارهای پرخطر کمتر شود. همچنین پژوهش حمیدی پور و رجبی که در سال ۱۳۹۷ باهدف پیش بینی احساس امنیت اجتماعی بر اساس معنویت، هویت اجتماعی و هوش فرهنگی صورت گرفته گویای این بوده بین احساس امنیت اجتماعی و هویت اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون نشان می دهد که متغیر هویت اجتماعی در پیش بینی متغیر امنیت اجتماعی بیشترین اهمیت را دارد. هویت اجتماعی احساس تعلق و همبستگی به جامعه و مؤلفه ای مهم در پیش بینی احساس امنیت اجتماعی است. هر عامل و پدیده ای که در احساس تعلق و همبستگی اعضای هر گروه اختلال ایجاد کند، درواقع، هویت آن گروه را به مخاطره می اندازد و تهدیدی برای امنیت اجتماعی قلمداد می شود. در تبیین مسائل مبتلابه جامعه مدرن (در مرحله توسعه جامعه کنونی)، مشکل اجتماعی-اقتصادی و اجتماعی-اخلاقی به سختی قابل پیش بینی جامعه مدرن (در مرحله توسعه جامعه کنونی)، مشکل تربیت و شکل گیری نوجوانان را تشدید کرده است که بر روند سازگاری و اجتماعی شدن آنها تأثیر منفی می گذارد. این موضوع در سطوح مختلف حقوقی، پزشکی، روانی، اجتماعی مطرح می شود. توجیه نظری این چالش در نوجوانی این است، هویت یک مرحله از شکل گیری را طی می کند که در منطقه رشد ذهنی نزدیک است. هویت و شناسایی خود، از ویژگی های مهم خودآگاهی است. شناسایی به موقع اختلالات، تشخیص انحرافات در شکل گیری هویت در نوجوانان را ممکن می سازد که هم برای تشخیص شخصیت نوجوانان دارای رفتار انحرافی و هم برای اصلاح آنها بسیار مهم است. (ایساکیان، لوکیانکو، ۲۰۲۰). از این میان می توان علاوه بر مؤلفه هویت و سبک های هویت، مؤلفه دیگری به نام، هنجارهای اجتماعی را هم برشمرد. مشکل شکل گیری هویت اجتماعی نوجوانان دارای رفتار انحرافی، ضرورت جستجوی فاکتورها و عوامل جهت دار و غیرمستقیم برای کار با نوجوانان را با در نظر گرفتن ویژگی های شخصیتی آنها پیش روی مؤلف قرارداد، که بر رفتارهای انحرافی تأثیرگذار است. در پژوهشی که دیمانت (۲۰۱۸) با عنوان نقش هویت اجتماعی و هوش اجتماعی در پیش بینی رفتارهای پرخطر دانش آموزان انجام داده است مشخص شده است که هویت اجتماعی و هوش اجتماعی دو عامل برجسته در پیش بینی رفتارهای پرخطر دانش آموزان است همچنین مطالعات موردی نشان داده است رفتارهای انحرافی ارتباط نزدیکی با تعریف دقیق از رفتار اجتماعی بهنجار دارد (هانیموگلو، ۲۰۱۸). در پژوهشی که (رسیق و پرات، ۲۰۱۱؛ وازونی، ۲۰۱۷) انجام داده اند این نتیجه حاصل شده است که خودکنترلی پایین با رفتارهای انحرافی مرتبط است طبق نتایج مطالعه حاضر، مؤلفه های سبک های هویت و هنجارهای اجتماعی به عنوان فاکتورهای مستقیم تأثیرگذار بر رفتارهای انحرافی نوجوانان مورد بررسی قرار گرفته و نتایج زیر حاصل شد که همگی در جهت تأیید فرضیه های پژوهش بودند. نتایج حاکی از آن بوده که سبک های هویت و هنجارهای اجتماعی نقش مهمی در تبیین و

بروز رفتارهای پرخطر در دانش آموزان دارند؛ بنابراین در برنامه‌های آموزشی برای کاهش و یا پیشگیری از رفتارهای پرخطر باید به این دو مؤلفه توجه نمود (شهبازیان خونیک، حسنی و سلیمانی، ۱۳۹۷). در پژوهش حاضر که به پیش‌بینی رفتارهای انحرافی بر اساس سبک‌های هویت و هنجارهای اجتماعی در نوجوانان پرداخته شده، عوامل پیش‌بینی کننده کاهش رفتارهای پرخطر را تبیین نموده است. از این میان عامل تعهد از قسمت سبک‌های هویت بیشترین تأثیر و جهت‌گیری اطلاعاتی کمترین میزان تأثیرگذاری نسبت به بقیه ابعاد سبک‌های هویتی را داراست. از دیگر متغیرها می‌توان به هنجار اجتماعی نام برد که به صورت جداگانه مبین پیش‌بینی کاهش رفتار انحرافی می‌باشد تمامی مسیرهای معناداری تأیید شد و فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون و تأیید قرار گرفتند.

با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان اذعان داشت با تعیین سبک‌های هویت، ایجاد سازه‌های هنجارهای اجتماعی نوجوانان می‌توان از گرایش آن‌ها به رفتارهای پرخطر کاست؛ چراکه در هر روش تربیتی قیدشده است اگر فردی را از مشکل یا عادت رفتاری منع می‌کنید باید جایگزین مناسب ارائه دهید. درواقع با شناسایی این عوامل و تقویت آن‌ها به صورت غیرمستقیم به کاهش رفتارهای پرخطر نوجوانان کمک خواهد شد. لذا آموزش و پرورش به دلیل متولی بودن و داشتن نقش عمده در اجتماعی شدن دانش آموزان باید، برنامه‌های آموزش بر اساس متغیرهای پژوهش را در اولویت قرار دهد تا موجب بهبود عملکرد دانش آموزان شده که به نوبه خود موجب کاهش جرم و جنایت و بزه در جامعه و در نتیجه شهروند فرهیخته را رقم خواهد زد. با توجه به اینکه پژوهش حاضر از نوع مطالعات همبستگی است و در این مطالعات نمی‌توان ادعای برقراری رابطه علت و معلولی بین متغیرها داشت، این از محدودیت‌های این پژوهش بود. همچنین این مطالعه فقط بر روی دانش آموزان متوسطه اول شهرستان نکا انجام شد و این تعمیم نتایج به کل جامعه را با مشکل مواجه می‌سازد. محدودیت دیگر عدم کنترل متغیر مداخله‌گر دیگری همچون وضعیت اجتماعی اقتصادی بود لذا پیشنهاد می‌شود به منظور رفع این محدودیت‌ها، پژوهش‌های دیگر با در نظر گرفتن این متغیر و در سطح وسیع‌تری انجام گیرد.

سپاسگزاری

نویسندگان از تمامی افراد شرکت‌کننده در پژوهش، کمال تشکر و قدردانی را دارند.

تعارض منافع

هیچ‌گونه تعارض منافع میان نویسندگان این مقاله وجود ندارد.

منابع

- احمدی، حبیب. (۱۳۸۹). جامعه‌شناسی انحرافات (نوبت چهارم). تهران: نشر سمت.
- حبیبی، آرش؛ کلاهی، بهاره. (۱۴۰۱). مدل یابی معادلات ساختاری و تحلیل عاملی. تهران: جهاد دانشگاهی، چاپ دوم.
- حمیدی پور، رحیم؛ رجبی، فاطمه. (۱۳۹۷). پیش‌بینی احساس امنیت اجتماعی بر اساس هویت اجتماعی، هوش فرهنگی و معنویت. پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی ۷(۱).
- خواجه رشیدان، فاطمه. (۱۳۸۷). بررسی میزان رعایت هنجارهای اجتماعی دانش آموزان دختر متوسطه استان سمنان. پژوهش‌نامه علوم اجتماعی. سال دوم. شماره اول. بهار ۸۷.
- رستمی، نیر، راد، فیروز. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانش آموزان به رفتارهای ناهنجار: مطالعه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اهر، مطالعات جامعه‌شناسی، سال پنجم، شماره بیستم، پاییز ۹۲، صص ۷۵-۵۵.
- شهبازیان خونیق، آرش؛ حسنی، امید؛ و سلیمانی، س. (۱۳۹۷). بررسی نقش هوش اخلاقی و اجتماعی در رفتارهای پرخطر دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کردستان در سال تحصیلی ۱۳۹۵-۹۶. مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، ۱۷ (۱)، ۳۹-۵۲.
- علی‌وردی نیا، اکبر؛ یونسی، عرفان. (۱۳۹۴). پیش‌درآمدی بر ساخت، اعتبار یابی و روا سازی مقیاس سنجش رفتارهای انحرافی دانشجویان، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی. سال چهارم، شماره پیاپی ۹، شماره اول، بهار و تابستان ۹۴. صص ۵۸-۴۵.
- غضنفری، احمد. (۱۳۸۳). اعتبار یابی و هنجاریابی پرسشنامه سبک هویت (ISI-6G). مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، ۵(۱)، ۹۴-۸۱. <https://sid.ir/paper/99378/fa> SID.
- کبوتری اصفهانی، فائزه؛ عابدی، احمد؛ قمرانی، امیر. (۱۳۹۵). اثربخشی آموزش هوش معنوی بر مؤلفه‌های بهزیستی ذهنی دانش آموزان تیزهوش. پژوهشنامه روانشناسی مثبت. ۲(۱).
- گراوند، هوشنگ. (۱۴۰۱). مدل یابی ساختاری سبک‌های هویت با گرایش به رفتارهای پرخطر در دانشجویان: نقش واسطه‌ای ناگویی هیجانی. فصلنامه علمی اعتیاد پژوهی. سال شانزدهم، شماره ۶۶، زمستان ۱۴۰۱. صص ۱۱۳-۱۴۴.
- لطف‌آبادی، حسین. (۱۳۹۸). روانشناسی رشد ۲، نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، انتشارات سمت.
- بهرامی، ژیل؛ زندی، فرزاد؛ اکبری، مریم؛ جدیدی، هوشنگ. (۱۳۹۹). تدوین مدل علی رفتارهای پرخطر بر اساس سرمایه اجتماعی و مسئولیت‌پذیری با نقش میانجی هویت اخلاقی (مورد مطالعه دانشجویان علوم پزشکی کرمانشاه). نشریه مطالعات راهبردی ورزش و جوانان ۴۹، (۱۹)، ۵۳-۷۲.
- میری، سمیه؛ سهراب زاده، مهران؛ خوش‌بیان آرانی، فاطمه. (۱۴۰۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر تمایل به ارتکاب رفتارهای انحرافی دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان. مطالعات جامعه‌شناختی دانشگاه واحد تبریز. شماره ۱.

- Adams, G. R. (1998). The objective measure of ego identity status: A reference manual.
- Berzonsky, M. D., & Neimeyer, G. J. (1994). Ego identity status and identity processing orientation: The moderating role of commitment. *Journal of Research in Personality*, 28, 425–435.
- Berzonsky, M.D. & Neimeyer, G. J. (1988). Identity status and personal construct system, *Journal of Adolescence*.
- Bibi S, Masood S, Mussawar B, Khaliq A.(2021). Relationship between Self Concept and Deviant Behavior among Adolescents. *Sci J Neurol Neurosurg*.30;7(1): 007-013.
- Borkovec, T. D. (2002). Life in the future versus life in the present. *Clinical Psychology: Science and Practice*, 9, 76-80.
- Cioban S, Lazăr AR, Bacter C, Hatos A.(2021). Adolescent Deviance and Cyber-Deviance. A Systematic Literature Review.12;12:748006. doi: 10.3389/fpsyg.2021.748006. eCollection 2021.
- Demant, D., Oviedo-Trespalacios, O., Carroll, J. A., Ferris, J. A., Maier, L., Barratt, M. J., & Winstock, A. R. (2018). Do people with intersecting identities report more high-risk alcohol use and lifetime substance use? *International journal of public health*, 63(5), 621-630. [<https://link.springer.com/article/10.1007/s00038-018-1095-5>]
- Elias, N. (1978). *The Civilizing Process*. Oxford: Blackwell.
- Farrington, D. P. (2017). *Integrated Developmental and Life-Course Theories of Offending*. New York, NY: Transaction Publishers.
- Foley, J. E., Ram, N., Susman, E. J., & Weinraub, M. (2018). Changes to sleep-wake behaviors are associated with trajectories of pubertal timing and tempo of secondary sex characteristics. *Journal of adolescence*, 68, 171-186
- Hanimoglu, E. (2018). *Journal of Education and Training studies* 6 (10), 133-141, 2018
- Moffitt, T. E. (1993b). Adolescence-limited and life-course-persistent antisocial /0033-295X.100.4.674.
- Oksana Isaakian, Marina Lukyanenko (2020)•Research on the social identity of adolescents with deviant behavior E3S Web of Conferences 210, 19025
- Parsons, T. (1951). *The Social System*. New York, NY, US: Free Press.
- Payne, A. A., and Welch, K. (2016). The centrality of schools in the lifecourse: the case for focusing on school-related influences in developmental theory and research. *Deviant Behav.* 37, 748–760. doi:10.1080/01639625.2015.1010108
- Rabinson, L. Bennet, J. (1995). "A typology of deviant workplace behaviors: A multidimensional scaling

- Reisig, M. D., & Pratt, T. C. (2011). Low Self-Control and Imprudent Behavior Revisited. *Deviant Behavior*, 32, 589-625
- Schwartz, J. A., Solomon, S. J., and Valgardson, B. A. (2019). Socialization, selection, or both? The role of gene-environment interplay in the association between exposure to antisocial peers and delinquency. *J. Quant. Criminol.* 35, 1-26. doi: 10.1007/s10940-017-9368-3
- Shahbazian Khanicheh A., Hasni O., Soleimani S. (2018). The study of the role of ethical and social intelligence in high risk behaviors of Kurdistan University of Medical Sciences students in the academic year of 2011-2012. *Journal of Rafsanjan University of Medical Sciences*, 17(1): 39-52. (Persian).study". *Academy of management journal*, Vol 38, No 2, p:555-572.
- Shulman, E. P., Steinberg, L. D., and Piquero, A. R. (2013). The age-crime curve in adolescence and early adulthood is not due to age differences in economic status. *J. Youth Adolesc.* 42, 848–860. doi: 10.1007./10964-013-9950-40
- Tabachnick, B., & Fidell, L. (2007). *Using multivariate statistics* (5th edn) New York. NY: Allyn and Bacon.
- Udris, R. (2016). Cyber deviance among adolescents and the role of family, school, and neighborhood: a cross-national study. *Int. J. Cyber Criminol.* 10, 127–146. doi: 10.5281/zenodo.163393
- Vazsonyi et al., (2017 (A.T. Vazsonyi, J. Roberts, L. Huang
Hirschi's reconceptualization of self-control: Is truth truly the daughter of time? Evidence from eleven cultures *Journal of Criminal Justice*, 43 (2015), pp. 59-68

Structural model of deviant behaviors Based on identity styles and social norms in adolescents

Touba Surtichi¹, Mohammad Ghamari², Simin Hosseinian³

Abstract

The aim of the current research was to predict deviant behaviors based on identity styles and social norms in teenagers. This research was descriptive and correlational. The statistical population in this research included all the students of the first secondary level of Neka city (A total of 4200 people) in the academic year of 1402-1403. The number of samples in this research was 300 people who were selected by random cluster sampling. The research tools were Bezonsky's identity style questionnaires, social norms questionnaire, deviant behavior questionnaire. The statistical method in this research was structural equation modeling. SmartPLS software was used for modeling. The results showed that the research model has a suitable fit and the total direct and indirect effects of 80% of the students' deviant behaviors can be explained by identity styles and social norms. Which in turn can provide practical hints to reduce the deviant behavior of teenagers and improve their psychological condition.

Keywords: identity styles, social norms, deviant behaviors, Structural model teenagers.

1. PhD Student of counseling, Department of Psychology, Tehran Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Psychology, Tehran Research Sciences Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

3. professor Department of counseling, faculty of education and psychology Azahra university. Tehran Iran.



الگویابی معادلات ساختاری شکایات روان تنی براساس حساسیت اضطرابی و مکانیزم های دفاعی با
میانجی گری سیستم بازداری رفتاری در دختران نوجوان

مهناز افراسیابی^۱، فرهاد جمهری^۲، لیدا لیل آبادی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف الگویابی معادلات ساختاری ارتباط حساسیت اضطرابی و مکانیزم های دفاعی با شکایات روان تنی مبتنی بر میانجی گری سیستم بازداری رفتاری انجام گرفت. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت همبستگی از نوع طرح معادلات ساختاری بود. جامعه آماری تمامی نوجوانان دختر (۱۶ تا ۱۸ سال) مشغول به تحصیل در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ دوره متوسطه دوم شهر تهران بودند. حجم نمونه شامل ۶۲۰ نفر از دانش آموزان دختر بود که بصورت نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. برای جمع آوری داده ها مقیاس شکایات روان تنی توسط تاکاتا و ساکاتا (۲۰۰۴)، پرسشنامه حساسیت اضطرابی فلویید، گارفیلد و مارک (۲۰۰۵)، مقیاس سیستم های بازداری رفتاری (کارور و وایت، ۱۹۹۴) و پرسشنامه سبک های دفاعی اندروز و همکاران (۱۹۹۳) استفاده شد. داده های پژوهش با استفاده از نرم افزارهای SPSS نسخه ۲۵ و PLS نسخه ۳/۳ تجزیه و تحلیل شدند. اثر مستقیم بازداری رفتاری بر شکایات روان تنی معنادار نبود. اثر مستقیم حساسیت اضطرابی بر بازداری رفتاری و شکایات روان تنی معنادار بود. اثر مستقیم مکانیزم های دفاعی بر شکایات روان تنی معنادار بود، اما اثر مستقیم مکانیزم های دفاعی بر بازداری رفتاری معنادار نبود. اثر غیر مستقیم مکانیزم های دفاعی و حساسیت اضطرابی با میانجی گری بازداری رفتاری بر شکایات روان تنی معنادار نبود. نتایج حاکی از آن است که مدل پیشنهادی از برازش مناسبی برخوردار بوده و می تواند گامی مهم در جهت شناسایی عوامل مؤثر بر شکایات روان تنی نوجوانان دختر در نظر گرفته شود. بر این اساس به روان شناسان بالینی و مشاوران مدارس توصیه می شود با ارائه مداخلاتی ضمن کاهش حساسیت اضطرابی و مکانیزم های دفاعی، شکایات روان تنی نوجوانان را نیز کاهش دهند.

کلید واژه ها: شکایات روان تنی، مکانیزم های دفاعی، حساسیت اضطرابی، سیستم بازداری رفتاری، دختران نوجوان

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی سلامت، گروه روانشناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

mahnazafraziabi@gmail.com

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

farhadjomehri@yahoo.com

۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

com.lida.leilabadi@gmail.com

مقدمه

با شروع دوران بلوغ، تغییرات روانی و جسمی برای دختران ایجاد می‌شود و مجموعه‌ای از تغییرات رفتاری، خلقی، جسمانی در آنان شکل می‌گیرد (راسک و همکاران، ۲۰۲۴؛ حسینی کلائی و اسدی، ۱۳۹۹). یکی از مشکلاتی که نوجوانان درگیر آن هستند، توجه به علایم و شکایات روان‌تنی^۲ در آنهاست (لافتمن^۳ و همکاران، ۲۰۲۳؛ هابرمَن و همکاران^۴، ۲۰۲۴). شکایات روان تنی بر اثر تنش، فشارروانی و استرس، اضطراب و نیز سرکوب فشارهای روانی ایجاد می‌شود و هیچ منشأ جسمی ندارند و سبب می‌شود افراد استرس‌های خود را به شکل دردهای جسمانی ادراک کنند (فرناندز^۵ و همکاران، ۲۰۱۹). تحقیقات نشان می‌دهند که اغلب شکایات روان تنی از ۱۲ تا ۲۴ سالگی شروع می‌شوند. به طور کلی نشانه‌های روان تنی با افزایش سن افزایش می‌یابد و زنان بیشتر از مردان نشانه‌های روان تنی را تجربه می‌کنند (پپراه^۶ و همکاران، ۲۰۲۴). برخی گزارش‌ها نیز حاکی از افزایش شکایات روان تنی در بین جوانان و نوجوانان است (هبرگ^۷ و همکاران، ۲۰۲۳). شکایات روان تنی در نوجوانان باعث اختلال در شناخت و کارکرد هیجانی می‌شود و زندگی آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد (دلوکی^۸ و همکاران، ۲۰۲۲).

از مولفه‌های روانشناختی قابل بررسی در اختلالات روان تنی، حساسیت اضطرابی^۹ است. فرد دارای حساسیت اضطرابی از نشانه‌های بدنی که با انگیزتگی اضطرابی (سرگیجه، افزایش ضربان قلب و تنگی نفس) مرتبط است، می‌ترسد و اصولاً از این عقیده ناشی می‌شود که این نشانه‌ها به پیامدهای بالقوه آسیب‌زای اجتماعی، شناختی و بدنی منجر می‌شود (زینبرگ^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۴). حساسیت اضطرابی به سوگیری در بازیابی و پردازش اطلاعات مربوط به محرکهای فراخوان اضطراب منجر می‌شود که این خود زمینه را برای ابتلای فرد به اختلالات روانی از جمله اختلالات روان تنی که زیربنای اصلی آن اضطراب می‌باشد، را فراهم می‌سازد (اسمیت^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۹). از آنجاکه نوجوانی دوره‌ای همراه با تجربه شرایط اضطراب‌زا و تهدیدکننده اجتماعی و شناختی فراوان است و بسیاری از نوجوانان در پاسخ به این تهدیدها و فشارها مضطرب می‌شوند، احتمال بروز شکایات روان تنی در آنها نیز بیشتر می‌شود (فیتزگالد^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۱؛ احمدی و همکاران، ۱۳۹۹).

مکانیزم‌های دفاعی عبارتند از واکنشهای ناخودآگاه «من»^{۱۳} به عنوان قسمتی از شخصیت به منظور کاهش اضطراب با استفاده از تغییر در مسیر ادراک واقعیت «من» در تلاش است تا از طریق این فرایندها اضطرابهای ناشی از تعارض بین «تهداد» و «فرامن» را برطرف سازد. بنا بر عقیده فروید، دفاعها برای عملکرد یک شخصیت سالم ضروری هستند. بنابراین با بینش کافی به مکانیزمهای دفاعی و آگاهی به احساسهای بیمارگون افراد به آسانی و با شفافیت بیشتری به معنای رفتارهایی که تا آن لحظه منطقی برای آن نمی‌یافتند، رسیده و از علائم بیماری و شیوه نگرش خود اطلاعات بیشتری کسب می‌کنند.

1. Rask, C. U, et al
2. Psychosomatic complaints
3. Laftman, S. B., et al.
4. Habermann, K., et al
5. Fernández, M., et al.
6. Peprah, P., et al.
7. Högborg, B., et al.
8. Delveci, A., et al
9. Anxiety Sensitivity
10. Zinbarg, R. E., et al.
11. Smits, J. A., et al.
12. Fitzgerald, H. E., et al..
13. Ego

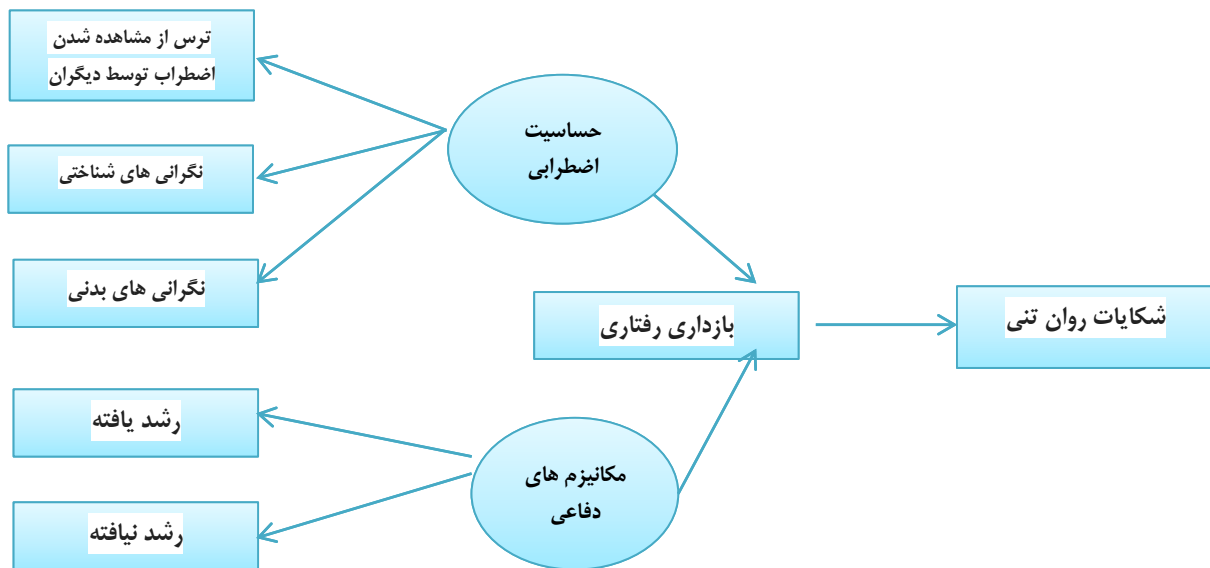
رسیدن به چنین شناختی، نشانه های روان پزشکی دردناک را در افراد کاهش داده و باعث ایجاد تغییرات رفتاری سالم در زندگی می شود (بیلی و پیکو،^۱ ۲۰۲۳؛ وادهوان و شارما،^۲ ۲۰۲۴). مکانیسم های دفاعی تجارب عاطفی را به طور ناخودآگاه تعدیل می کنند، بدون اینکه آگاهانه در دسترس باشند (میراندا و لوزا،^۳ ۲۰۱۵). هدف آنها حفظ احساس امنیت روانی با ایجاد تحریفات شناختی و محدود کردن تجربه آگاهانه احساسات منفی است (لیندبلوم^۴ و همکاران، ۲۰۱۶؛ ملنکی^۵، و همکاران، ۲۰۲۱).

مکانیسم های ناشناخته روانی یا مغزی نیز وجود دارند که تغییرات جزئی یا غیرقابل شناسایی در بیوشیمی و ایمنی شناسی عصبی ایجاد می کنند و باعث بروز این بیماری ها می گردند (عرفان^۶ و همکاران، ۲۰۲۰). از جمله این مکانیزمها می توان به مفهوم سیستم بازداری رفتاری^۷ اشاره کرد. براساس نظریه جفری الن گری^۸ صفات شخصیتی مرتبط با مغز، افراد را مستعد اختلالات و آسیب روان شناختی می کنند. در نظریه گری دو سیستم اساسی مغزی وجود دارد که رفتار و هیجان ها را کنترل می کند (گری، ۱۹۹۰). بازداری رفتاری یکی از جنبه های مهم عملکردهای اجرایی به حساب می آید که عمدتاً به موقعیت هایی اشاره دارد که مستلزم اقدامات صحیح و همچنین کنترل و متوقف نمودن رفتار است (نینگ^۹، ۲۰۱۷). بازداری یکی از توانایی های اصلی عملکرد اجرایی است که به افراد اجازه می دهد تا افکار و رفتارهای خود را تنظیم کنند، شامل توانایی های رفتاری و شناختی متفاوتی همچون مدیریت تکانه ها و خود تنظیمی در موقعیت های پیچیده است (مالاگولی^{۱۰} و همکاران، ۲۰۲۲) در واقع بازداری رفتاری، فرایندی عصب شناختی است که به فرد کمک می کند تا با ملاحظه تر رفتار کند. بارکلی^{۱۱} (۱۹۹۷) بر این باور بود که بازداری رفتاری باعث می شود، پاسخدهی به یک رویداد با تأخیر انجام شده و فرصتی را ایجاد می کند تا فرایند خودکنترلی (خود نظم جویی) عمل کرده و اعمال خودفرمان شکل بگیرند (قهرمانی و همکاران، ۱۳۹۹). مهم ترین عامل خطر برای گسترش اضطراب بالا بودن شدت فعالیت سیستم بازداری رفتاری است (کیمبرل^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۲).

رابطه حساسیت اضطرابی با شکایات روان تنی در پژوهش های موسویان (۱۴۰۱) با عنوان پیش بینی شکایات روانی در بیماران ام. اس بر اساس حساسیت اضطرابی و استرس ادراک شده؛ رستمی (۱۴۰۰) با عنوان و هالسن و همکاران^{۱۳} (۲۰۲۲) با عنوان مدل پیش بینی شکایات روان تنی بر اساس حساسیت اضطرابی، نشخوار فکری و سواسی و استرس ادراک شده تایید شده است. مرید صالح (۱۴۰۱) با عنوان پیش بینی شکایات روانی در بیماران ام. اس بر اساس حساسیت اضطرابی و استرس ادراک شده، و چان و دانسون^{۱۴} (۲۰۲۲) نیز در پژوهشی با عنوان رابطه سیستم فعال سازی- بازداری رفتاری با حساسیت اضطرابی و استرس و افسردگی در بیماران دیابتی، رابطه بازداری رفتاری، حساسیت اضطرابی و نشانگان روان تنی را تایید کرده اند. شکایات روان تنی در نوجوانان دختر سبب عدم یکپارچگی در ابعاد روانشناختی، اجتماعی، هیجانی، جسمانی می گردد و بازداری و حساسیت اضطرابی می تواند با بروز مشکلات جسمی و گریبان گیر نوجوانان با شکایات روان تنی در ارتباط باشد و این معضل را تشدید کنند، بنابر این انجام پژوهش در این زمینه ضرورت دارد.

1. Bailey, R., & Pico, J
2. Wadhawan, A., & Sharma, R
3. Miranda, B., & Louzā, M. R.
4. Lindblom, J., et al.
5. Melnyk, B. M., et al
6. Erfan, M., et al
7. Behavioral Inhibition System
8. Gray J.A
9. Nigg, J. T.
10. Malagoli, C., et al.
11. Barkley, R. A.
12. Kimbrel, N. A., et al.
13. Halsen, A., et al.
14. Chan, H., & Danson, S

مسئله قابل توجه دیگر این است که اغلب تحقیقات در قالب یک مدل رگرسیونی به بررسی شکایات روان تنی بر اساس حساسیت اضطرابی، مکانیزم‌های دفاعی و بازداری سازی پرداخته اند. بنابر این نیاز به بررسی است که ارتباط بین مکانیزم‌های دفاعی، حساسیت اضطرابی با شکایات روان تنی، با متغیر میانجی سیستم بازداری رفتاری نیز در نظر گرفته شود و این مدل مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین در پژوهش حاضر این مسئله مدنظر است که آیا حساسیت اضطرابی و مکانیزم‌های دفاعی با میانجی گری سیستم بازداری رفتاری قادر به پیش‌بینی شکایات روان تنی در دختران نوجوان می باشد؟



شکل ۱. مدل مفهومی شکایات روان تنی براساس مکانیزم های دفاعی، حساسیت اضطرابی با میانجی‌گری سیستم فعال سازی در دختران نوجوان

روش پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت همبستگی از نوع طرح معادلات ساختاری بود. جامعه آماری تمامی نوجوانان دختر ۱۶ تا ۱۸ سال مشغول به تحصیل (حدود ۹۲۰۰۰ نفر) در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ دوره متوسطه دوم شهر تهران بودند. حجم نمونه شامل ۶۲۰ نفر از دانش‌آموزان دختر بود که بصورت نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای اجرای پژوهش، ابتدا اخلاق به شناسه IR.IAU. CTB.REC.1401.144 از کمیته اخلاق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی اخذ شد. سپس، از دانشگاه برای انجام پژوهش در آموزش و پرورش معرفی نامه اخذ شد. پس از کسب مجوز از اداره کل آموزش و پرورش شهر تهران، ابتدا از مناطق آموزش و پرورش شهر تهران ۳ منطقه (مناطق ۵، ۱۱، ۱۳) به شکل تصادفی انتخاب شد و سپس در مرحله دوم از بین هر یک مناطق انتخاب شده ۲ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد و در مرحله سوم از بین مدارس انتخاب شده به طور تصادفی ۴ کلاس انتخاب شد که شامل ۶۸۶ دانش‌آموزان شدند و به سوالات پرسشنامه‌ها پاسخ دادند ولی به دلیل ریزش نمونه تحقیق شامل ۶۲۰ دانش‌آموز شد.

برای اجرا لینک پرسشنامه در گروه های کلاسی (در برنامه شاد) یا مدرسه قرار داده شد تا دانش آموزان به پرسش نامه ها پاسخ دهند. توضیحات لازم جهت پرکردن پرسشنامه ها از طرف پژوهشگر و کادر مدرسه و دانشجو داده شد. اقدامات انگیزشی نیز جهت تکمیل پرسشنامه ها به صورت آنلاین همچون تهیه شارژ نیز برای دانش آموزان در نظر گرفته شد برای انتخاب نمونه ملاک های ورود شامل جنسیت دختر، قرار داشتن در دامنه سنی ۱۶ تا ۱۸ سال، تمایل به همکاری و تکمیل پرسشنامه، زندگی با والدین در زمان اجرای پژوهش، رضایت والدین برای حضور فرزندشان در پژوهش، شرکت نداشتن در جلسات مشاوره و روان درمانی در زمان اجرای پژوهش، نداشتن سابقه روانپزشکی، مصرف نکردن داروهای روان پزشکی در زمان اجرای پژوهش بود و ملاک خروج از پژوهش پاسخ ندادن به ۲۰ درصد از سوالات پژوهش بود. در این مطالعه مفاد مطرح شده در بیانیه هلسینکی (۲۰۱۳) از جمله توضیح اهداف پژوهش و کسب رضایت آگاهانه از واحدهای مورد مطالعه، اختیاری بودن شرکت در پژوهش، حق خروج از مطالعه، پاسخ به سؤالات و در اختیار قرار دادن نتایج در صورت تمایل در نظر گرفته شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها در این پژوهش از آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش تحلیل های توصیفی از فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار استفاده شد. قبل از بررسی فرضیه های پژوهش ابتدا مفروضه نرمال بودن با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف^۱ و بررسی شد و سپس مدل پژوهش با استفاده از روش معادلات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل داده های توصیفی از نرم افزار SPSS-25 استفاده شد. به دلیل اینکه داده ها در برخی از متغیرهای پژوهش حاضر نرمال نبودند، از PLS^۲ نسخه ۳/۳ برای تحلیل و برازش مدل مفهومی پژوهش استفاده شد، زیرا این نرم افزار بر اساس رویکرد حداقل مربعات جزئی عمل می کند و نسبت به نرمال نبودن توزیع نمونه گیری و حجم نمونه حساس نیست (هیر^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). تمام تحلیل های استنباطی در سطح معناداری ۰/۰۵ انجام شدند. برای جمع آوری داده ها از ابزارهای زیر استفاده شد.

مقیاس شکایات روان تنی: مقیاس شکایات روان تنی توسط تاکاتا و ساکاتا^۵ (۲۰۰۴) در ژاپن ساخته و از ۳۰ سوال تشکیل شده و از ساختار تک عاملی برخوردار است. نمره گذاری پرسشنامه بصورت طیف لیکرت ۴ نقطه ای می باشد که برای گزینه های «هرگز»، «بندرت»، «گاهی اوقات» و «بطور مکرر» به ترتیب امتیازات ۰، ۱، ۲ و ۳ در نظر گرفته می شود. دامنه نمرات این مقیاس بین ۰ تا ۹۰ است. اگر دامنه نمرات بین ۰ تا ۳۰ باشد شکایت روان تنی ضعیف است و اگر دامنه نمرات بین ۳۱ تا ۶۰ باشد شکایت روان تنی متوسط است و اگر دامنه نمرات بین ۶۱ تا ۹۰ باشد شکایت روان تنی قوی یا حاد است (سلطانی و محمدی، ۱۳۹۸). سازندگان این مقیاس از طریق محاسبه همبستگی آن با مقیاس سلامت روانی عمومی، روایی همزمان آن را در دو مطالعه جداگانه، ۰/۶۴ و ۰/۶۵ به دست آوردند. همچنین، برای بررسی اعتبار سازه مقیاس در دو مطالعه از تحلیل عاملی استفاده کردند و معلوم شد در مطالعه اول که در سال ۱۹۹۷ انجام شد، ۳۴/۱ درصد و در مطالعه دوم که در سال ۱۹۹۹ انجام شد، ۳۱/۱ درصد واریانس بخش ها توسط یک عامل تبیین می شود. پایایی این مقیاس به روش آلفا کرونباخ در سال ۱۹۹۷ برابر با ۰/۹۳، در سال ۱۹۹۹ برابر با ۰/۹۲ به دست آمد. در پژوهش حاجلو (۱۳۹۱)، برای بررسی روایی همزمان مقیاس شکایات روان تنی، همبستگی آن با مقیاس سلامت عمومی محاسبه گردید. ضریب همبستگی بین این دو مقیاس در بین دانشجویان برابر با ۰/۶۸ بود.

1. Kolmogorov-Smirnov Test
2. statistical package for social science
3. Partial Least Squares
4. Hair, J. F., et al.
5. Takata Y, Sakata Y

پایایی بازآزمایی مقیاس شکایات روان تنی به فاصله یک ماه و در دو نوبت اجرا روی یک نمونه ۳۰ نفره از دانشجویان، مورد تأیید قرار گرفت ($r = 0/83$). ضریب آلفا کرونباخ به دست آمده روی نمونه اصلی نیز برابر با ۰/۸۵ بود که بیانگر همسانی درونی بالا برای بخش‌های این مقیاس است (حاجلو، ۱۳۹۱). در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمد.

مقیاس بازداری رفتاری: مقیاس بازداری فعال سازی رفتاری (BIS/BAS) به وسیله کارور و وایت (۱۹۹۴) تدوین شده است. این مقیاس شامل ۲۰ گویه خودگزارشی و دو زیر مقیاس فعال سازی (BAS) و بازداری (BIS) رفتاری است. زیر مقیاس بازداری رفتاری در این پرسشنامه شامل هفت آیت است که حساسیت سیستم بازداری رفتاری یا پاسخدهی به تهدید و احساس اضطراب هنگام رویارویی با نشانه‌های تهدید را اندازه می‌گیرد. زیر مقیاس‌های فعال سازی رفتاری شامل سیزده آیت است که حساسیت سیستم فعال ساز رفتار را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. زیر مقیاس فعال سازی رفتاری شامل سه زیر مقیاس پاسخدهی به پاداش، کشاننده و جستجوی سرگرمی است. آیت‌ها روی یک مقیاس چهار درجه‌ای توسط آزمودنی رتبه‌بندی می‌شود که امتیاز مربوط به هر گزینه ۱ (کاملاً مخالف)، ۲ (تا حدی مخالف)، ۳ (تا حدی موافق)، ۴ (کاملاً موافق) است. لاکستون و دیو (۲۰۱۹) همبستگی درونی بازداری رفتاری را ۰/۷۲، همبستگی درونی مقیاس BIS، ۷۴٪ گزارش کرده‌اند. همچنین در ایران سید موسوی و همکاران (۱۳۹۳) ضرایب آلفای کرونباخ کل مقیاس و خرده مقیاس سیستم بازداری رفتاری، حساسیت به پاداش، سابق و جستجوی سرگرمی را به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۸۷/۶۹، ۰/۷۴ و ۰/۶۵ گزارش کردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۲ بدست آمد.

پرسشنامه حساسیت اضطرابی: این پرسشنامه خودگزارشی دهی است که ۱۶ گویه دارد و بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرتی (خیلی کم = ۰ تا خیلی زیاد = ۴) است. هر گویه این عقیده را منعکس می‌کند که احساسات اضطرابی به صورت ناخوشایند تجربه می‌شوند و توان منتهی شدن به پیامد آسیب‌زا را دارند. درجه تجربه ترس از نشانه‌های اضطرابی با نمرات بالاتر مشخص می‌شود. دامنه نمرات بین ۰ تا ۶۴ است. فلوید، گارفیلد و مارکز (۲۰۰۵) ساختار این پرسشنامه از سه عامل ترس از نگرانی‌های بدنی (۸ گویه)، ترس از نداشتن کنترل شناختی (۴ گویه) و ترس از مشاهده شدن اضطراب توسط دیگران (۴ گویه) تشکیل شده است. بررسی ویژگی‌های روان سنجی این مقیاس، ثبات درونی آن را (آلفای بین ۰/۸۰ تا ۰/۹۰) نشان داده است. اعتبار بازآزمایی بعد از ۲ هفته ۰/۷۵ و به مدت سه سال ۰/۷۱ نشان داده است که حساسیت اضطرابی یک سازه ی شخصیتی پایدار است. اعتبار آن در نمونه ایرانی براساس سه روش، همسانی درونی، بازآزمایی و تنصیف محاسبه شد که برای کل مقیاس به ترتیب ضرایب اعتبار ۰/۹۳، ۰/۹۵، ۰/۹۷ به دست آمد. روایی بر اساس سه روش روایی همزمان، همبستگی خرده مقیاس‌ها با مقیاس کل و با یکدیگر و تحلیل عوامل محاسبه شد. روایی همزمان از طریق اجرای همزمان با پرسشنامه «SCL-90» انجام شد که ضریب همبستگی ۰/۵۶ حاصل آن بود. ضرایب همبستگی با نمره کل در حد رضایت بخش و بین ۰/۷۴ تا ۰/۸۸ متغیر بود. موسوی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی ضریب پایایی پرسشنامه را از طریق آلفای کرونباخ و تنصیف ۰/۹۰، ۰/۸۸ بدست آوردند و نیز روایی پرسشنامه را از طریق همبسته نمودن با مقیاس سرسختی روانشناختی اهواز ۰/۶۴- بدست آوردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۹ بدست آمد.

پرسشنامه سبک های دفاعی^۱: این پرسشنامه بر اساس الگوی سلسله مراتبی دفاع ها توسط اندروز^۲ و همکاران (۱۹۹۳) تدوین گردیده که شامل ۴۰ سوال است و ۵۰ دفاع را در سه سطح رشدنا یافته (انکار، جداسازی، نازنده سازی، برون ریزی، جسمانی سازی، خیالپردازی اوتیستیک، لایه سازی، دلیل تراشی، جابجایی، پرخاشگری منفعلانه و فرافکنی)، رشد یافته (تصعید، طنز، فرونشانی و پیشاپیش نگری) و روان آزاده (ابطال، دیگر دوستی، آرمانی سازی و واکنش وارونه) ارزیابی می کند. سوالات در یک طیف لیکرت ۹ درجه ای (از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) تنظیم شده و نمره بالاتر از ۱۰ در هر دفاع نشانه استفاده فرد از آن دفاع می باشد (اندروز و همکاران، ۱۹۹۳) آلفای کرونباخ این آزمون در نمونه ایرانی در تحقیق بشارت و همکاران (۱۳۸۰) برای هر یک از سبک های رشد یافته، رشدنا یافته و روان آزاده به ترتیب ۰/۷۳/۷۵، ۰/۷۴ و ۰/۷۴ و ضریب پایایی بازآزمایی با فاصله چهار هفته ۰/۸۲ گزارش شده است. روایی همگرای این پرسشنامه نیز از طریق اجرای همزمان مقیاس های مختلف مورد تایید قرار گرفته است. همچنین در تحقیق حیدری نسب و همکاران (۱۳۸۶) نیز ضریب آلفای کرونباخ معادل ۰/۸۴ به دست آمده است و اعتبار پرسشنامه از طریق بازآزمایی سنجیده و مناسب گزارش شده است.

یافته ها

جدول ۱. ویژگی های جمعیت شناختی نمونه مورد مطالعه

متغیر	فراوانی	درصد	درصد فراوانی تراکمی
سن	۱۸ سال	۹۸	۱۵/۸۰۶
	۱۷ سال	۲۴۰	۵۴/۵۱۶
	۱۶ سال	۲۸۲	۴۵/۴۸۴
معدل تحصیلی	ضعیف (معدل زیر ۱۲)	۱۳	۲/۰۹۷
	متوسط (معدل ۱۲-۱۴)	۸۱	۱۳/۰۶۵
	خوب (معدل ۱۵-۱۶)	۱۸۸	۳۰/۳۲۳
	خیلی خوب (معدل ۱۷-۱۸)	۲۴۹	۴۵/۴۸۴
	عالی (معدل ۱۹-۲۰)	۸۹	۱۴/۳۵۵

1. Defense Style Questionnaire (DSQ-40)
2. Andrews G, et al.

همانطور که در جدول ۱ مشخص است ۶۲۰ نوجوان دختر مورد مطالعه قرار گرفتند که از بین آنها ۹۸ نفر (۱۵/۸۱٪) ۱۸ سال، ۲۴۰ نفر (۳۸/۷۱٪) ۱۷ سال و ۲۸۲ نفر (۴۵/۴۸٪) ۱۶ سال داشتند. ۱۳ نفر (۲/۱۰٪)، معدل زیر ۱۲، ۸۱ نفر (۱۳/۰۶۵٪) معدل بین ۱۲-۱۴، ۱۸۸ نفر (۳۰/۳۳٪)، معدل بین ۱۵-۱۶، ۲۴۹ نفر (۴۰/۱۶٪) معدل بین ۱۷-۱۸ و ۸۹ نفر (۱۴/۳۶٪) معدل بین ۱۹-۲۰ داشتند.

قبل از بررسی مدل مفهومی ابتدا نرمال بودن متغیرهای پژوهش با استفاده از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و مفروضه هم خطی بودن مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف حاکی از آن است که متغیرهای شکایات روان تنی ($P < 0/05$, $Z = 0/076$)، مکانیزم‌های دفاعی ($P < 0/05$, $Z = 0/058$)، حساسیت اضطرابی ($P < 0/05$, $Z = 0/10$)، بازداري رفتاري ($P < 0/05$, $Z = 0/086$)، دارای توزیع نرمال نیستند. نتایج بررسی نبود رابطه هم خطی حاکی از آن است که متغیرهای مکانیزم‌های دفاعی (مقدار اغماض^۱ = ۱، مقدار ویژه^۳ = ۰/۰۳۹، شاخص وضعیت^۴ = ۷/۰۱)، حساسیت اضطرابی (مقدار اغماض = ۱، مقدار ویژه = ۰/۱۵، شاخص وضعیت = ۳/۵۱)، بازداري رفتاري (مقدار اغماض = ۱، مقدار ویژه = ۰/۰۶۴، شاخص وضعیت = ۵/۲۲) دارای رابطه خطی نیستند. همبستگی بین متغیرهای پژوهش به دلیل نرمال نبودن داده‌ها با ضریب همبستگی اسپیرمن بررسی شد.

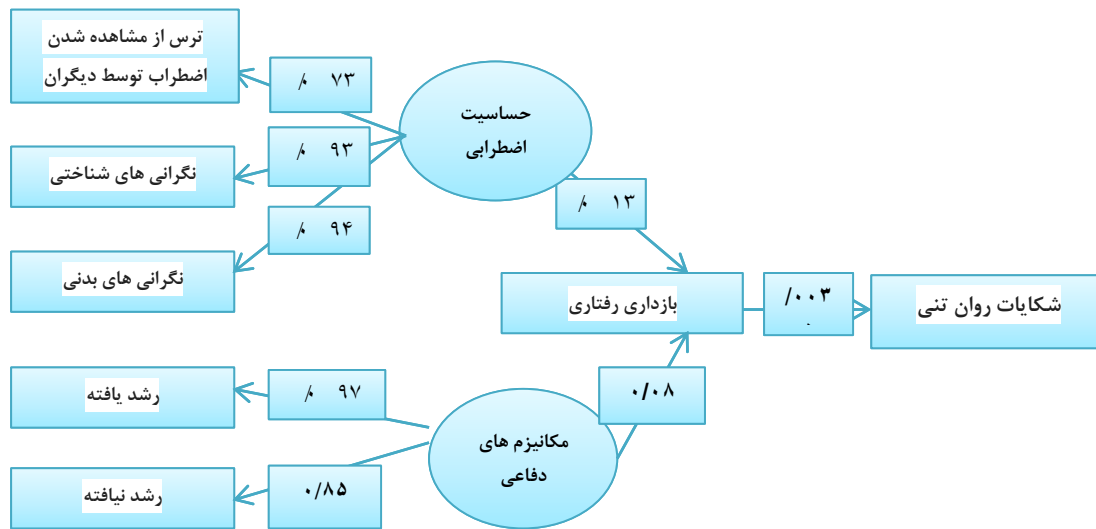
جدول ۲. ماتریس همبستگی اسپیرمن بین متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	۱	۲	۳	۴
۱- حساسیت اضطرابی	۱۸/۳۳	۱۱/۳۶	۱			
۲- مکانیزم‌های دفاعی	۱۶۹/۱۸	۴۸/۶۹	۰/۳۶**	۱		
۳- بازداري رفتاري	۱۹/۸۹	۲/۹۵	۰/۰۵۸	۰/۱۰**	۱	
				-		
۴- شکایات روان تنی	۲۶/۵۲	۱۵/۴۳	۰/۵۳**	۰/۶۱**	-۰/۰۵	۱

n=۶۲۰ . * $P < 0/05$. ** $P < 0/01$

نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن در جدول ۱ نشان می‌دهد که بین حساسیت اضطرابی، و مکانیزم‌های دفاعی با شکایات روان تنی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد.

1. Kolmogorov-Smirnov Test
2. Tolerance
3. Eigenvalue
4. Condition Index
5. Spearman



شکل ۱. مدل برازش شده شکایات روان تنی براساس مکانیزم های دفاعی، حساسیت اضطرابی با میانجی گری سیستم فعال سازی در دختران نوجوان

نتایج برازش مدل نشان می دهد که در مورد نیکویی برازش مدل، اگر چه در ادبیات نظری برای شاخص های مذکور استاندارد مطلق وجود ندارد، اما شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده^۱ مساوی یا کمتر از ۰/۰۸، شاخص تناسب هنجار^۲ مساوی یا بیشتر از ۰/۹ و شاخص و قابل قبول هستند (۲۵). در پژوهش حاضر مقادیر به دست آمده از شاخص ریشه میانگین مربعات باقی مانده استاندارد شده، برابر ۰/۰۸ و شاخص تناسب هنجار، برابر ۰/۹۰ بدست آمد که نشان دهنده برازش مناسب مدل است. علاوه بر شاخص های مذکور شاخص نیکویی برازش مدل (GOF) استفاده شد. این شاخص سازش بین کیفیت مدل ساختاری و مدل اندازه گیری شده را نشان می دهد و اصلی ترین شاخص برازش مدل در PLS است که در پژوهش حاضر ۰/۳۶ محاسبه شد. بالا بودن شاخص مقدار نیکویی برازش از ۰/۳۰ برازش مطلوب مدل را نشان می دهد.

نتایج ضرایب بتا و بوت استراپ مربوط به اثرات مستقیم و غیر مستقیم شکایات روان تنی بر اساس مکانیزم های دفاعی، حساسیت اضطرابی و بازداری رفتاری در نوجوانان دختر در جدول ۲ ارائه شده است.

1. Standardized Root Mean Square Residual (SRMR)
2. Normed Fit Index (NFI)
3. Goodness-of-Fit

جدول ۲. ضرایب بتا و بوت استرپ مربوط به اثرات مستقیم و غیر مستقیم شکایات روان تنی بر اساس مکانیزم‌های دفاعی، حساسیت اضطرابی و بازداري رفتاری در دختران نوجوان

اثرات مستقیم و غیر مستقیم	بتا	T	سطح معناداری
اثرات مستقیم			
بازداري رفتاری ← شکایات روان تنی	۰/۰۰۳	۰/۰۸۱	۰/۹۳۵
حساسیت اضطرابی ← بازداري رفتاری	۰/۱۳۱	۲/۵۹۴	۰/۰۱
حساسیت اضطرابی ← شکایات روان تنی	۰/۳۴۵	۱۰/۶۳۸	۰/۰۰۰۱
مکانیزم‌های دفاعی ← بازداري رفتاری	۰/۰۷۷	۱/۴۳۸	۰/۱۵۱
مکانیزم‌های دفاعی ← شکایات روان تنی	۰/۰۸۱	۲/۸۳۱	۰/۰۰۵
اثرات غیر مستقیم			
حساسیت اضطرابی ← بازداري رفتاری ← شکایات روان تنی	۰/۰۰۱	۰/۰۷۵	۰/۹۴۱
مکانیزم‌های دفاعی ← بازداري رفتاری ← شکایات روان تنی	۰/۰۰۱	۰/۰۶۷	۰/۹۴۷

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که اثر مستقیم بازداري رفتاری بر شکایات روان تنی معنادار نیست. اثر مستقیم حساسیت اضطرابی بر بازداري رفتاری و شکایات روان تنی معنادار است. اثر مستقیم مکانیزم‌های دفاعی بر شکایات روان تنی معنادار است، اما اثر مستقیم مکانیزم‌های دفاعی بر بازداري رفتاری معنادار نیست. اثر غیر مستقیم مکانیزم‌های دفاعی و حساسیت اضطرابی با میانجی‌گری بازداري رفتاری بر شکایات روان تنی معنادار نیست.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی شکایات روان تنی براساس مکانیزم‌های دفاعی، حساسیت اضطرابی با میانجی‌گری سیستم بازداري رفتاری در دانش‌آموزان نوجوان دختر شهر تهران انجام شد. نتایج نشان داد که اثر مستقیم بازداري رفتاری بر شکایات روان تنی معنادار نیست. اثر مستقیم حساسیت اضطرابی بر بازداري رفتاری و شکایات روان تنی معنادار است. اثر مستقیم مکانیزم‌های دفاعی بر شکایات روان تنی معنادار است، اما اثر مستقیم مکانیزم‌های دفاعی بر بازداري رفتاری معنادار نیست. اثر غیر مستقیم مکانیزم‌های دفاعی و حساسیت اضطرابی با میانجی‌گری بازداري رفتاری بر شکایات روان تنی معنادار نیست. این نتایج با پژوهش‌های رابطه حساسیت اضطرابی با شکایات روان تنی با پژوهش‌های موسویان (۱۴۰۱) با عنوان پیش‌بینی شکایات روانی در M.S. بیماران بر اساس حساسیت اضطرابی و استرس ادراک شده؛ رستمی (۱۴۰۰) با عنوان و هالسن و همکاران (۲۰۲۲) با عنوان مدل پیش‌بینی شکایات روان تنی بر اساس حساسیت اضطرابی، نشخوار فکری و سواسی و استرس ادراک شده، تایید شده است. مرید صالح (۱۴۰۱) با

عنوان پیش بینی شکایات روانی در بیماران ام.اس بر اساس حساسیت اضطرابی و استرس ادراک شده، و چان و دانسون (۲۰۲۲) نیز در پژوهشی با عنوان رابطه سیستم فعال سازی- بازدارنده رفتاری با حساسیت اضطرابی و استرس و افسردگی در دیابت رابطه بازدارنده رفتاری، حساسیت اضطرابی و نشانگان روان تنی همسو است.

در تبیین رابطه حساسیت اضطرابی با شکایات روان تنی می توان گفت افراد با سطوح حساسیت اضطرابی بالا موقعیت های تنش زا را با احساسات و افکار خود به صورت افراطی دریافت می کنند و در حالت فرون آمادگی با پاسخ های شدید اضطرابی با موقعیت های پرتنش مواجه می شوند، به طوری که افراد با حساسیت اضطرابی بالا، اغلب مواقع به علائم اضطرابی به طور منفی واکنش نشان می دهند، در حالی که افراد با حساسیت اضطرابی پایین، اگرچه ممکن است علائم را به عنوان امور ناخوشایند درک کنند، اما آن ها را به منزله تهدید برداشت نمی کنند (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۹).

حساسیت اضطرابی به معنای تمایل فرد به تجربه اضطراب در مواجهه با موقعیت ها و وقایع مختلف است. این حساسیت می تواند نشان دهنده سطح حساسیت و واکنش قوی تر به استرس ها و تهدیدها باشد. واکنش به تهدیدها: افراد با حساسیت اضطرابی ممکن است به موقعیت هایی که به نظر عمومی عامل تهدید نیستند، با واکنش های اضطرابی و فعال سازی شدید روبرو شوند. آنها ممکن است به سرعت و با شدت بیشتری به تهدیدها و استرس ها واکنش نشان دهند و برای مقابله با آنها تهیه شده و رفتارهای محافظه کارانه انجام دهند. افراد با حساسیت اضطرابی ممکن است به شدت بیشتری به علائم جسمی و روانی استرس توجه کنند. آنها ممکن است نمایانگر واکنش های بیشتری به علائمی مانند نگرانی، ترس، تنش عضلانی و تغییرات فیزیولوژیک باشند. این توجه بیشتر به علائم موجب می شود که این افراد برای کنترل استرس ها و بهبود وضعیت خود تلاش بیشتری انجام دهند. افراد با حساسیت اضطرابی ممکن است در مواجهه با استرس ها و تهدیدها، پاسخ های فعال سازی شدیدی نشان دهند. این شامل افزایش ضربان قلب، تنفس سریع تر، ترشح افزایشی هورمون استرس مانند آدرنالین، و افزایش آمادگی بدن برای مقابله با تهدیدها است. این پاسخ های فعال سازی شدید می تواند به شدت بیشتری در افراد با حساسیت اضطرابی دیده شو (تیلور، ۱۹۹۵؛ گومز و همکاران، ۲۰۲۱).

بازدارنده رفتاری بین مکانیزم های دفاعی، حساسیت اضطرابی و شکایات سایکوسوماتیک نقش میانجی ندارد به این دلیل که حساسیت اضطرابی می تواند بر تنظیم و عملکرد سیستم عصبی خودمختار بدن تأثیر بگذارد. سیستم عصبی خودمختار، که شامل سیستم عصبی همبستگی و سیستم عصبی سمپاتیک است، در تنظیم فعالیت های بدنی غیرارادی مانند ضربان قلب، تنفس، دمیدن، ترشحات گوارشی و غیره نقش دارد. زمانی که فرد با حساسیت اضطرابی با موقعیت های استرس زا و تهدیدها مواجه می شود، سیستم عصبی سمپاتیک بدن فعال می شود و پاسخ فیزیولوژیک استرس را فعال می کند. این پاسخ شامل افزایش ضربان قلب، تنفس سریع تر، ترشح هورمون استرس مانند آدرنالین و افزایش آمادگی بدن برای مقابله با تهدیدها است. فعال سازی مکرر و مداوم سیستم عصبی سمپاتیک بدن به عنوان پاسخ به حساسیت اضطرابی ممکن است به طور غیرمستقیم باعث تأثیرات مضر روانشناختی و فیزیولوژیک در بدن شود. برخی از این تأثیرات می تواند به شکل شکایات سایکوسوماتیک در بدن نشان داده شود، که شامل مشکلات جسمی هستند که به طور مستقیم ناشی از استرس و اضطراب هستند. برخی از نمونه های شکایات سایکوسوماتیک عبارتند از سردرد، درد عضلانی، مشکلات گوارشی، خواب ورزی، اختلالات قاعدگی و غیره (زلونسکی و همکاران، ۲۰۲۳؛ لونستین و همکاران، ۱۹۹۳؛ اندو، ۲۰۲۰).

1. Smits, J. A., et al
2. Taylor, S
3. Gomez, G. J., et al
4. Zvolensky, M. J., et al
5. Levenstein, S., et al
6. Ando, T

برخی محدودیت‌ها به جمع آوری آنلاین داده‌ها مربوط می‌شود به طوری که ممکن است هنگام گزارش داده‌ها توسط شرکت‌کنندگان مطالعه در یک نظرسنجی آنلاین، خود گزارش دهی‌ها با خطا همراه باشد. محدودیت دیگر این است که پژوهش حاضر پیش بینی شکایات روان تنی براساس مکانیزم‌های دفاعی، حساسیت اضطرابی با میانجی‌گری سیستم بازداری رفتاری در دانش‌آموزان نوجوان دختر را مورد بررسی قرار داده است، لذا تعمیم نتایج به سایر گروه‌ها و جمعیت‌ها با محدودیت مواجه است. نتایج پژوهش حاضر مشخص کرد که حساسیت اضطرابی پیش بینی کننده بازداری رفتاری و شکایات روان تنی است و مکانیزم‌های دفاعی نیز پیش بینی کننده شکایات روان تنی هستند، فعال سازی رفتاری نیز توانست شکایات روان تنی را پیش بینی کند. نتایج حاکی از آن است که مدل پیشنهادی از برازش مناسبی برخوردار بوده و می‌تواند گامی مهم در جهت شناسایی عوامل مؤثر بر شکایات روان تنی نوجوانان دختر در نظر گرفته شود. بر این اساس به روان‌شناسان بالینی و مشاوران مدارس توصیه می‌شود با ارائه مداخلاتی ضمن کاهش حساسیت اضطرابی، مکانیزم‌های دفاعی رشد نیافته، شکایات روان تنی نوجوانان را نیز کاهش دهند.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله لازم می‌دانند از زحمات تمامی عزیزانی که در اجرای این پژوهش یاری کردند، تشکر و قدردانی کنند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچگونه تعارض منافع در انتشار این مطالعه ندارند.

منابع

- احمدی، رضا؛ ساعد، امید؛ رضایی، مظاهر و احمدی زاده، رویا. (۱۳۹۹). حساسیت اضطرابی به عنوان سازه ای فراتشخیصی در پدید آیی و تداوم اختلال های هیجانی: مطالعه مرور ادبیات تحقیق. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان. ۲۵ (۳) ۴۴-۶۰.
- حاجلو، نادر. (۱۳۹۱). ویژگی های روان سنجی مقیاس شکایات روان تنی تاکاتا و ساکاتا در بین دانشجویان دانشگاه محقق اردبیلی. تحقیقات علوم رفتاری. ۱۰ (۳) ۲۱۱-۲۰۴.
- حسینی کلائی، ساناز و اسدی، مسعود. (۱۳۹۹). اثر بخشی آموزش والدگری موفق به مادران بر سازگاری عاطفی، تحصیلی و اجتماعی دختران نوجوان. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۱۱ (۴۳)، ۸۹-۱۲۰.
- حیدری نسب، لیلا؛ منصور، محمود؛ آزادفلاح، پرویز؛ و شعیری، محمدرضا. (۱۳۸۶). روایی و اعتبار پرسشنامه سبک های دفاعی در نمونه های ایرانی. دانشور رفتار، ۲ (۲): ۱۱-۲۶.
- رستمی، بهرام، (۱۳۹۰). پیش بینی شکایات روان شناختی مبتنی بر اضطراب و بازداری هیجانی در بیماران دیابتی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- سیدموسوی، پریسasadat؛ پوراعتماد، حمیدرضا و قنبری، سعید. (۱۳۹۳). ویژگی های روان سنجی مقیاس نظام های بازداری و فعال ساز رفتاری در نوجوانان ایرانی: مقایسه الگوهای دو و چهار عاملی این مقیاس. فصلنامه روان شناسی کاربردی، ۳ (۳۱)، ۹۷-۱۱۵.
- مرید صالح، مریم. (۲۰۲۲). مدل پیش بینی شکایات بیماری بر اساس سیستم فعال سازی-بازداری رفتاری و افسردگی در بیماران. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز.
- موسوی، سید حنظلله؛ گودرزی، محمد علی؛ حیدری، روزیتا؛ چالمه، رضا و موسوی، فاطمه. (۱۳۹۳). بررسی کفایت ابزار بالینی مقیاس حساسیت اضطرابی نوجوانان در میان دانش آموزان دبیرستانی. مطالعات روان شناختی، ۱۰ (۱)، ۷۷-۸۳.
- موسویان، رضا، (۱۳۹۱). پیش بینی شکایات روانی در M.S. بیماران بر اساس حساسیت اضطرابی و استرس ادراک شده. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز.

- Andrews G, Singh M, Bond M. (1993). The Defense Style Questionnaire. *J Nerv Ment Dis*. Apr; 181(4):246-56.
- Ando, T. (2020). Psychosomatic Disorder. In *Encyclopedia of Behavioral Medicine* (pp. 1804-1805). Cham: Springer International Publishing.
- Bailey, R., & Pico, J. (2023). Defense mechanisms. In *StatPearls* [Internet]. StatPearls Publishing.
- Barkley, R. A. (1997). Behavioral inhibition, sustained attention, and executive functions: constructing a unifying theory of ADHD. *Psychological bulletin*, 121(1), 65.
- Barsky, A. J., Orav, E. J., & Bates, D. W. (2005). Somatization increases medical utilization and costs independent of psychiatric and medical comorbidity. *Archives of general psychiatry*, 62(8), 903-910.
- Gomez, G. J., Burr, E. K., DiBello, A. M., & Farris, S. G. (2021). Understanding sex differences in physical activity behavior: The role of anxiety sensitivity. *Mental Health and Physical Activity*, 20, 100392.
- Gray, J.A. (1990). Brain systems that mediate both emotion and cognition. *Journal of Cognition and Emotion*: 4(7): 269-288.
- Habermann, K., Napp, A. K., Reiß, F., Kaman, A., Erhart, M., & Ravens-Sieberer, U. (2024). Psychosomatic health complaints among children and adolescents during the COVID-19 pandemic—Results of the longitudinal German COPSYS study.
- Hair, J. F., Risher, J. J., Sarstedt, M., & Ringle, C. M. (2019). When to use and how to report the results of PLS-SEM. *European business review*, 31(1), 2-24.
- Hajlou, N. (2012). Psychological characteristics of the TAKATA and SAKATA Psychological Complaints Scale among students of Mohaghegh Ardabili University. *Behavioral Sciences Research*, 10(3), 204-212.
- Bastani F, Rahmatnejad L, Jahdi F, Haghani H. Breastfeeding Self Efficacy and Perceived Stress in Primiparous Mothers, *Journal of Iranian Nursing*. 2008; 21 (54) :9-24.
- Carver, C. S., & White, T. L. (1994). Behavioral inhibition, behavioral activation, and affective responses to impending reward and punishment: the BIS/BAS scales. *Journal of personality and social psychology*, 67(2), 319.
- Chan, H., & Danson, S. (2022). The relationship between behavioral activation-inhibition system with anxiety sensitivity and stress and depression in diabetes. *Journal of Clinical Psychology and Psychotherapy*, 12,55-76.
- Cohen S, Kamarck T, Mermelstein R A. global measure of perceived stress. *J Health Soc Behav*. (1983): 24(4), 385-96.
- Cohen, S., Janicki-Deverts, D., & Miller, G. E. (2007). Psychological stress and disease. *JAMA*, 298(14), 1685-1687.
- Delveci, A., Jeferson, Q., Chilawer ,I. & Shes, A. (2022). The effect of effectiveness of cognitive-behavioral therapy on the cognitive emotion regulation of girls ac psychosomatic complaints syndrome. *Behavior Therapy*, 57, 167-183.
- Erfan, M., Roustaei, M., Maboudinejad, S., Pourakbaran, E., & Zeraati, F. B. (2022). Relationship between the Activity of Behavioral Activation Systems (BAS) and Behavioral Inhibition (BIS) and Health Anxiety with the Mediating Role of Adaptive Cognitive Emotion Regulation Strategies. *Journal of North Khorasan University of Medical Sciences*, 14(1), 62-70.
- Fernández, Montes-Martínez, Piñero-Lamas, Regueira-Méndez & Takkouche. (2019). Intervention target for reducing preretirement anxiety & depression. *Journal of counseling psychology*, 36(3), 301-307
- Fitzgerald, H. E., Hoyt, D. L., Kredlow, M. A., Smits, J. A., Schmidt, N. B., Edmondson, D., & Otto, M. W. (2021). Anxiety sensitivity as a malleable mechanistic target for prevention interventions: A meta-analysis of the efficacy of brief treatment interventions. *Clinical Psychology: Science and Practice*.

- Floyd, M., Garfield, A., & Marcus, T. (2005). Anxiety sensitivity and worry. *Personality and Individual Differences*, 38, 1223-1229.-
- Ghorbani N, Bing M N, Watson P J, Davison H K, Mack D A. Self-reported emotional intelligence: Construct similarity and functional dissimilarity of higher-order processing in Iran and the United States. *Int J Psychol*, (2002) : 37(5) : 297-308.
- Halsen, A., Gros, F. and Gerinson, H. (2022). The model predicting psychosomatic complaints based on anxiety sensitivity, obsessive rumination and perceived stress. *Journal of Health*, 23: 113-124
- Högberg, B., Strandh, M., Johansson, K., & Petersen, S. (2023). Trends in adolescent psychosomatic complaints: a quantile regression analysis of Swedish HBSC data 1985–2017. *Scandinavian Journal of Public Health*, 51(4), 619-627.
- Kelley, N. J., Kramer, A. M., Young, K. S., Echiverri-Cohen, A. M., Chat, I. K. Y., Bookheimer, S. Y., ... & Zinbarg, R. E. (2019). Evidence for a general factor of behavioral activation system sensitivity. *Journal of research in personality*, 79, 30-39.
- Kimbrel, N. A., Nelson-Gray, R. O., & Mitchell, J. T. (2012). BIS, BAS, and bias: The role of personality and cognitive bias in social anxiety. *Personality and individual Differences*, 52(3), 395-400.
- Låftman, S. B., Östberg, V., & Raninen, J. (2023). Trust and Psychosomatic complaints in Adolescence: findings from a Swedish cohort study. *International Journal of Public Health*, 68, 1606032.
- Leung, Y. K., Franken, I. H. A., & Thurik, A. R. (2020). Psychiatric symptoms and entrepreneurial intention: The role of the behavioral activation system. *Journal of Business Venturing Insights*, 13, e00153.
- Levenstein, S., Prantera, C., Varvo, V., Scribano, M. L., Berto, E., Luzi, C., & Andreoli, A. (1993). Development of the Perceived Stress Questionnaire: a new tool for psychosomatic research. *Journal of psychosomatic research*, 37(1), 19-32.
- Lindblom, J., Punamäki, R.-L., Flykt, M., Vänskä, M., Nummi, T., Sinkkonen, J., Tulppala, M. (2016). Early Family Relationships Predict Children's Emotion Regulation and Defense Mechanisms. *SAGE Open*, 6(4), 1-18.
- Loxton NJ, Dawe S . (2019). Alcohol abuse and dysfunctional eating in adolescent girls: the influence of individual differences in sensitivity to reward and punishment. *International Journal of Eating Disorders*. 29(4):455-62.
- Malagoli, C., Chiorri, C., Traverso, L., & Usai, M. C. (2022). Inhibition and individual differences in behavior and emotional regulation in adolescence. *Psychological Research*, 86(4), 1132-1144.
- McEwen, B. S. (2007). Physiology and neurobiology of stress and adaptation: Central role of the brain. *Physiological reviews*, 87(3), 873-904.
- McEwen, B. S. (2008). Central effects of stress hormones in health and disease: Understanding the protective and damaging effects of stress and stress mediators. *European journal of pharmacology*, 583(2-3), 174-185.
- Melnyk, B. M., Hsieh, A. P., Davidson, J., Carpenter, H., Choflet, A., Heath, J., ... & Stand, L. (2021). Promoting nurse mental health. *Am Nurse J*, 16(1), 20-3.
- Miranda, B., & Louzã, M. R. (2015). The physician's quality of life: Relationship with ego defense mechanisms and object relations. *Comprehensive psychiatry*, 63, 22-29.
- Nigg, J. T. (2017). Annual Research Review: On the relations among self-regulation, self-control, executive functioning, effortful control, cognitive control, impulsivity, risk-taking, and inhibition for developmental psychopathology. *Journal of child psychology and psychiatry*, 58(4), 361-383.

- Rask, C. U., Duholm, C. S., Poulsen, C. M., Rinvall, M. K., & Wright, K. D. (2024). Annual Research Review: Health anxiety in children and adolescents—developmental aspects and cross-generational influences. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 65(4), 413-430.
- Segerstrom, S. C., & Miller, G. E. (2004). Psychological stress and the human immune system: a meta-analytic study of 30 years of inquiry. *Psychological bulletin*, 130(4), 601-630.
- Smits, J. A., Otto, M. W., Powers, M. B., & Baird, S. O. (2019). Anxiety sensitivity as a transdiagnostic treatment target. In *The clinician's guide to anxiety sensitivity treatment and assessment* (pp. 1-8). Academic Press.
- Takata Y, Sakata Y. (2004). Development of a psychosomatic complaints scale for adolescents. *Psychiatry Clin Neurosci*; 58(1): 3-7.
- Taylor, S. (1995). Anxiety sensitivity: Theoretical perspectives and recent findings. *Behaviour research and therapy*, 33(3), 243-258.
- Wadhawan, A., & Sharma, R. (2024). Defense Mechanism and Dysfunctional Personality Factors among Substance Abuse Patients in National Capital Territory of Delhi, India. *Health Science Journal*, 18(1), 1-6.
- Zinbarg, R. E., Mohlman, J., & Hong, N. N. (2014). Dimensions of anxiety sensitivity. In *Anxiety sensitivity* (pp. 83-114). Routledge.
- Zvolensky, M. J., Shepherd, J. M., Clausen, B. K., Kauffman, B. Y., Heggeness, L., & Garey, L. (2023). Anxiety sensitivity among non-Hispanic Black adults: Relations to mental health and psychosomatic states. *Journal of Racial and Ethnic Health Disparities*, 10(2), 751-760.

Modeling structural equations of psychosomatic complaints based on anxiety sensitivity and defense mechanisms mediated by the behavioral inhibition system in adolescent girls

Mahnaz Afrasiabi¹, Farhad Jomehri², Lida Lelabadi³

Abstract

The present study was conducted with the aim of modeling the structural equations of the relationship between anxiety sensitivity, defense mechanisms, and psychosomatic complaints based on the mediating role of behavioral inhibition systems. The research was applied in terms of purpose and correlational in nature in terms of the type of structural equation model. The statistical population consisted of all female adolescents (16 to 18 years old) studying in the academic year 1401-1402 in high schools in Tehran. The sample size included 620 female students who were selected through multi-stage cluster sampling. To collect the data, the Psychosomatic Complaints Scale by Takatao & Sakata (2004), the Anxiety Sensitivity Questionnaire by Floyd, Garfield, and Mark (2005), the Behavioral Inhibition Systems Scale (Carver & White, 1994), and the Defense Styles Questionnaire by Andrews, et al. (1993) were used. The research data were analyzed using SPSS version 25 and PLS version 3.3 software.

The direct effect of behavioral inhibition on psychosomatic complaints was not significant. The direct effect of anxiety sensitivity on behavioral inhibition and psychosomatic complaints was significant. The direct effect of defense mechanisms on psychosomatic complaints was significant, but the direct effect of defense mechanisms on behavioral inhibition was not significant. The indirect effect of defense mechanisms and anxiety sensitivity on psychosomatic complaints through the mediating role of behavioral inhibition was not significant. The results indicate that the proposed model had a good fit and can be a significant step in identifying factors affecting psychosomatic complaints in adolescent girls. Based on this, clinical psychologists and school counselors are recommended to reduce psychosomatic complaints in adolescent girls by providing interventions that reduce anxiety sensitivity and defense mechanisms.

Keywords: Psychosomatic Complaints, Defense Mechanisms, Anxiety Sensitivity, Behavioral Inhibition System, Adolescent Girls

1. Ph.D. Student of Health Psychology, Department of Psychology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. mahnazafrasiabi@gmail.com

2. Assistant professor of Psychology Group. Faculty of Psychology and Education Science. Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran. farhadjomehri@yahoo.com

3. Assistant professor of Psychology Group. Faculty of Psychology and Education Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. lida.leilabadi@gmail.com

* **Correspondence:** Farhad Jomehri ; Assistant professor of Psychology Group. Faculty of Psychology and Education Science. Allameh Tabatabai University, Tehran, farhadjomehri@yahoo.com



رابطه سبک های مقابله ای و اضطراب با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان

سارا محمدی^۱، دکتر جهان سادات اسدی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۲۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱

چکیده

با توجه به گسترش استفاده از اینترنت مخصوصاً در میان دانشجویان، و پیامدهای منفی آن، موضوع اعتیاد به اینترنت مورد توجه روان شناسان قرار گرفته است. پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه سبک های مقابله ای و اضطراب با اعتیاد به اینترنت در بین دانشجویان انجام شد. این مطالعه یک پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش ۸۹۳۳ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد لاهیجان، در سال ۱۴۰۳ بودند. که ۱۵۰ نفر از دانشجویان به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند، و به پرسشنامه های کاربری مشکل زا از اینترنت کاپلان، راهبردهای مقابله ای بلینگز و موس و اضطراب کتل پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج بدست آمده از تحلیل رگرسیون همزمان متغیرهای اضطراب و سبک مقابله ای هیجان مدار و سبک مقابله ای مسئله مدار نشان داد، اضطراب و سبک مقابله ای هیجان مدار، می توانند اعتیاد به اینترنت را پیش بینی کنند، ولی سبک مقابله ای مسئله مدار نمی تواند اعتیاد به اینترنت را پیش بینی کند. همچنین نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد که بین اضطراب، اضطراب آشکار، اضطراب پنهان و سبک مقابله ای هیجان مدار با تمام مؤلفه های اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت وجود دارد، و بین سبک مقابله ای مسئله مدار و تمام مؤلفه های اعتیاد به اینترنت به جز مشغولیت ذهنی نسبت به اینترنت و صرف زمان بیش از حد در اینترنت رابطه منفی وجود دارد، به این معنا که با افزایش اضطراب و استفاده از سبک مقابله ای هیجان مدار اعتیاد به اینترنت افزایش می یابد. بنابراین می توان با آموزش تنظیم اضطراب و استفاده از سبک مقابله ای کارآمد از اعتیاد به اینترنت جلوگیری کرد.

کلید واژه ها: اعتیاد به اینترنت، سبک های مقابله ای، اضطراب.

۱. کارشناس ارشد روانشناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. smohammadi1394@yahoo.com

۲. استادیار گروه روانشناسی، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران. asadijahan70@gmail.com

مقدمه

اینترنت از زمان توسعه آن در دهه ۱۹۹۰ به سرعت رشد کرده و به بخش عمده ای از زندگی روزمره تبدیل شده است (چو و همکاران، ۲۰۱۵). اینترنت پدیده ای جهانی است که هر روز تعداد کاربران آن در حال افزایش است. این کاربران می توانند در هر سنی و از هر کشوری باشند. زیرا اینترنت مزایای مختلفی دارد که افراد مختلف از آن استفاده می کنند. به دلیل استفاده از لپ تاپ، گوشی های هوشمند و تبلت، مردم به راحتی و پیوسته آنلاین می شوند. دسترسی در هر جا و هر مکان، امکان پذیر است و استفاده از آن بدون محدودیت است و می تواند امکانات جدیدی را برای بازیابی و تبادل اطلاعات، ارتباط با دیگران و سرگرم کردن افراد فراهم کند (سیبرا و همکاران، ۲۰۱۷). با توسعه سریع فناوری های دیجیتال و افزایش تعداد افرادی که از اینترنت استفاده می کنند، انواع جدیدی از رفتارهای مرتبط با اعتیاد ظهور کردند. اعتیاد به اینترنت که به عنوان استفاده بیمارگونه یا مشکل زا از اینترنت نیز توصیف می شود، به عنوان الگویی از استفاده بیش از حد یا اجباری از اینترنت که باعث ایجاد ناراحتی یا اختلال می شود، تعریف شده است (خو و همکاران، ۲۰۲۱).

یانگ معتقد است که واژه اعتیاد را می توان برای استفاده ناسازگار از اینترنت به کار برد. زیرا همان علائمی را بوجود می آورد که اعتیاد به الکل و سیگار به وجود می آورد (پیری و همکاران، ۱۳۹۸). یانگ اعتیاد اینترنتی را میل زیاد به استفاده از اینترنت و ناتوانی در کنترل آن و از دست دادن درک گذشت زمان هنگام استفاده از آن و نا آرامی هنگام در دسترس نبودن آن می داند (عشایری و همکاران، ۱۴۰۰). بطور کلی محققان توافق دارند که اعتیاد به اینترنت در صورتی قابل تشخیص است که فرد موارد زیر را تجربه کند: استفاده بیش از حد از اینترنت (عدم کنترل میزان زمان صرف شده آنلاین)، علائم ترک (احساسات منفی در صورت محروم شدن از اینترنت)، علائم تحمل (افزایش ساعات استفاده از اینترنت و نیاز به تجهیزات یا نرم افزارهای بهتر)، پنهان کاری (تلاش برای پنهان کردن میزان گرفتار شدن به اینترنت)، پیامدهای نامطلوب (پیامدهای منفی مثل اجتماعی، مالی، جسمی، تحصیلی یا شغلی) (سیبرا و همکاران، ۲۰۱۷). در واقع، وابستگی به اینترنت همانند اعتیاد به مواد مخدر و وابستگی های دیگر است. اگرچه این نوع وابستگی، مشکلات جسمی که اعتیادهای شیمیایی به وجود می آورند را ندارد، مشکلات اجتماعی که به وجود می آورد، همانند اعتیادهای دیگر است. اعتیاد به اینترنت موجب تغییرات زیادی در سبک زندگی افراد می شود که تأثیرات منفی بر جسم و روان افراد می گذارد (امین پور، بایرام نژاد، داودی، ۱۳۹۵).

اعتیاد به اینترنت به دلیل افزایش شمار مبتلایان به آن، به یک نگرانی در حال رشد در سطح جهانی تبدیل شده است که آن را مورد توجه قرار می دهد. افراد مبتلا به اعتیاد به اینترنت اغلب دارای طیفی از علایم روان شناختی همراه، مانند افسردگی، اختلال نقص توجه/ بیش فعالی، انزوای اجتماعی و عزت نفس پایین هستند. علاوه بر این، آنها ممکن است طیفی از رفتارهای مشکل ساز مانند تکانشگری، مشکلات عاطفی، تنوع طلبی و سطوح بالای پر خاشگری را از خود نشان دهند (چو و همکاران، ۲۰۱۵). مروری بر ۲۰ مطالعه مرتبط با رابطه استفاده مشکل زا از اینترنت و بیماری های روانی نشان داد که بین اعتیاد به اینترنت و افسردگی ۷۵٪، اضطراب ۵۷٪، علائم نقص توجه/ بیش فعالی ۱۰٪، علائم وسواس جبری ۶۰٪، خصومت و پر خاشگری ۶۶٪ ارتباط وجود دارد (وینستین و همکاران، ۲۰۱۴).

مطالعات بیانگر آن هستند که اعتیاد به اینترنت و استفاده افراطی از شبکه‌های مجازی در بین گروه‌های سنی نوجوانان و جوانان رواج دارد. مطالعه طیوری و همکاران (۱۳۹۵)، نشان داد که ۲۰/۵ درصد دانش آموزان اعتیاد به اینترنت خفیف و ۵/۸ درصد، اعتیاد به اینترنت شدید دارند. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهند، شیوع اعتیاد به اینترنت در بین دانشجویان ایرانی بین ۸ تا ۲۵٪ متغیر است (پیری و همکاران، ۱۳۹۸).

اینترنت برای بسیاری از مردم به عنوان یک راه فرار از واقعیت عمل می‌کند که به آنها اجازه می‌دهد تا با فشارهای زندگی روزمره کنار بیایند (تائو، وو و وانگ، ۲۰۱۶). از آنجا که استرس جزء جدا نشدنی زندگی بشر است. به نظر می‌رسد افراد در موقعیت‌های استرس‌زا از شیوه‌های مقابله‌ای متفاوتی استفاده می‌کنند، که در تعیین سلامتی یا بیماری افراد اهمیت دارد. سبک‌های مقابله با استرس به تلاش‌های شناختی و رفتاری گفته می‌شوند که برای مدیریت خواسته‌های درونی و بیرونی که فراتر از منابع شخصی فرد ارزیابی می‌شوند بکار می‌روند. این سبک‌ها در یک تقسیم بندی کلی شامل سبک‌های مسئله مدار و هیجان مدار هستند. سبک مسئله‌مدار نشان‌دهنده تلاش برای تغییر شرایط رویداد استرس‌زا یا جستجوی اطلاعات بیشتر در مورد راه‌حل‌های موقعیت استرس‌زا می‌باشد، و سبک هیجان‌مدار عبارت است از تلاش برای تنظیم پریشرانی عاطفی یا تغییر ادراک یا تفسیر فرد از عوامل استرس‌زا (لازاروس و فولکمن، ۱۹۸۴). بنابراین سبک‌های مقابله‌ای می‌تواند یکی از متغیرهایی باشد که بر اعتیاد به اینترنت تاثیر می‌گذارد.

بالتاجی^۱ و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهش خود نشان دادند، بین سبک‌های مقابله‌ای ناکارآمد و اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت و بین سبک‌های مقابله‌ای کارآمد و اعتیاد به اینترنت رابطه منفی وجود دارد. ژو^۲ و همکاران (۲۰۱۷)، در پژوهشی نشان دادند که مقابله متمرکز بر هیجان می‌تواند تا حدی رابطه بین پنج عامل بزرگ شخصیت و اعتیاد به اینترنت نوجوانان را تبیین کند. چو و همکاران (۲۰۱۵)، در پژوهش خود نشان دادند که استفاده از مقابله‌ی مسئله‌مدار با اعتیاد به اینترنت ارتباط منفی دارد، در حالی که مقابله هیجان مدار ارتباط مثبتی با اعتیاد به اینترنت دارد. طالقانی نژاد و همکاران (۱۳۹۸)، نشان دادند که راهبرهای مقابله‌ای بطور مستقیم گرایش به اعتیاد به اینترنت را پیش بینی می‌کنند. پیری و همکاران (۱۳۹۸)، در پژوهشی نشان دادند که بین اعتیاد به اینترنت و راهبرد مقابله‌ای ناکارآمد رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کشاورز و همکاران (۱۳۹۴)، در پژوهش خود نشان دادند که کاربران دارای اعتیاد به اینترنت به میزان پایین‌تری از راهبرد مقابله‌ای مسئله مدار استفاده می‌کنند و در سبک هیجان مدار و اجتنابی تفاوت‌ها معنادار نبود. تحقیقات زیادی وجود دارند که نشان‌دهنده رابطه اعتیاد به اینترنت و سبک‌های مقابله با استرس می‌باشند. اما این موضوع که آیا سبک‌های مقابله‌ای مختلف با افزایش اعتیاد به اینترنت مرتبط هستند یا خیر همچنان مورد بحث است (لی^۳ و همکاران، ۲۰۱۸).

از طرفی با توجه به مطالعات صورت گرفته افراد افسرده و مضطرب از اینترنت به عنوان راهی برای فرار از مشکلات استفاده می‌کنند و چون این توانایی را ندارند که با مشکلات به شیوه‌ی موثری مقابله کنند، بیشتر از اینترنت استفاده می‌کنند، تا اضطراب خود را کاهش دهند. بنابراین افراد مضطرب از اینترنت با هدف از بین بردن اضطراب خود و فرار از افکار نگران کننده که به اضطراب منجر می‌شود استفاده می‌کنند و سعی می‌کنند که ذهن آشفته خود را با سرگرمی‌های موجود در اینترنت آرام کنند (بهادری و هاشمی، ۱۳۹۰).

بنابراین یکی دیگر از متغیرهایی که می‌تواند با اعتیاد به اینترنت مرتبط باشد اضطراب است. اضطراب یک احساس ناخوشایند و مبهم دلواپسی است که با یک یا چند علامت جسمانی مثل تپش قلب، تنگی نفس، تعریق و بی‌قراری همراه می‌گردد (روزنهان و سلیگمن، ۲۰۰۵). اضطراب واکنشی طبیعی و هشداردهنده است. اضطراب ممکن است به صورت هیجان یا احساس پریشانی، ناامنی، تنش، بیم و هراس، ظاهر شود. علایم اضطراب ممکن است از خفیف تا شدید باشند و بر اساس این طیف به صورت عامل محرک یا ناتوان کننده عمل کنند. افراد روش‌های منحصر به فردی برای پاسخ به اضطراب دارند (خیری و مظفری، ۱۳۹۵). اسپیلبرگر اضطراب را به دو نوع صفت و حالت تقسیم می‌کند. اضطراب صفت یا پنهان به معنای خصوصیت یا صفتی است که در فرد وجود دارد و آن را به عنوان عاملی برای شناسایی و ارزیابی محرک‌های درونی و بیرونی می‌داند. او معتقد است ارزیابی خطر و تهدید، سطح اضطراب صفت را در فرد نشان می‌دهد. و اضطراب حالت یا آشکار نیز به معنای واکنش اضطرابی است که در موقعیت‌های خاص تجربه می‌شود (اسپیلبرگر، ۲۰۱۰). زی، چنگ و چن (۲۰۲۳)، در پژوهش خود نشان دادند، بین افسردگی، اضطراب و اعتیاد به اینترنت دانشجویان همبستگی مثبت وجود دارد. شان و همکاران (۲۰۲۱)، در پژوهش خود نشان دادند، دانشجویان معتاد به اینترنت، اضطراب حالت و اضطراب صفت بیشتری را نشان دادند. و سبک مقابله‌ای ناکارآمد را به سبک مقابله‌ای کارآمد ترجیح دادند. سایکیا، بارمان وبارالی (۲۰۱۹)، در پژوهش خود نشان دادند بین اعتیاد به اینترنت و افسردگی و اضطراب نوجوانان ارتباط معنا داری وجود دارد. شاه رجبیان و عمادی چاشمی (۱۳۹۹)، در پژوهش خود نشان دادند، که اضطراب و افسردگی بطور معناداری با اعتیاد به تلفن همراه رابطه دارد. خیری و همکاران (۱۳۹۷)، در پژوهش خود نشان دادند که اعتیاد به اینترنت کیفیت خواب دانشجویان را کاهش و اضطراب آنها را افزایش می‌دهد.

بنابراین طبق پژوهش‌های انجام شده علاوه بر تاثیر عامل مربوط به جذابیت اینترنت، در اعتیاد به آن، عوامل شخصیتی مثل سبک‌های مقابله‌ای افراد در برابر تنش‌ها و همچنین میزان اضطراب افراد می‌توانند از دیگر عوامل تاثیرگذار بر اعتیاد به اینترنت باشند. با وجود پژوهش‌های انجام گرفته برای شناسایی مهمترین عواملی که با اعتیاد به اینترنت مرتبط هستند، باز هم موارد مبهم و پرسش‌های فراوانی برای پژوهشگران وجود دارد (بیدی و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین مطالعات بیشتر در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد.

از طرفی، از آنجا که دانشجویان با ورود به دانشگاه نیاز بیشتری دارند که از اینترنت استفاده کنند و در صورت استفاده افراطی از اینترنت، احتمال اعتیاد به اینترنت در آنها بیشتر می‌شود. با توجه به اینکه اعتیاد به اینترنت، بدون در نظر گرفتن این که آن را یک بیماری یا آسیب روانی یا مشکل اجتماعی بدانیم، یک پدیده مزمن و گسترده است که با آسیب‌های جدی جسمی، خانوادگی، اجتماعی و اقتصادی همراه است. بررسی آن در دانشجویان دارای اهمیت ویژه‌ای است (موسوی، ۱۳۹۹). تاکنون پژوهش‌های بسیاری در مورد دانشجویان دچار اعتیاد به اینترنت انجام شده است، اما با توجه به آسیب پذیر بودن دانشجویان و شیوع بیماری‌های مختلف روانپزشکی و روان‌شناختی در آنها و همچنین تاثیر آنها بر سایر اقشار

1. Rosenhan & Seligman
2. Spielberger
3. Trait
4. State
5. Xie, Cheng & Chen
6. Shan
7. Silkia, Barman & Bharali

جامعه، نیاز به انجام مطالعات بیشتر در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد، و هر چه مطالعات صورت گرفته در این زمینه، بیشتر، جامع‌تر و دقیق‌تر باشد، به ارتقا کیفیت زندگی افراد جامعه کمک بیشتری خواهد کرد (سلطانی و بقایی فرد، ۱۳۹۷). در این پژوهش می‌خواهیم به این سؤال پاسخ دهیم که آیا بین سبک‌های مقابله‌ای و اضطراب با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان رابطه وجود دارد؟

فرضیه‌های پژوهش

بین سبک‌های مقابله‌ای و اضطراب با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان رابطه وجود دارد.

بین سبک‌های مقابله‌ای با ابعاد اعتیاد به اینترنت در دانشجویان رابطه وجود دارد.

بین اضطراب آشکار و اضطراب پنهان با ابعاد اعتیاد به اینترنت در دانشجویان رابطه وجود دارد.

روش شناسی پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش ۸۹۳۳ نفر از دانشجویان مشغول به تحصیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در دانشگاه آزاد لاهیجان بودند. گروه نمونه شامل ۱۵۰ نفر از دانشجویان بودند که به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. معیارهای ورود به پژوهش شامل دانشجو بودن در دانشگاه آزاد لاهیجان و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، و معیار خروج از پژوهش شامل عدم تکمیل پرسشنامه بطور کامل بود. جهت گردآوری اطلاعات مربوط به ادبیات موضوع و پیشینه پژوهش از پایگاه‌های اطلاعاتی اینترنتی و مقالات داخلی و خارجی و کتاب‌های مرتبط با موضوع پژوهش، استفاده شد. و جهت جمع‌آوری داده‌ها برای تجزیه و تحلیل به منظور تأیید یا رد فرضیه‌های پژوهش از سه پرسشنامه کاربری مشکل‌زا از اینترنت کاپلان^۱، پرسشنامه اضطراب کتل^۲ و پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای بلینگز و موس^۳ استفاده شد. و در آخر برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد، که با استفاده از نسخه ۲۴ نرم افزار SPSS انجام شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه کاربری مشکل‌زا از اینترنت:^۱ این مقیاس توسط کاپلان در سال ۲۰۰۲ تهیه شده است. هدف از تهیه آن سنجش میزان و شدت اعتیاد به اینترنت و اندازه‌گیری آسیب‌های احتمالی کلی ناشی از اعتیاد به اینترنت می‌باشد. این مقیاس، پرسش نامه ای ۲۹ سوالی است که برای سنجیدن بر مبنای تجارب بالینی و میدانی ساخته شده است و نمره گذاری پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۵ درجه‌ای بوده و نمره ۱ تا ۵ به پاسخ فرد تعلق می‌گیرد. این مقیاس مورد تحلیل عاملی قرار گرفته است، ۶ عامل مربوط به مشکلات کلی و یک عامل مربوط به پیامدهای منفی است، شش عامل عبارتند از: ۱- تغییرات در خلق (شامل تسهیل در تغییرات عاطفی منفرد)، ۲- منافع اجتماعی (شامل منافع اجتماعی که از اینترنت حاصل می‌شود)، ۳- کاربری اجباری (ناتوانی در کنترل، توقف یا کاهش استفاده از اینترنت

-
1. Caplan
 2. Cattell
 3. Bilings&Moos
 4. Generalized Problematic Internet Use Scale

همراه با احساس گناه)، ۴- صرف وقت زیاد، ۵- کناره گیری (ترک)، ۶- کنترل بین فردی (احساس اجتماعی بودن در زمان استفاده از اینترنت)، و یک عامل مربوط به پیامدهای منفی (مشکلات شخصی، اجتماعی و حرفه‌ای). در این پرسشنامه حداقل امتیاز ممکن ۲۹ و حداکثر ۱۴۵ است. نمره بین ۲۹ تا ۵۸ یعنی میزان استفاده مشکل را از اینترنت پایین است. نمره ۵۸ تا ۸۷ یعنی میزان استفاده مشکل را از اینترنت متوسط است. بالاتر از ۸۷ یعنی میزان استفاده مشکل را از اینترنت بالاست. این پرسشنامه از همسانی درونی خوبی با دامنه‌ی اعتبار ۰/۷۸ تا ۰/۸۵ برخوردار است (کاپلان، ۲۰۰۲). همچنین در پژوهش غفاری و احدی (۱۳۸۵)، نیز میزان پایایی به روش آلفای کرونباخ، در دامنه‌ای از ۰/۶۳ تا ۰/۸۹ گزارش شده است. در پژوهش علوی و همکاران (۱۳۸۸)، روایی پرسشنامه مطلوب گزارش شده است. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای اعتیاد به اینترنت ۰/۹۰ بدست آمد که نشان دهنده اعتبار مطلوب این پرسشنامه است.

پرسشنامه راهبردهای مقابله‌ای^۱: پرسشنامه راهبردهای مقابله ای بلینگز و موس شامل ۳۲ ماده است که به صورت مقیاس لیکرت درجه بندی شده است. و نمره ۱ تا ۳ به پاسخ فرد تعلق می‌گیرد. این پرسشنامه دارای پنج خرده مقیاس است که در دو خرده مقیاس کلی راهبرد مسئله مدار و هیجان مدار قرار می‌گیرند. خرده مقیاس‌های ارزیابی شناختی و حل مسئله زیر مقیاس‌های راهبرد مسئله مدار و خرده مقیاس‌های مهارت‌های جسمانی، جسمانی‌کردن و حمایت اجتماعی، زیر مقیاس‌های راهبرد هیجان‌مدار را تشکیل می‌دهند. نمره نهایی به‌صورت نمره مقابله مسئله مدار و نمره مقابله هیجان‌مدار بدست می‌آید، نسبت نمره‌ی فرد در هر کدام از زیر مقیاس‌ها که بیشتر بود، سبک مقابله‌ای فرد محسوب می‌شود. ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون ۰/۷۹ گزارش شده است و برای خرده مقیاس حل مسئله ۰/۹۰، برای مقابله مبتنی بر مهارت هیجانی ۰/۶۵، برای مقابله مبتنی بر ارزیابی شناختی ۰/۶۸، برای مقابله مبتنی بر جسمانی کردن مشکلات ۰/۹۰ و برای مقابله مبتنی بر جلب حمایت اجتماعی ۰/۹۰ حاصل شده است (حسینی قدمگاهی، دژکام، بیان زاده و فیض، ۱۳۷۷). بلینگز و موس همسانی درونی این پرسشنامه را ۰/۶۲ گزارش کردند. در پژوهشی دیگر روایی این مقیاس را مطلوب گزارش کرده اند (احتشام زاده، صبری‌نظرزاده، معمارباشی‌اول، ۱۳۹۲). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای سبک مقابله ای مسئله مدار ۰/۷۳ و برای سبک مقابله‌ای هیجان مدار ۰/۷۹ بدست آمد، که نشان دهنده اعتبار مطلوب این پرسشنامه است.

پرسشنامه اضطراب کتل^۲: این مقیاس شامل ۴۰ سؤال با دو زیرمقیاس اضطراب پنهان (سؤالات ۱ تا ۲۰) و اضطراب آشکار (سؤالات ۲۱ تا ۴۰) می‌باشد. نمره گذاری مقیاس در طیف لیکرت سه درجه‌ای انجام می‌شود. و نمرات ۰ تا ۲ به آن تعلق می‌گیرد. دامنه نمرات در هر عامل بین صفر تا ۴۰ و در کل مقیاس ۸۰ می‌باشد. بر اساس این پرسشنامه می‌توان نمره اضطراب کلی، و دو نمره که شامل اضطراب آشکار و اضطراب پنهان می‌باشند، بدست آورد. جهت نمره‌گذاری این پرسشنامه ابتدا باید نمرات خام را به نمرات تراز شده تبدیل و سپس آنها را تفسیر نمود. اگر نمره تراز شده بین صفر تا ۳ باشد، نشان‌دهنده شخصی آرام، پا برجا، راحت و بدون اضطراب می‌باشد. نمره بین ۴ تا ۶ نشان‌دهنده درجه متوسط اضطراب است. نمره‌ای که بین ۷ تا ۸ باشد، نشانگر شخصی است که ممکن است به طور مشخص یک روان آزرده مضطرب باشد. نمره ۹ و ۱۰ بیانگر فردی است که به کمک نیاز دارد (فتحی آشتیانی و همکاران، ۱۳۹۵). در پژوهش سالاری فر و پور اعتماد (۱۳۹۰)، پایایی این پرسشنامه به روش آلفای کرونباخ محاسبه شد، که ضریب آلفا برای خرده مقیاس اضطراب پنهان ۰/۵۹، اضطراب آشکار ۰/۶۹ و برای کل مقیاس ۰/۷۷ به‌دست آمد.

هنجاریابی این پرسشنامه، در یک نمونه ایرانی انجام شده و روایی آن، مورد تایید قرار گرفته است (نورعلی‌زاده و جان بزرگی، ۱۳۸۹). در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای اضطراب پنهان، اضطراب آشکار و اضطراب به ترتیب ۰/۷۳ و ۰/۷۸ و ۰/۸۶ به‌دست آمد که اعتبار مطلوب پرسشنامه را نشان می‌دهد.

یافته‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو بخش آمار توصیفی و استنباطی انجام شد. در آمار توصیفی، فراوانی، میانگین و انحراف معیار بررسی شد و در بخش آمار استنباطی از روش ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد. که این تجزیه و تحلیل توسط نسخه ۲۴ نرم افزار SPSS انجام شد.

از ۱۵۰ دانشجویی که مورد مطالعه قرار گرفتند ۱۱۲ نفر زن و ۳۸ نفر مرد بودند. زنان ۷۴/۷ درصد و مردان ۲۵/۳ درصد از گروه نمونه را تشکیل می‌دادند.

جدول ۱: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
کسب مزیت اجتماعی	۲۴/۵۵	۵/۹۸۹	۰/۲۶۵	-۰/۱۰۰
صرف زمان بیش از حد در اینترنت	۱۷/۴۰	۴/۵۹۱	-۰/۲۲۰	-۰/۶۱۹
پیامد منفی استفاده از اینترنت	۱۶/۹۳	۴/۷۵۰	۰/۴۷۷	-۰/۰۹۶
اشتغال ذهنی نسبت به اینترنت	۱۸/۴۷	۵/۲۱۳	۰/۰۷۶	-۰/۱۴۷
تغییر خلق	۱۵/۲۳	۴/۰۵۲	-۰/۲۴۸	-۰/۲۳۱
علائم اجتماعی	۲۳/۱۹	۵/۱۷۷	۰/۱۱۳	۰/۰۷۹
تأثیر بر عملکرد شغلی و تحصیلی	۱۷/۴۱	۳/۶۹۹	۰/۰۹۹	-۰/۱۷۹
اعتیاد به اینترنت	۸۱/۲۱	۱۶/۳۰۳	-۰/۱۹۸	-۰/۱۵۸
اضطراب پنهان	۱۸/۵۸	۵/۷۰۸	۰/۱۲۹	-۰/۲۸۱
اضطراب آشکار	۲۰/۲۷	۶/۶۹۲	۰/۱۹۸	-۰/۲۵۸
اضطراب	۳۸/۸۵	۱۱/۲۷۵	۰/۱۲۹	-۰/۴۸۷
سبک مقابله مسئله مدار	۱۴/۶۵	۴/۰۶	۰/۰۵۹	-۰/۲۴۱
سبک مقابله هیجان مدار	۲۷/۹۳	۹/۲۱۶	۰/۱۳۱	-۰/۱۲۱

در جدول ۱ ویژگی‌های توصیفی متغیرهای پژوهش نشان داده شده است. میانگین، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی متغیرهای اعتیاد به اینترنت و مؤلفه‌های آن، همچنین اضطراب پنهان، اضطراب آشکار، اضطراب و سبک مقابله‌ای مسئله مدار و هیجان مدار، گزارش شده است. قبل از بررسی فرضیه‌های پژوهش ابتدا پیش فرض‌ها آزمون شدند. مقادیر چولگی و کشیدگی متغیرها با توجه به مقادیر جدول ۱، در بازه ۱- تا ۱ قرار گرفت، که نشان دهنده این است که داده‌ها از توزیع نرمال برخوردارند. بررسی خطی بودن رابطه متغیرهای اضطراب و سبک‌های مقابله‌ای به عنوان متغیر پیش بین و اعتیاد به اینترنت به عنوان متغیر ملاک نشان داد، که بین متغیرهای پیش بین و ملاک رابطه خطی وجود دارد. همچنین آزمون هم‌خطی، با دو شاخص ضریب تحمل^۱ و عامل تورم واریانس انجام گرفت که به ترتیب برای متغیر اضطراب (۴۶۵/۲ و ۱۴۹/۲)

سبک مقابله ای مسئله مدار (۰/۷۵۶ و ۱/۳۲۲) و سبک مقابله ای هیجان مدار (۰/۵۷۳ و ۱/۷۴۵) به دست آمد، که مقادیر عددی این شاخص ها نیز نشان داد که بین متغیرهای پیش بین، هم خطی چندگانه وجود ندارد. و به منظور بررسی استقلال باقیمانده ها از آزمون دوربین-واتسون استفاده شد، که مقدار آن ۱/۷۹۶ به دست آمد، و پیش فرض استقلال باقی مانده ها تایید شد، و نشان داد نتایج حاصل از رگرسیون مورد اطمینان است.

فرضیه اول: بین سبک های مقابله ای و اضطراب با اعتیاد به اینترنت در دانشجویان رابطه وجود دارد.

برای بررسی رابطه بین سبک های مقابله ای و اضطراب با اعتیاد به اینترنت، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج مربوط به آن در جدول ۲ نشان داده شده است.

جدول ۲: ضریب همبستگی بین سبک های مقابله ای و اضطراب

شاخص	ضریب همبستگی	معناداری
اضطراب	۰/۴۷۲**	۰/۰۰۱
سبک هیجان مدار	۰/۴۸۳**	۰/۰۰۱
سبک مسئله مدار	-۰/۲۰۷*	۰/۰۱۱

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. * همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

نتایج نشان داد که اضطراب با اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت معناداری ($P=0/001$) به اندازه ($p=0/472$) دارد و سبک مقابله ای هیجان مدار با اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت معناداری ($P=0/001$) به اندازه ($p=0/483$) و سبک مقابله ای مسئله مدار با اعتیاد به اینترنت رابطه منفی معناداری ($P=0/011$) به اندازه ($p=-0/207$) دارد. با توجه به مثبت بودن مقادیر همبستگی بین اضطراب و سبک مقابله ای هیجان مدار با اعتیاد به اینترنت، نتیجه گیری شد که این همبستگی مستقیم است و هر چه اضطراب و سبک مقابله ای هیجان مدار در سطح بالاتری باشد، سطح اعتیاد به اینترنت نیز بالاتر خواهد بود. همچنین منفی بودن مقدار همبستگی بین سبک مقابله ای مسئله مدار با اعتیاد به اینترنت، نشان داد که این همبستگی معکوس است و هر چه سبک مقابله ای مسئله مدار در سطح بالاتری باشد، سطح اعتیاد به اینترنت، پایین تر خواهد بود.

جدول ۳: خلاصه مدل رگرسیون چند متغیره به شیوه همزمان برای پیش بینی اعتیاد به اینترنت بر اساس

سبک های مقابله ای و اضطراب

ضریب همبستگی	ضریب تعیین R^2	ضریب تعیین تعدیل شده R^2	خطای انحراف استاندارد تخمین	مقدار آماره F	معناداری
۰/۵۲۶	۰/۲۷۷	۰/۲۶۲	۱۴/۰۰۷	۱۸/۶۱۹	۰/۰۰۱

برای بررسی رابطه سبک‌های مقابله‌ای و اضطراب با اعتیاد به اینترنت از رگرسیون چند متغیره استفاده شد. نتایج مربوط به آن در جدول ۳ نشان داده شده است. ضریب همبستگی بین سبک‌های مقابله‌ای و اضطراب با اعتیاد به اینترنت ۰/۵۲۶ به دست آمد. همچنین با توجه به میزان ضریب تعیین تعدیل شده R^2 مشخص شد که ۲۶/۲ درصد از واریانس اعتیاد به اینترنت را سبک‌های مقابله‌ای و اضطراب تبیین می‌کنند. با توجه به مقدار F و معناداری آزمون که کوچکتر از مقدار ۰/۰۵ به دست آمد، نتیجه گیری شد که مدل رگرسیونی، از کفایت مناسبی برخوردار است. یعنی اضطراب و سبک‌های مقابله‌ای توانستند به طور معناداری اعتیاد به اینترنت را تبیین کنند.

جدول ۴: ضرایب رگرسیون متغیرهای پیش بینی کننده و آزمون معناداری ضرایب

متغیر	ضرایب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	مقدار آماره t	معناداری
	B	انحراف معیار			
مقدار ثابت	۵۰/۹۵۵	۸/۰۵۲		۶/۳۲۳	۰/۰۰۱
اضطراب	۰/۳۹۳	۰/۱۴۹	۰/۲۷۲	۲/۶۳۴	۰/۰۰۹
سبک مسئله مدار	-۰/۰۱۱	۰/۳۲۵	-۰/۰۰۳	-۰/۰۳۳	۰/۹۷۴
سبک هیجان مدار	۰/۵۴۲	۰/۱۶۴	۰/۳۰۶	۳/۲۹۵	۰/۰۰۱

با توجه به داده‌های جدول ۴ شاخص‌های اضطراب و سبک مقابله‌ای هیجان مدار توانستند، پیش بینی معناداری از اعتیاد به اینترنت داشته باشند. ولی سبک مقابله‌ای مسئله مدار نتوانست پیش بینی معناداری از اعتیاد به اینترنت داشته باشد. با توجه به ستون ضرایب β مشخص شد که؛ شاخص «سبک هیجان مدار» با ضریب $\beta = ۰/۳۰۶$ در رتبه اول، و شاخص «اضطراب» با ضریب $\beta = ۰/۲۷۲$ در رتبه دوم، می‌توانند اعتیاد به اینترنت را پیش بینی کنند.

فرضیه دوم: بین سبک‌های مقابله‌ای و ابعاد اعتیاد به اینترنت در دانشجویان رابطه وجود دارد.

فرضیه سوم: بین اضطراب آشکار و اضطراب پنهان با ابعاد اعتیاد به اینترنت در دانشجویان رابطه وجود دارد.

جدول ۵: ضریب همبستگی بین سبک‌های مقابله‌ای و اعتیاد به اینترنت

متغیر	سبک مسئله مدار	سبک هیجان مدار	اضطراب آشکار	اضطراب پنهان
کسب مزیت اجتماعی	-۰/۲۵۱**	۰/۳۹۸**	۰/۴۳۶**	۰/۳۵۶**
صرف زمان بیش از حد در اینترنت	-۰/۰۹۳	۰/۴۲۲**	۰/۳۷۶**	۰/۲۶۸**
پیامد منفی استفاده از اینترنت	-۰/۲۳۹**	۰/۴۵۰**	۰/۴۳۱**	۰/۴۰۳**
اشتغال ذهنی نسبت به اینترنت	-۰/۱۳۹	۰/۴۲۸**	۰/۳۸۲**	۰/۳۲۵**
تغییر خلق	-۰/۳۳۸**	۰/۵۲۵**	۰/۵۴۸**	۰/۳۵۹**
علائم اجتماعی	-۰/۱۷۹*	۰/۴۷۵**	۰/۴۰۶**	۰/۲۹۶**
تأثیر بر عملکرد شغلی و تحصیلی	-۰/۲۵۴**	۰/۳۰۲**	۰/۳۶۹**	۰/۳۶۹**
اعتیاد به اینترنت	-۰/۲۰۷*	۰/۴۸۳**	۰/۴۴۰**	۰/۴۱۶**

** همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است. * همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

برای بررسی رابطه بین سبک های مقابله ای و ابعاد اعتیاد به اینترنت، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همانطور که از داده های جدول ۵ مشخص است، رابطه بین سبک های مقابله ای مسئله مدار، با اعتیاد به اینترنت و مؤلفه های آن بجز صرف زمان بیش از حد در اینترنت و اشتغال ذهنی نسبت به اینترنت معنادار شد. منفی بودن مقادیر همبستگی بین سبک مسئله مدار با اعتیاد به اینترنت، نشان داد، که این همبستگی معکوس است و هر چه سبک مسئله مدار در سطح بالاتری باشد، سطح اعتیاد به اینترنت، پایین تر خواهد بود. همچنین رابطه بین سبک های مقابله ای هیجان مدار، با اعتیاد به اینترنت و مؤلفه های آن معنادار شد. و مثبت بودن مقادیر همبستگی بین سبک هیجان مدار با اعتیاد به اینترنت و مؤلفه های آن، نشان داد که این همبستگی مستقیم است و هر چه سبک هیجان مدار در سطح بالاتری باشد، اعتیاد به اینترنت نیز در سطح بالاتر خواهد بود.

برای بررسی رابطه بین اضطراب آشکار و اضطراب پنهان با ابعاد اعتیاد به اینترنت، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. با توجه به داده های جدول ۵، رابطه بین اضطراب آشکار و اضطراب پنهان با اعتیاد به اینترنت و مؤلفه های آن معنادار شد. مثبت بودن مقادیر همبستگی نشان داد که این همبستگی مستقیم است و هر چه اضطراب آشکار و اضطراب پنهان در سطح بالاتری باشند، سطح اعتیاد به اینترنت و مؤلفه های آن نیز بالاتر خواهد بود.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر تعیین رابطه بین اضطراب و سبک های مقابله ای با اعتیاد به اینترنت بود. نتایج پژوهش نشان داده است، که بین سبک های مقابله ای مسئله مدار و اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معنادار وجود دارد. یعنی هر چقدر فرد بیشتر از سبک مقابله ای مسئله مدار استفاده کند کمتر به اعتیاد به اینترنت دچار می شود. این نتیجه با یافته های مطالعات بهادری و هاشمی (۱۳۹۰)؛ چو و همکاران (۲۰۱۵)؛ سلطانی و بقایی فرد (۱۳۹۷)؛ کشاورزو همکاران (۱۳۹۴) و بالتاجی و همکاران (۲۰۲۱) که نشان دادند بین سبک مقابله ای مسئله مدار و اعتیاد به اینترنت رابطه منفی و معنادار وجود دارد، همسو و با نتایج مطالعات پیری و همکاران (۱۳۹۸) و ژو و همکاران (۲۰۱۷) که نشان دادند، بین اعتیاد به اینترنت و راهبرد مقابله ای کارآمد رابطه معناداری وجود ندارد، ناهمسو می باشد. همچنین نتایج نشان داد که بین سبک مقابله ای هیجان مدار و اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. به این معنی که فرد هرچقدر بیشتر از سبک های مقابله ای هیجان مدار استفاده کند بیشتر در معرض اعتیاد به اینترنت قرار دارد. این نتیجه با یافته های مطالعات بهادری و هاشمی (۱۳۹۰)؛ چو و همکاران (۲۰۱۵)؛ پیری و همکاران (۱۳۹۸)؛ سلطانی و بقایی فرد (۱۳۹۷)؛ طالقانی نژاد و همکاران (۱۳۹۸)؛ مام شریفی و همکاران (۱۳۹۹)؛ شان و همکاران (۲۰۲۱)؛ بالتاجی و همکاران (۲۰۲۱) و ژو و همکاران (۲۰۱۷) که نشان دادند بین سبک های مقابله ای هیجان مدار و اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد همسو و با یافته های مطالعه کشاورزو و همکاران (۱۳۹۴) که نشان داد، بین سبک مقابله ای هیجان مدار و اعتیاد به اینترنت رابطه معناداری وجود ندارد، ناهمسو می باشد.

در تبیین این یافته ها می توان گفت که بسیاری از اختلالات روانی و مشکلات رفتاری از جمله اعتیاد به اینترنت ریشه در ناتوانی فرد در رویارویی با موقعیت های دشوار دارد. بنابراین قابل انتظار است که افرادی که از سبک مقابله ای مسئله مدار استفاده می کنند، بیشتر آمادگی مواجهه با مشکلات زندگی را داشته باشند و کمتر به رفتارهای اعتیاد آور روی آورند. همچنین استفاده از راهبردهای کارآمد باعث می شود، اعتماد به نفس فرد افزایش یابد و مهارت حل مسئله در فرد بیشتر شود. ویژگی دیگر افرادی که از سبک های مقابله ای کارآمد مانند سبک مقابله ای مسئله مدار استفاده می کنند، این است که سطح تنش پایین تری دارند و این باعث می شود بتوانند از مهارت های شناختی و پویا برای مقابله مؤثر با مشکلاتشان استفاده کنند و به اینترنت و مواد اعتیادآور روی نیاورد (بهادری و هاشمی، ۱۳۹۰).

از طرف دیگر افرادی که از راهبرد هیجان‌مدار استفاده می‌کنند، دور باطل و فزاینده‌ای از اضطراب و نگرانی را تجربه می‌کنند، که باعث می‌شود فشارهای روانی، بیماری‌های جسمی، کاهش اعتماد به نفس، افسردگی و عواقب آن که می‌تواند گرایش به رفتارهای پرخطر مثل اعتیاد به اینترنت باشد، در آنها افزایش یابد. این افراد بیشتر به دنبال این هستند که پیامدهای هیجانی منفی که از عامل استرس‌زا بوجود آمده را مهار کنند و بر مشکل و حل آن تمرکز نمی‌کنند و به جای مقابله با مشکل از آن رد می‌شوند. این الگو باعث گرایش فرد به اعتیاد به اینترنت می‌شود و مشکلات روان‌شناختی و اجتماعی فرد را افزایش داده و باعث ایجاد دور باطل می‌شود (مام شریفی و همکاران، ۱۳۹۹).

همچنین نتایج نشان داد که بین اضطراب و اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد یعنی افراد با اضطراب بالاتر بیشتر به اعتیاد به اینترنت دچار می‌شوند. این نتیجه با یافته‌های تاو و همکاران (۲۰۱۶)؛ خیری و مظفری (۱۳۹۷)؛ شاه رجبیان و عمادی (۱۳۹۹)؛ جعفری و فاتحی زاده (۱۳۹۱)؛ سپهریان‌آذر و جوکار (۱۳۹۱)؛ رحیمی و لاجینی (۱۳۹۵)؛ سایکیا و همکاران (۲۰۱۹) و ازهر^۱ و همکاران (۲۰۱۴) که نشان دادند، بین اضطراب و اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که افراد مضطرب برای اینکه به اضطراب خود غلبه کنند و از افکار نگران کننده خود که باعث اضطراب می‌شود فرار کنند، از اینترنت استفاده می‌کنند. و سعی می‌کنند سرگرمی‌های موجود در اینترنت را جایگزین این افکار نمایند. با این کار به طور موقت از افکار آشفته خود فاصله می‌گیرند و به محیط امنی روی می‌آورند که می‌توانند در آن هویت خود را پنهان کنند. در نتیجه اضطراب شان کاهش می‌یابد و به آرامش موقت می‌رسند که این خود تمایل افراد را برای استفاده از اینترنت افزایش می‌دهد، و در نتیجه مغز به اینترنت وابسته می‌شود (سپهریان‌آذر و جوکار، ۱۳۹۱).

از طرفی نتایج نشان داد، که سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار و اضطراب می‌توانند به طور معناداری اعتیاد به اینترنت را پیش بینی کنند، ولی سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار نمی‌تواند اعتیاد به اینترنت را به طور معناداری پیش بینی نماید. در تبیین این یافته می‌توان گفت که رابطه بین دو متغیر سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار و اعتیاد به اینترنت، قوی نیست و می‌تواند تحت تأثیر عوامل فردی و محیطی قرار گیرد. بنابراین پژوهش‌های بیشتری در این زمینه مورد نیاز است (پیری و همکاران، ۱۳۹۸).

نتایج پژوهش نشان داد، بین سبک مقابله‌ای هیجان‌مدار و تمامی مؤلفه‌های اعتیاد به اینترنت که شامل: کسب مزیت اجتماعی، صرف زمان بیش از حد در اینترنت، پیامد منفی استفاده از اینترنت، اشتغال ذهنی نسبت به اینترنت، تغییر خلق، علائم اجتماعی، تأثیر بر عملکرد شغلی و تحصیلی است، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این نتایج با یافته‌های مطالعات بهادری و هاشمی (۱۳۹۰)؛ چو و همکاران (۲۰۱۵)؛ پیری و همکاران (۱۳۹۸)؛ سلطانی و بقایی فرد (۱۳۹۷)؛ طالقانی نژاد و همکاران (۱۳۹۸)؛ شان و همکاران (۲۰۲۱)؛ بالتاجی و همکاران (۲۰۲۱)؛ ژو و همکاران (۲۰۱۷) و مام شریفی و همکاران (۱۳۹۹) که نشان دادند بین سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و اعتیاد به اینترنت رابطه معنادار وجود دارد، همسو و با یافته‌های مطالعه کشاورز و همکاران (۱۳۹۴) که نشان داد بین سبک‌های مقابله‌ای هیجان‌مدار و اعتیاد به اینترنت رابطه معناداری وجود ندارد، ناهمسو می‌باشد. همچنین نتایج نشان داد، بین سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار و کسب مزیت اجتماعی، پیامد منفی استفاده از اینترنت، تغییر خلق، علائم اجتماعی، تأثیر بر عملکرد شغلی و تحصیلی، رابطه منفی و معنادار وجود دارد، و بین سبک مقابله‌ای مسئله‌مدار و صرف زمان بیش از حد در اینترنت و اشتغال ذهنی نسبت به اینترنت رابطه معناداری وجود ندارد.

این نتیجه با یافته های مطالعات بهادری و هاشمی (۱۳۹۰)؛ چو و همکاران (۲۰۱۵)؛ سلطانی و بقایی فرد (۱۳۹۷)؛ مام شریفی و همکاران (۱۳۹۹)؛ کشاورز و همکاران (۱۳۹۴) و بالتاجی و همکاران (۲۰۲۱) که نشان دادند بین سبک های مقابله ای مسئله مدار و اعتیاد به اینترنت رابطه معنادار وجود دارد همسو و با نتایج مطالعات پیری و همکاران (۱۳۹۸) و ژو همکاران (۲۰۱۷) که نشان دادند بین سبک های مقابله ای مسئله مدار و اعتیاد به اینترنت رابطه معناداری وجود ندارد ناهمسو می باشد. در تبیین عدم معناداری رابطه سبک مقابله ای مسئله مدار و مؤلفه های صرف زمان بیش از حد در اینترنت و اشتغال ذهنی نسبت به اینترنت، می توان گفت افرادی که از راهبرد مسئله مدار استفاده می کنند، ممکن است از اینترنت به عنوان فرصتی برای درک و شناسایی مشکل خود استفاده کنند، و یا اینکه برای حل مسئله در جستجوی حمایت اجتماعی آنلاین باشند (علی پور، ۱۳۹۵). بنابراین می توانند زمان زیادی را در اینترنت سپری کنند و نسبت به آن اشتغال ذهنی داشته باشند.

نتایج پژوهش نشان داد، بین اضطراب آشکار و اضطراب پنهان با تمامی مؤلفه های اعتیاد به اینترنت که شامل: کسب مزیت اجتماعی، صرف زمان بیش از حد در اینترنت، پیامد منفی استفاده از اینترنت، اشتغال ذهنی نسبت به اینترنت، تغییر خلق، علایم اجتماعی، تأثیر بر عملکرد شغلی و تحصیلی است، رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. این نتایج با یافته های رحیمی و لاجینی (۱۳۹۵)؛ شان و همکاران (۲۰۲۱) و مهرپوف و گریفیث^۱ (۲۰۱۰) که نشان دادند بین اضطراب و اعتیاد به اینترنت رابطه مثبت و معنادار وجود دارد، همسو می باشد. در تبیین رابطه اضطراب با مؤلفه های اعتیاد به اینترنت می توان گفت افراد مضطرب برای تنظیم خلق بیشتر به سمت اینترنت می روند و با توجه به ماهیت اینترنت در تعاملات اجتماعی، برای کاهش تهدید اجتماعی که از تعامل رو در رو برای آنها ایجاد می شود و برای اینکه از آسیبی که به علت طرد ممکن است در آنها بوجود بیاید دوری کنند، انگیزه بیشتری برای استفاده از اینترنت به عنوان وسیله ارتباطی با دیگران دارند (علی پور، ۱۳۹۵). این موضوع باعث می شود که در آنها احساس بهره وری اجتماعی بوجود آید و به سمت استفاده مضاعف از اینترنت روی آورند و در صورت عدم دسترسی به اینترنت دچار مشغولیت ذهنی نسبت به آن شوند. که منجر می شود که در کار و تحصیل و همچنین روابط اجتماعی نیز دچار مشکل شوند.

از محدودیت های این پژوهش انتخاب نمونه فقط از بین دانشجویان دانشگاه آزاد لاهیجان بوده است که تعمیم نتایج این پژوهش را با محدودیت مواجه می کند. همچنین پژوهشی هایی که به رابطه اضطراب پنهان و آشکار با اعتیاد به اینترنت بپردازند، بسیار محدود بودند، که باعث شد امکان مقایسه نتایج حاصل از این پژوهش با پژوهش های دیگر محدود شود. پیشنهاد می شود، در گروه های سنی و فرهنگی مختلف رابطه اضطراب و سبک های مقابله ای با اعتیاد به اینترنت مورد ارزیابی قرار گیرد، و نتایج آنها با نتایج حاصل از این پژوهش مقایسه شود، اثر بخشی مداخلات مربوط به آموزش مدیریت اضطراب و سبک های مقابله با استرس بررسی شود، به نقش واسطه ای عوامل دیگری که بر ارتباط بین سبک های مقابله ای و اعتیاد به اینترنت مؤثرند پرداخته شود و عوامل روان شناختی دیگری که بر اعتیاد به اینترنت مؤثرند مورد بررسی قرار گیرند.

همچنین پیشنهاد می شود برای پیشگیری از اعتیاد به اینترنت، همایش ها و کارگاه های آموزشی با موضوع مؤلفه های روان شناختی مرتبط با اعتیاد به اینترنت برگزار شود، راه های تنظیم اضطراب و حل مسئله و مدیریت رفتار در برخورد با موقعیت های استرس زا به دانشجویان آموزش داده شود و از یافته های این پژوهش در مراکز بهداشتی-درمانی و مشاوره استفاده شود، و از این طریق استفاده از رویکردهای مناسب در جهت کاهش اعتیاد به اینترنت برنامه ریزی شود

منابع

- احتشام زاده، پروین؛ صبری نظرزاده، راشین و معمارباشی اول، مژگان. (۱۳۹۲). رابطه بین احساس انسجام و عملکرد شغلی با میانجی‌گری سلامت روان و راهبردهای مقابله. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، ۱۳(۳)، ۸۳-۹۵.
- امین‌پور، حسن؛ بایرام‌نژاد، حوریه و داودی، کیوان. (۲۰۱۶). رابطه بین مهارت‌های ذهن آگاهی و اعتقادات دینی با اعتیاد به اینترنت در بین اهالی اشنویه. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی (موسسه آموزش عالی نگاره)، ۵(۲)، ۱۷۴-۱۸۳.
- بهادری خسروشاهی، جعفر؛ و هاشمی نصرت آباد، تورج. (۱۳۹۰). رابطه سبک‌های دلبستگی، راهبردهای مقابله‌ای و سلامت روانی با اعتیاد به اینترنت. روانشناسی تحولی (روانشناسان ایرانی)، ۸(۳۰)، ۱۷۷-۱۸۸.
- بیدی، فاطمه؛ نامداری پژمان، مهدی؛ امانی، احمد؛ قنبری، سیروس و کارشکی، حسین. (۱۳۹۱). تحلیل ساختاری ارتباط بین اعتیاد به اینترنت با افسردگی، سازگاری اجتماعی و عزت نفس. مجله پزشکی بالینی ابن سینا (مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی همدان)، ۱۹(۳)، ۴۱-۴۸.
- پیری، زهرا؛ امیری مجد، مجتبی؛ بزازیان، سعیده و قمری، محمد. (۱۳۹۸). نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای در رابطه بین دشواری تنظیم هیجان و اعتیاد به اینترنت. افق دانش، ۲۶(۱)، ۳۸-۵۳.
- جعفری، نسیم و فاتحی زاده، مریم. (۱۳۹۱). بررسی رابطه بین اعتیاد به اینترنت با افسردگی، اضطراب، فشار روانی و هراس اجتماعی در دانشجویان دانشگاه اصفهان. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی کردستان، ۱۷(۴)، ۹-۱.
- حسینی قدمگاهی، جواد؛ دژکام، محمود؛ بیان زاده، سیداکبر و فیض، ابوالحسن. (۱۳۷۷). کیفیت روابط اجتماعی، میزان استرس و راهبردهای مقابله با آن در بیماران عروقی قلب. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، ۴۰(۱)، ۱۴-۲۵.
- خیری، رویا و مظفری، ناصر. (۱۳۹۷). اعتیاد به اینترنت و ارتباط آن با کیفیت خواب و اضطراب دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی. مجله ره آورد سلامت، ۴(۲)، ۴۷-۵۷.
- روزننهان، دیوید ال؛ سلیگمن، مارتین ای پی. (۱۳۹۲). آسیب شناسی روانی ۲، (ترجمه یحیی سیدمحمدی)، تهران: ویرایش. (۲۰۰۵).
- سالاری فر محمدحسین و پوراعتماد حمیدرضا. (۱۳۹۰). رابطه باورهای فراشناختی با اختلال افسردگی و اضطراب. فصل‌نامه دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ۱۳(۴)، ۲۹-۳۸.
- سپهریان، فیروزه و جوکار، لیلا. (۱۳۹۱). ارتباط اعتیاد به اینترنت با اضطراب در تیپ‌های شخصیتی نوع A و B پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۲(۲)، ۱۷-۳۰.
- سلطانی، اسماعیل و بقایی فرد، حسین. (۱۳۹۹). بررسی ارتباط بین اعتیاد به اینترنت با علائم اضطراب در تعاملات اجتماعی وسبک‌های مقابله با استرس در بین دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز در سال ۱۳۹۷. علوم پزشکی صدا، ۸(۴)، ۴۲۹-۴۴۲.

- شاه رجبیان، فاطمه؛ عمادی چاشمی، سید جواد. (۱۳۹۹). بررسی علل اعتیاد به تلفن هوشمند و رابطه آن با اضطراب و افسردگی، مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، ۵(۴۴)، ۴۲-۲۵.
- طالقانی نژاد، محمدعلی؛ داوری، رحیم و لطفی کاشانی، فرح. (۱۳۹۸). پیش بینی گرایش به سوء مصرف مواد و اعتیاد به اینترنت بر اساس حمایت اجتماعی ادراک شده و سبک های کنار آمدن با استرس با میانجی گری هوش هیجانی در دانش آموزان. پژوهش های روان شناسی اجتماعی، ۹(۳۵)، ۱۰۷-۱۲۵.
- طیوری، امیر؛ میری، محمدرضا؛ بهشتی، داوود؛ یاری الهه؛ خدابخشی حوریه و عنانی سراب غلامرضا. شیوع اعتیاد به اینترنت و ارتباط آن با اضطراب، استرس و افسردگی در دانش آموزان متوسطه شهر بیرجند در سال ۱۳۹۳. (۱۳۹۴). مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ۲۲ (۱)، ۶۷-۷۵.
- عشایری، طاهار؛ جهان پرور، طاهره؛ امین، مریم و سوری، مسلم. (۱۴۰۰). فراتحلیل پژوهش های اعتیاد به اینترنت: بازه زمانی ۱۳۸۴-۱۴۰۰. مطالعات راهبردی فرهنگ، ۱(۴)، ۳۱-۵۸.
- علوی، سیدسلیمان؛ جنتی فرد، فرشته و مرآتی محمدرضا. (۱۳۸۸). بررسی ویژگی های روان سنجی پرسشنامه اعتیاد به اینترنت GPIUS در کاربران دانشجوی دانشگاه های شهر اصفهان در سال ۱۳۸۸، دانش و پژوهش در روان شناسی کاربردی، ۱(۱)، ۳۸-۵۰.
- علی پور، وحیده. (۱۳۹۵). بررسی پدیده استفاده مشکل زا از اینترنت در دانشجویان دانشگاه پیام نور آبیگ. علوم رفتاری (ابهر)، ۲۷(۸)، ۱۴۵-۱۶۸.
- غفاری، مسعود و احدی، حسن. (۱۳۸۵). بررسی تاثیر آموزش خودآگاهی هیجانی و کنترل تکانه در کاهش کناره گیری اجتماعی و کاربری اجباری اینترنت. مطالعات روان شناختی، ۳(۲)، ۹۱-۱۰۷.
- فتحی آشتیانی، علی؛ محمدی، بهاره و فتحی آشتیانی، مینا. (۱۳۹۵). آزمون های روان شناختی، چاپ اول. تهران: بعثت.
- کشاوری، داوود؛ موسوی، سیدعلی محمد و کشاوری اره کش، رضا. (۱۳۹۴). مقایسه راهبردهای مقابله ای و خودکارآمدی در کاربران وابسته به اینترنت و عادی. تعالی مشاوره و روان درمانی، ۱۵(۴)، ۷-۱۶.
- مام شریفی، پیمان؛ اکبری بجندی، نگار و اسدی، نازنین. (۱۳۹۹). تدوین مدل پیش بینی اعتیاد به اینترنت بر اساس کیفیت زندگی و رضایت از زندگی: نقش واسطه ای راهبردهای مقابله با استرس. مجله علوم روان شناختی، ۱۹(۸۹)، ۵۴۱-۵۴۱.
- موسوی، سید ولی اله. (۱۳۹۹). شیوع اعتیاد به اینترنت و وضعیت استفاده از شبکه های اجتماعی مجازی در نوجوانان و جوانان ایرانی در سال ۱۳۹۷. طب نظامی، ۲۲(۳)، ۲۸۱-۲۸۸.
- نور علیزاده، مسعود؛ جان بزرگی، مسعود. (۱۳۸۹). رابطه اضطراب وجودی و اضطراب مرضی و مقایسه آنها در سه گروه افراد بزهکار، عادی و مذهبی. روان شناسی و دین، ۲(۱۰)، ۲۹-۴۴.

- Azher, M., Khan, R. B., Salim, M., Bilal, M., Hussain, A., & Haseeb, M. (2014). The relationship between internet addiction and anxiety among students of University of Sargodha. *International Journal of Humanities and Social Science*, 4(1), 288-293.
- Baltaci, U. B., Yilmaz, M., & Tras, Z. (2021). The Relationships between Internet Addiction, Social Appearance Anxiety and Coping with Stress. *International Education Studies*, 14(5), 135-144.
- Caplan, S. E. (2002). Problematic Internet use and psychosocial well-being: development of a theory-based cognitive-behavioral measurement instrument. *Computers in human behavior*, 18(5), 553-575.
- Chou, W. P., Ko, C. H., Kaufman, E. A., Crowell, S. E., Hsiao, R. C., Wang, P. W., ... & Yen, C. F. (2015). Association of stress coping strategies with Internet addiction in college students: The moderating effect of depression. *Comprehensive psychiatry*, 62, 27-33.
- Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. Springer publishing company.
- Lei, H., Cheong, C. M., Li, S., & Lu, M. (2018). The relationship between coping style and Internet addiction among mainland Chinese students: A meta-analysis. *Psychiatry research*, 270, 831-841.
- Mehroof M, Griffiths MD. Online gaming addiction: The role of sensation seeking, self-control, neuroticism, aggression, state anxiety, and trait anxiety. *Cyberpsychology, behavior, and social networking*. 2010 Jun 1;13(3):313-6.
- Saikia, A. M., Das, J., Barman, P., & Bharali, M. D. (2019). Internet addiction and its relationships with depression, anxiety, and stress in urban adolescents of Kamrup District, Assam. *Journal of family & community medicine*, 26(2), 108.
- Seabra, L., Loureiro, M., Pereira, H., Monteiro, S., Marina Afonso, R., & Esgalhado, G. (2017). Relationship between Internet addiction and self-esteem: Cross-cultural study in Portugal and Brazil. *Interacting with computers*, 29(5), 767-778.
- Shan, X., Ou, Y., Ding, Y., Yan, H., Chen, J., Zhao, J., & Guo, W. (2021). Associations between internet addiction and gender, anxiety, coping styles and acceptance in university freshmen in South China. *Frontiers in psychiatry*, 12, 558080.
- Spielberger, C. D. (2010). Test anxiety inventory. *The Corsini encyclopedia of psychology*, 1-1.
- Tao, Z., Wu, G., & Wang, Z. (2016). The relationship between high residential density in student dormitories and anxiety, binge eating and Internet addiction: a study of Chinese college students. *Springerplus*, 5, 1-8.
- Weinstein, A., Feder, L. C., Rosenberg, K. P., & Dannon, P. (2014). Internet addiction disorder: Overview and controversies. *Behavioral addictions*, 99-117.
- Xie, X., Cheng, H., & Chen, Z. (2023). Anxiety predicts internet addiction, which predicts depression among male college students: A cross-lagged comparison by sex. *Frontiers in Psychology*, 13, 1102066.
- Xu, L. X., Wu, L. L., Geng, X. M., Wang, Z. L., Guo, X. Y., Song, K. R., ... & Potenza, M. N. (2021). A review of psychological interventions for internet addiction. *Psychiatry Research*, 302, 114016.
- Zhou, Y., Li, D., Li, X., Wang, Y., & Zhao, L. (2017). Big five personality and adolescent Internet addiction: The mediating role of coping style. *Addictive behaviors*, 64, 42-48

The Relationship between Coping Styles and Anxiety with Internet Addiction in University Students

Sara Mohammadi¹, Jahan Sadat Asadi²

Abstract

Due to the expansion of the use of the Internet, especially among students, and the resulting negative consequences, the issue of Internet addiction has attracted the attention of psychologists. The present study was conducted with the aim of determining the relationship between coping styles and anxiety with Internet addiction among students. This study was a descriptive correlational research. The statistical population of the research was 8933 students of Islamic Azad University, Lahijan branch in 2024. 150 students were selected by available sampling method and they responded to Caplan Problematic Internet Usage Questionnaire, Billings and Moose Coping Strategies and Cattell Anxiety Questionnaire. For data analysis, Pearson correlation and regression analysis were performed. The results obtained from the simultaneous regression analysis of variables anxiety and emotion-oriented coping style and task-oriented coping style showed that anxiety and emotion-oriented coping style can predict Internet addiction, but task-oriented coping style cannot predict Internet addiction. Also, the results of Pearson's correlation coefficient showed that there is a positive relationship between anxiety, state anxiety, trait anxiety and emotion-oriented coping style with all components of Internet addiction, and There is a negative relationship between task-oriented coping style and all components of Internet addiction except mental preoccupation with the Internet and Excessive Time Online. These results showed that with increasing anxiety and emotion-oriented coping style, Internet addiction increases. Therefore, it is possible to prevent Internet addiction by teaching anxiety regulation and using adaptive coping style.

keywords: Internet Addiction, Coping Styles, Anxiety

1. Department of psychology, Lahijan branch, Islamic Azad university, Lahijan, Iran
(smohammadi1394@yahoo.com)

2. Assistant Professor, Department of psychology, Lahijan branch, Islamic Azad university, Lahijan, Iran
(asadijahan70@gmail.com)



طراحی و اعتباربخشی برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی مادران

مرضیه اکبری^۱، پرینسا تجلی^۲، یلدا دلگشایی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲

چکیده

هدف از پژوهش حاضر طراحی و اعتباربخشی برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی مادران بود. پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ روش از نوع کیفی بود. بسته آموزشی با روش کتابخانه ای/اسنادی با مطالعه کتاب ها و مقاله ها پیرامون فرزند پروری و شفقت ورزی تدوین شد و سپس برای اعتبار یابی بسته آموزشی، به روش هدفمند و بر اساس اشباع نظری خبرگان پژوهش محتویات بسته برای تمام استادان رشته های روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی صاحب نظر حوزه فرزندپروری و شفقت ورزی ارسال و در نهایت ۵ نفر از استادان حوزه روانشناسی به گویه های اعتبار سنجی پاسخ دادند. برای در نظر گرفتن روایی از شاخص نسبت روایی محتوایی (CVI) استفاده شد که برابر با ۷۵ / ۰ بود که نشان دهنده این بود که اعتبار بسته از دید خبرگان پژوهش مناسب است. نتایج نشان داد بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی مادران از روایی محتوایی مناسبی بهره مند است و روایی و پایایی لازم برای کاربردهای آموزشی و پژوهشی دارد. همچنین این پژوهش می تواند ضمن ارائه دورنمایی به خانواده ها و محققین و اندیشمندان حوزه روانشناسی، علوم اجتماعی و همچنین جامعه شناسان، علل برخی رفتارها و کنش های دانش آموزان و نوجوانان را نه در زمان حال، بلکه در فرایند رشد و در مراحل تربیتی و تکاملی و دوره های پیشین زندگی خانوادگی و اجتماعی جستجو نمایند.

کلید واژه ها: فرزندپروری، شفقت ورزی، برنامه آموزشی، مادران

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

۲. نویسنده مسئول: استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

Par.Tajalli@iauctb.ac.ir

۳. استادیار، گروه روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تأثیر خانواده به عنوان اولین و مؤثرترین واحد اجتماعی بر فرزندان امری بدیهی و مشخص است و تردیدی نیست که خانواده به عنوان قوی ترین سیستم بر پایه ریزی و شکل گیری شخصیت و فرآیندهای درونی فرزند تأثیر عمیق و به سزایی دارد و آنها را شکل می دهد. خانواده از طریق عملکرد و تجارب اولیه به شدت بر رشد فرد تأثیر می گذارد و درک فرد از این تجارب و نحوه انطباق با آنها ممکن است کیفیت روابط فرد را تحت تأثیر قرار دهد (جیالی، چو و دای، ۲۰۲۱؛ روئیزاستبان، مندز، فرناندز سوگرب و الوارز ترول، ۲۰۲۱). روش های تربیتی والدین در تکوین شخصیت و همچنین سازگاری آنان با وضعیت مختلف اجتماعی مؤثر است. روابط مطلوب میان والدین و فرزندان در سلامت روان فرزندان تأثیر فراوان دارد. روش های تربیتی والدین یا سبک های فرزندپروری (روش هایی هستند که والدین در برخورد با فرزندان خود اعمال می کنند. این سبک ها در شکل گیری و رشد شخصیتی و رفتاری تأثیر فراوان و عمیقی دارد) (اسمتانا، ۲۰۱۷). نوع شیوه های فرزندپروری والدین می تواند قوی ترین و پایدارترین تأثیرات را بر رشد عاطفی و شناختی کودک داشته باشد (بابایی و همکاران، ۱۴۰۱). بنابراین، کیفیت فرزندپروری عاملی مهم در رشد و تحول کودکان است. پژوهش ها نشان می دهد فرزندپروری منجر به نتایج مثبت و منفی رفتار، رشد شخصیت، بهزیستی روانی، عملکرد، نگرش و پیشرفت تحصیلی کودکان می شود این درحالی است که رفتارهای والدینی ابعاد گوناگونی دارد که متمرکز بر کیفیت رابطه با فرزند و نیز رفتارهایی مانند حساسیت، پاسخگویی و گرمی است. همچنین، نحوه ارتباط و تعامل والدین و مدیریت روابط توسط والدین با دانش آموزان می تواند نقش مهمی در سلامت روان و پرخاشگری آنان داشته باشد (قاضی، گل قلیچی و امری، ۱۴۰۱). زیرا محیط خانواده با حمایت کنندگی ضعیف باعث الگوی رفتاری تأخیر در بلوغ، نداشتن خودرهبی، فقدان احساس مسئولیت، کمبود اعتماد به نفس می شود و محیط خانواده سخت گیر و خودکامه باعث الگوی رفتاری اطاعت کورکورانه یا پرخاش جویانه، کشاکش بر سر وابستگی و استقلال و طغیان آشکار و نهان می شود از سوی دیگر محیط خانواده با ثبات گرم و آزادمنش باعث الگوی رفتاری خودرهبی، فقدان تنش، وجود آرامش، روحیه واقعگرا، ابتکار، استقلال عمل و رقابت سالم با همتایان می شود (ولز و کارترایت - هاتون، ۲۰۱۹). بنابراین، برخی عوامل فرزندپروری را تحت تأثیر قرار می دهد، شامل محیط اجتماعی و جغرافیایی، دانش و تعهد والدین در طی ۳۰ سال گذشته برنامه های فرزندپروری متفاوتی به منظور تحول مهارت های فرزندپروری گسترش یافته است (کربی، ۲۰۱۹). در این راستا بررسی فرزندپروری ابعاد گسترده ای را در بین خانواده ها به همراه خواهد داشت که در این بین فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی یا خودشفقت ورزی^۵ (خود شفقتی یا شفقت به خود) به واسطه ی کاربرد سبک متفاوتی از فرزندپروری پیامدهای متفاوتی را به همراه خواهد داشت از جمله حمایت از والدین که منجر به تحول ابتکار عمل اجتماعی و محافظت در برابر افسردگی می گردد. به عبارت دیگر، بخشی از درمان های متمرکز بر بهبود مشکلات روانشناختی و رفتاری فرزند از طریق کاهش تندبگی والدینی روی والدین، متمرکز می شود.

1. Parenting styles
2. Smetana
3. Well & Cartwright-Hatton, S
4. Kirby
5. elf-compassion-compassion

از جمله این روش ها درمان مبتنی بر شفقت است (زمانی فروشی و همکاران، ۱۳۹۸). اصول پایه در این درمان به این موضوع اشاره می کند که افکار، عوامل، تصاویر و رفتارهای تسکین بخش بیرونی باید درونی شوند و در این صورت ذهن انسان همانگونه که نسبت به عوامل بیرونی واکنش نشان می دهد در مواجهه با این درونیات نیز آرام می شود (گیلبرت، ۲۰۱۴). شفقت به خود، پاسخی ممکن به رنج و شکست شخصی است و می تواند بطور کلی به عنوان نوعی محافظ خود، درک نگرش نسبت به خود همراه با پذیرش محدودیت ها و به عنوان بخشی طبیعی از تجربه انسانی عمل کند. اگرچه، شفقت به خود با عواطف مثبت ارتباط دارد، توانایی نگهداری هیجان های منفی در هوشیاری غیرقضاوتگر را هم دارد و به معنی فهم بدون قضاوت از درد، نواقص و شکستهای خود هم است (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۵). بنابراین خودشفقت ورزی مولفه ای است که در الگوهای فرزند پروری نقش موثری می تواند ایفا کند. به عبارت دیگر، در کنار فرزندپروری می تواند به ارتقای این توانایی کمک کند و حاصل آن پرورش فرزندان باشد که در کمترین سطح مشکلات سازگاری عاطفی و اجتماعی و بالاترین سطح سلامت و پیشرفت قرار دارند (افخمی اردکانی و همکاران، ۱۴۰۱). هر چقدر فرد شفقت بیشتری را در فرایند فرزند پروری خود به کار برد گرمی و رفتارهای پاسخدهی بیشتری در او به عنوان یک والد مشاهده میشود. به علاوه، شفقت ورزی میزان کنترل روانشناختی را کاهش می دهد و در نتیجه فرایند فرزند پروری تسهیل میگردد (کربی، زازک و گیلبرت، ۲۰۱۹). شفقت فرایندی چند بعدی است. شفقت دو بعد مهم دارد نخستین بعد آن اشاره به حساسیت و آگاهی از حضور رنج و دلایل آن دارد دومین بعد نیز متشکل از انگیزه و تعهد نسبت به قدم برداشتن جهت کاهش رنجی است که با آن روبرو میشود (گیلبرت و همکاران، ۲۰۱۴). فرزندپروری شفقت ورزانه به دنبال دست یابی به دیدگاهی از جهان است که از منظر کودک دیده میشود. در این سبک از فرزندپروری علایق و تواناییهای کودک با ارزش دیده می شود. بنابراین، تلاش های والد در مسیر تنظیم نیازهای فردی کودک است هر خانواده ای با توجه به ابعاد گوناگون زندگی خویش، شیوه ی خاصی برای تربیت فرزندان خود انتخاب میکند. انتخاب هر نوع سبک و شیوه ی تربیت فرزندان، علاوه بر اینکه تأثیر مستقیمی بر روی ویژگیهای اخلاقی، خلقی و شخصیتی فرزندان میگذارد، در سلامت روان والدین نیز مؤثر است (لیموین و بوچانان، ۲۰۲۰). یعنی والدین علاوه بر اینکه به تربیت فرزندان خود همت میگذارند؛ به نوعی نیز به سلامت خود دست مییابند؛ چراکه امروزه اینگونه روشهای فرزند پروری به تعاملات بیشتر میان والدین و فرزندان منجر شده است و به یقین، این تعاملات میتواند تأثیرات مثبت یا منفی بر سلامت طرفین بر جای گذارد بنابراین، آموزش والدین باید به عنوان اصلی ضروری در بهبود زندگی فرزندان و مشکلات آنها مورد توجه قرار گیرد (بندار کاخکی، مشهدی و امین یزدی، ۱۳۹۸). یافته های مدحی و قمرانی (۱۳۹۹) نشان داده است که فرزندپروری مبتنی بر شفقت، برنامه ای مؤثر برای افراد حتی با نارسایی های ذهنی و تحولی است که این امر، می تواند مشکلات رفتاری آنان را کاهش و خودپنداره آنان را بهبود بخشد. همچنین یافته های خلج زاده و هاشمی (۱۳۹۸) نشان داده است که آموزش خود شفقت ورزی بر ادراک شایستگی و انعطاف پذیری روانشناختی دختران اثرات مهمی داشته است.

1. Gilbert
2. Kirby, J. N., Grzazek, O., & Gilbert
3. Gilbert P, et al
4. LeMoyne L, , & Buchanan,

پژوهش خونساری و همکاران (۱۴۰۰) نیز بیانگر اثربخشی آموزش شفقت ورزی و تئوری انتخاب بر کاهش احساس شرم و خودانتقادی در دانش آموزان است. تمل و همکاران^۱ (۲۰۲۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند در بین متغیرهای فرزندپروری نقش واسطه ای مؤلفه شفقت ورزی تأثیر مهمی در کاهش پریشانی روانی در دوران نوجوانی داشته باشد. جفرسون و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در پژوهشی دیگر نشان داده اند که سبک فرزندپروری که شامل مؤلفه های شفقت به خود است، افسردگی، اضطراب، استرس و ذهن آگاهی را بهبود می بخشد. یافته های پژوهش کربی^۳ (۲۰۱۹) حاکی از آن بود سبک فرزند پروری شفقت ورز تأثیرات مثبتی بر بهبود رفتار فرزندان و کودکان دارد و مشکلات اجتماعی، عاطفی و رفتاری دوران کودکی را کاهش می دهد فاتحی پیکانی و صالحی^۱ (۱۳۹۹) نیز در پژوهش خود دریافتند آموزش فرزندپروری مبتنی بر شفقت به والدین بر تنظیم شناختی هیجان و خودکارآمدی دانش آموزان دختر مبتلا به اضطراب اجتماعی اثربخش است. با توجه به پژوهش های انجام گرفته قبلی، بررسی علمی فرایند فرزند پروری مبتنی بر شفقت ورزی می تواند دارای آثار مثبتی در فرایند فرزند پروری باشد، به ویژه با کاهش احتمال بروز رفتارهای مشکل ساز مربوط به دوره نوجوانی، می تواند به سازگاری بهتر نوجوانان کمک کند. که این پژوهش درصدد است به صورت جامع به بررسی آن بپردازد. نتایج و داده های این پژوهش می تواند هم برای خانواده ها و والدینی که پرورش فرزند برای آنان از اهمیت بالایی برخوردار است، مفید و مؤثر باشد و هم برای جامعه علمی که درصدد بررسی تأثیر متغیرهایی تربیتی و پرورشی یا به عبارتی درصدد بررسی نقش خانواده در جامعه پذیری و رفتارهای اجتماعی و پذیرش نقش های متعدد افراد و نوجوانان در جامعه هستند، بسیار مفید است. علاوه بر اینها داده ها و نتایج این پژوهش می تواند برخی از خلاء هایی که در فرایند تعامل والد - فرزند وجود دارد را شناسایی کند. لازمه پرداختن به این موضوع استفاده از رویکردی کاملاً متفاوت با پژوهش های پیشین بود، رویکردی که بتواند نقش و اثر برخی از فرایندهای فرزندپروری در دوران کودکی و نوجوانی را بر برخی ویژگی ها و رفتارهای اجتماعی نوجوانان خصوصاً دانش آموزان دختر دوره متوسطه را مورد بررسی قرار دهد. موضوعی که در بسیاری از تحقیقات و پژوهش های گذشته مورد غفلت قرار گرفته است. و بر ویژگی های روانشناختی و آموزش فرزند پروری در دوران نوجوانی پرداخته نشده است و پژوهش جامعی در این زمینه انجام نگرفته لذا پژوهش حاضر با توجه به اهمیت موضوع فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی برای مادران دارای فرزند نوجوان با هدف پژوهش اعتباربخشی بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی طراحی شده است در همین راستا سوالات پژوهش شامل: (۱) چه ابعادی برای بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی وجود دارد؟ (۲) چه مؤلفه هایی برای بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی وجود دارد؟ (۳) چه شاخص هایی برای بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی وجود دارد؟ (۴) آیا بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی از اعتبار کافی برخوردار است؟

روش شناسی پژوهش

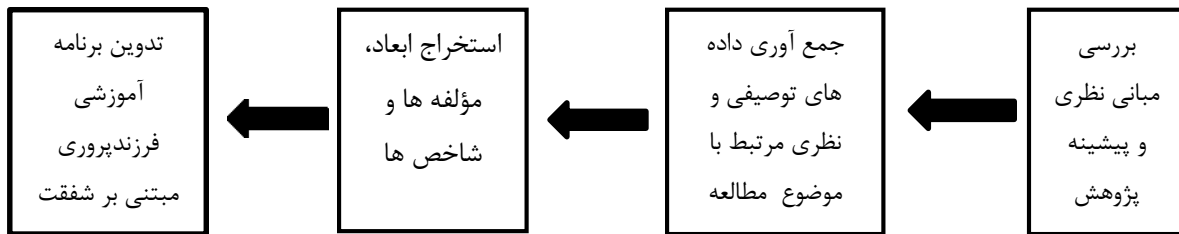
پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی و به لحاظ روش از نوع کیفی است. جهت گردآوری اطلاعات و داده ها و شناسایی مبانی نظری و علمی مرتبط با موضوع و همچنین بررسی پیشینه پژوهش به منظور استخراج ابعاد، مؤلفه ها و شاخص های برنامه آموزشی و همچنین بررسی دیدگاه های صاحب نظران و نظریه پردازان این حوزه از روش کتابخانه ای و فیش برداری از کتب، مقالات و منابع علمی معتبر و همچنین منابع الکترونیکی و بانک های اطلاعاتی علمی اینترنتی استفاده شده است. جامعه آماری شامل تمام استادان رشته های روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی صاحب نظر حوزه فرزندپروری و شفقت ورزی است. نمونه گیری به روش هدفمند از میان اساتید و خبرگان برتر رشته روانشناسی تا رسیدن به اشباع نظری انجام شده است. به عبارت دیگر با توجه به اینکه نمونه گیری در بخش کیفی به صورت غیر احتمالی است، لذا نمونه گیری در بخش کیفی از نوع نمونه گیری هدفمند با توجه به شاخص اشباع نظری انجام شده است. بدین معنی که افرادی که در رابطه با موضوع و اهداف پژوهش نمونه های بارز به شمار آمده و از اطلاعات ارزشمندی برخوردار بودند، به صورت هدفمند انتخاب شدند. حجم نمونه براساس شیوه نمونه گیری گلوله برفی برآورد گردید. پژوهشگر در این روش تا حدی به نمونه گیری ادامه می دهد تا به اشباع نظری برسد.

ابزار پژوهش

فرم اعتبارسنج برنامه آموزشی محقق ساخت: این پرسشنامه توسط پژوهشگر با هدف اعتبار سنجی برنامه آموزش فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی طراحی و در اختیار استادان روان شناسی (گروه نمونه) قرار گرفت.

روش اجرا: برای تهیه محتوای برنامه، پژوهشگر با مراجعه به بانک های اطلاعاتی معتبر داخلی و خارجی به جمع آوری جدیدترین مقالات و کتب موجود در حوزه مورد نظر پرداخت. سپس با مطالعه چندین برنامه آموزشی طراحی شده، تحت نظارت استادان راهنما و مشاور به طراحی برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی اقدام کرد. پس از نهایی کردن برنامه آموزشی، به همراه فرم اعتبارسنج و توضیح اهداف برنامه آموزشی و ارائه تعاریف مربوط به محتوای برنامه آموزشی، برای متخصصان مورد نظر ارسال گردید. سپس، شاخص روایی محتوایی محاسبه شد. مقدار قابل قبول برای شاخص روایی محتوایی برای تمامی اهداف برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی بین ۰/۸ تا ۱ باید باشد. پس از تدوین برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی، اعمال اصلاحات بر اساس نظرات متخصصین و اعتبار سازی آن، به منظور کسب اطمینان کامل از تناسب محتوای برنامه آموزشی با مخاطبان و دریافت کنندگان آموزش، همزمان با فرایند نمونه گیری، برنامه فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی در یک گروه پایلوت پنج نفره داوطلب به طور فشرده به اجرا درآمد و پس از بررسی نتایج مطالعه پایلوت، رفع نواقص و تنظیم دقیق تر، آماده اجرا در گروه نمونه پژوهش گردید.

حاصل فرآیند این بخش در نمودار شماره ۱ تشریح شده است.



نمودار شماره ۱: فرایند اجرایی تدوین برنامه

خلاصه بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱: محتوای پروتکل بسته آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی

ردیف	شماره جلسه	اهداف	محتوای جلسه
1	جلسه اول	آشنایی با چهارچوب جلسه های آموزشی و اهمیت فرزندپروری	آشنایی اعضا گروه مادران و درمانگر با یکدیگر، هدف تشکیل گروه، قوانین گروه و اهمیت مسئله، بیان انتظارات گروه و اعضا از یکدیگر، توضیح درباره اهداف جلسات، نحوه برگزاری و ساختار کلی جلسات، بیان اهمیت فرزندپروری، معرفی سبک های فرزندپروری و بحث گروهی برای شناخت سبک فرزندپروری هر شخص، تبیین سبک فرزند پروری مقتدرانه به عنوان بهترین سبک فرزند پروری
2	جلسه دوم	آموزش مفهوم شفقت ورزی و تمرین خودشفقت ورزی	مرور جلسه قبل و بررسی تکلیف خانگی، آشنایی با ویژگی های شفقت، مهارت های شفقت (مهربانی نسبت به خود، پرورش و درک اینکه دیگران نیز نقایص و مشکلاتی دارند (پرورش حس اشتراکات انسانی) در مقابل احساسات خودتخریبگرانه، سیستم مغز مبتنی بر شفقت، توجه به رنج خود و دیگران بدون روی گردانی و اجتناب (همدردی)، تمرین شفقت به خود
3	جلسه سوم	آشنایی با مرحله رشدی و ویژگی های نوجوانان	مرور جلسه قبل و بررسی تکلیف خانگی، تبیین مهمترین ویژگی های نوجوان در ابعاد شناختی، عاطفی، اجتماعی و جسمی.
4	جلسه چهارم	آموزش مهربانی با فرزند	مرور جلسه قبل و تکلیف خانگی، تبیین اهمیت مهربانی و محبت، چگونگی مهربانی با فرزند
5	جلسه پنجم	آموزش و تمرین مواجهه ذهن آگاهانه با رفتارهای فرزند	مرور جلسه قبل و تکالیف خانگی، آموزش مفهوم ذهن آگاهی، منطق آن و نحوه اجرای تمرین های آن (تمرکز بر تنفس و ردیابی احساسات و افکار و مشاهده صرف آنها بدون هیچ واکنشی)، چگونگی مواجهه ذهن آگاهانه در فرایند فرزندپروری

6	جلسه ششم	آگاهی از اشتراکات انسانی	مرور و تمرین جلسه قبل و تکلیف خانگی، تبیین مفهوم اشتراکات انسانی، بیان اشتراکات در رفتارهای فرزندان و اشتباهات فرزندپروری مادران در گروه
7	جلسه هفتم	خودشناسی و پرورش ذهن مشفقانه	مرور تمرین جلسه قبل و تکلیف خانگی، ترغیب و تشویق به خودشناسی و بررسی شخصیت و نوع برخورد با خود (سبک انتقادگر یا شفقت گر) با توجه به مباحث آموزشی، شناسایی عوامل خود انتقادی، راه کارهای کاهش خود انتقادگری، تمرین مهربانی و مهر ورزی، پرورش احساس مهربانی (آوردن مهرورزی به ذهن و پرورش ذهن مشفقانه)، آموزش بخشیدن و پذیرش بدون قضاوت، پذیرش مسایل؛ پذیرش تغییرات پیشرو و تحمل شرایط سخت با توجه به متغیر بودن روند زندگی و مواجه شدن افراد با شرایط مختلف
8	جلسه هشتم	مرور مباحث آموزش داده شده	ارزیابی و کارکرد، مرور تمرین ها و مهارت های آموزش داده شده در جلسات گذشته، جمع بندی و ارائه راهکارهایی برای حفظ و به کارگیری این روش فرزندپروری در زندگی روزمره، پرسش و پاسخ

نتایج

با مطالعه متون علمی مرتبط با موضوع و استفاده از نظرات متخصصین، ابعاد، مولفه ها و شاخص های برنامه آموزشی استخراج گردید و با الگوبرداری از برنامه های مشابه، برنامه مورد نظر طراحی شد. در این مرحله به سوالات پژوهش پاسخ داده شد :

سوال اول: چه ابعادی برای برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی وجود دارد؟

در پاسخ به این سوال لازم است به ماهیت فرزندپروری توجه شود. سبک فرزند پروری به عنوان مجموعه ای از رفتارها تعریف شده است که تعاملات والد فرزند را در طول دامنه گسترده ای از موقعیت ها توصیف می کند و فرض بر این است که یک جو تعاملی تأثیر گذار را به وجود می آورد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸). در این تعریف تعامل بین والد و فرزند برجسته شده است. تعامل دو سویه دارد، یک سویه مخاطب، که در اینجا فرزند است و سویه دیگر خود فرد یعنی والد قرار دارد. بنابر این در این تعامل باید هر دو سویه مد نظر قرار گیرد تا اثربخش باشد. به عبارت دیگر در برنامه آموزش فرزندپروری باید جلساتی برای کار در رابطه با خود والدین نیز در کنار کار در رابطه با فرزند وجود داشته باشد. لذا برنامه آموزشی حاضر در دو بعد «ارتباط با خود» و «ارتباط با فرزند» تدوین شده است.

سوال دوم: چه مولفه هایی برای برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی وجود دارد؟

با توجه به اینکه برنامه آموزشی حاضر با محوریت شفقت ورزی طراحی شده است با مطالعه متون مربوط به شفقت ورزی و تحلیل مفهوم آن مولفه های اصلی این کلیدواژه استخراج شد. شفقت ورزی سازه ای سه مولفه ای است متشکل از مهربانی در مقابل قضاوت کردن، اشتراکات انسانی در مقابل انزوا و ذهن آگاهی در مقابل همانندسازی فزاینده (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۵). مهربانی، توجه و درک به جای قضاوت یا انتقاد از کاستی ها و بی کفایتی ها است. اعتراف به اینکه همه

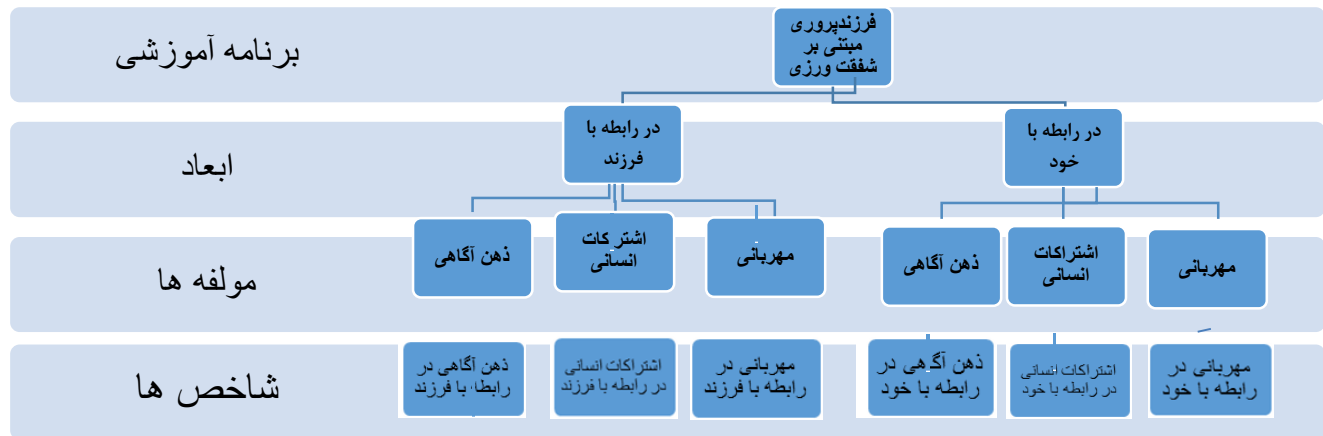
انسان ها دارای نقص هستند، اشتباه می کنند و درگیر رفتارهای ناسالم می شوند، مشخصه اشتراکات انسانی است. ذهن آگاهی منجر به یک آگاهی متعادل و روشن از تجارب زمان حال می شود و باعث می شود جنبه های دردناک نادیده گرفته نشده و در عین حال نیز مکرراً ذهن را اشغال نکنند (نف، ۲۰۰۹). شفقت به خود پذیرش این است که رنج، شکست و ناپسندگی بخشی از شرایط معمول زندگی است و همه انسانها و از جمله خود فرد مستحق شفقت و مهربانی می باشد (کیگر، آلتنستین، بیتیگ، دوریگ، هلتفرث، ۲۰۱۳). شفقت شامل در تماس بودن با رنج خود و دیگران، آگاه شدن از درد و اجتناب نکردن از آن، احساس مهربانی نسبت به دیگران و خود و تمایل برای کاهش رنج است (صابریان و طباطبایی، ۱۳۹۶). بنابر تعریف بالا سه مولفه مهربانی، اشتراکات انسانی و ذهن آگاهی در برنامه آموزشی حاضر گنجانده شده است.

سوال سوم: چه شاخص هایی برای برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی وجود دارد؟

با بررسی ابعاد و مولفه هایی که در پاسخ دو سوال قبلی به دست آمد می توان شاخص های برنامه آموزشی را مشخص کرد. همانطور که اشاره شد برنامه در دو بعد «ارتباط با خود» و «ارتباط با فرزند» و با مولفه های مهربانی، اشتراکات انسانی و ذهن آگاهی تدوین شده است. بنابر این می توان ۶ شاخص برای برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی در نظر گرفت: ۱- مهربانی در ارتباط با خود، ۲- مهربانی در ارتباط با فرزند، ۳- اشتراکات انسانی در ارتباط با خود، ۴- اشتراکات انسانی در ارتباط با فرزند، ۵- ذهن آگاهی در ارتباط با خود، ۶- ذهن آگاهی در ارتباط با فرزند. این شاخص ها در جلسات آموزشی مد نظر قرار گرفته اند.

جدول ۲: ارتباط شاخص های برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی با جلسات

جلسه	عنوان جلسه	شاخص
دوم	آموزش مفهوم شفقت ورزی و تمرین خودشفقت ورزی	مهربانی، اشتراکات انسانی و ذهن آگاهی در ارتباط با خود
چهارم	آموزش مهربانی با فرزند	مهربانی در ارتباط با فرزند
پنجم	آموزش و تمرین مواجهه ذهن آگاهانه با رفتارهای فرزند	ذهن آگاهی در ارتباط با خود و فرزند
ششم	آگاهی از اشتراکات انسانی	اشتراکات انسانی در ارتباط با خود و فرزند
هفتم	خودشناسی و پرورش ذهن مشفقانه	مهربانی در ارتباط با خود



نمودار ۲: ابعاد، مولفه ها و شاخص های برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی

سوال چهارم: آیا برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی از اعتبار کافی برخوردار است؟

برای اعتباربخشی برنامه آموزشی، بعد از تهیه و تدوین برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی، فرم اعتبارسنج در اختیار اساتید قرار داده شد. در این فرم از اساتید خواسته شد تا مربوط بودن محتوای هر جلسه با هدف برنامه، ساده بودن فرایند اجرایی و تکالیف خانگی برنامه و واضح بودن محتوای هر جلسه را بر اساس طیف لیکرتی چهار نمره ای که در جدول زیر ارائه شده است، مورد ارزیابی قرار دهند.

گزینه ۱	گزینه ۲	گزینه ۳	گزینه ۴
مربوط بودن	نسبتاً مربوط است	مربوط است	کاملاً مربوط است
ساده بودن	نسبتاً ساده است	ساده است	کاملاً ساده است
واضح بودن	نسبتاً واضح است	واضح است	کاملاً واضح است

در این مرحله از نظرات ۵ نفر از اساتید دانشگاه با تخصص روانشناسی استفاده گردید .

جدول ۳: مشخصات جمعیت شناختی

متغیر	طبقه	فراوانی	متغیر	طبقه	فراوانی	متغیر	طبقه	فراوانی
جنسیت	زن	۵	مرتبه دانشگاهی	استادیار	۵	تحصیلات	دکتری تخصصی	۵

برای تعیین روایی محتوایی برنامه، شاخص روایی محتوایی CVI محاسبه گردید. در این روش سوال های آزمون در اختیار متخصصان گذاشته می شود و از آنها خواسته می شود که مشخص کنند آیا تکلیف مورد نظر مناسب هدف پژوهش است یا خیر؟ اگر بین متخصصان در زمینه روایی آزمون توافق وجود داشته باشد آزمون مورد نظر دارای روایی محتوایی می باشد. ضریب روایی محاسبه شده در این روش بین ۱+ و ۱- است که هرچه رقم ضریب محتوایی بزرگتر باشد روایی برنامه آموزشی بیشتر است.

متخصصان «مربوط بودن»، «واضح بودن» و «ساده بودن» هر آیت را براساس طیف لیکرتی ۴ درجه ای مشخص می کنند. بدین صورت که مربوط بودن هرگویه را از دیدگاه خودشان از نمره ۱=مربوط نیست، نمره ۲=نسبتا مربوط است، نمره ۳=مربوط است و نمره ۴=کاملا مربوط است، مشخص می کنند. ساده بودن گویه نیز به ترتیب از ۱=ساده نیست، ۲-نسبتا ساده است ۳-ساده است و ۴-کاملا ساده است و واضح بودن گویه ها را نیز به ترتیب از ۱-واضح نیست، ۲-نسبتا واضح است، ۳-واضح است و ۴-کاملا واضح است مشخص می کنند. برای محاسبه این شاخص تعداد متخصصینی که گزینه های ۳ و ۴ را انتخاب کرده اند را بر کل متخصصین تقسیم می کنیم. مقدار CVI بین صفر و ۱ به دست می آید. حداقل مقدار قابل قبول برای شاخص CVI برابر با ۰/۷۵ است و اگر شاخص CVI آیت می کمتر از ۰/۷۵ باشد آن آیت باید مورد بازبینی و بررسی مجدد واقع شود (پالت و بک، ۲۰۰۶). با توجه به اینکه مقدار CVI برای تمامی اهداف در بسته آموزشی ۰/۷۵ تا ۱ حاصل شد، مقدار قابل قبولی بود. بنابراین برنامه آموزشی از روایی محتوایی کافی برخوردار است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تدوین و اعتباربخشی برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی انجام شد. برای طراحی و تدوین بسته آموزشی از روش کیفی مطالعه کتابخانه ای/اسنادی استفاده شد. برای سنجش اعتبار یابی از شاخص نسبت روایی محتوایی استفاده شد. این بسته برای مادران دانش آموزان دختر دوره اول متوسطه طراحی شد. روابط مطلوب میان والدین و فرزندان در سلامت روان فرزندان تأثیر فراوان دارد بنابراین یکی از مهمترین آموزش ها، آموزش فرزندپروری است که والدین باید آن را آموزش ببینند تا از خطاهای رفتاری اجتناب نمایند. که متخصصان در این زمینه باید توجه ویژه ای به این امر داشته باشند.

به عبارت دیگر در این پژوهش، ابتدا چارچوب مفهومی از فرزند پروری تبیین شد. سپس این چارچوب مفهومی با عبور از رویکردهای سنتی، رویکرد جدیدی با عنوان «شفقت ورزی» را معرفی کرده است. این چارچوب مفهومی که تبیین کننده ماهیت و نحوه شکل گیری شفقت ورزی است، راهنمای پژوهشگران در فرایند هدفگذاری و تعیین رویکرد، اصول و مبانی، محتوا و دیگر عناصر و ویژگیهای بسته آموزشی فرزند پروری مبتنی بر شفقت ورزی برای مادران دارای فرزند نوجوان (دوره اول متوسطه) می باشد. از جمله ویژگیهای شاخص این بسته آموزشی، جامعیت آن از نظر توجه به ارکان یک برنامه آموزشی مدون و استاندارد است. در این بسته آموزشی، هر شاخص شفقت ورزی به عنوان یک مهارت در نظر گرفته شده است که مادران برای توانمندسازی خود باید آنها را فراگیرند. محتوای بسته آموزشی با رویکرد موضوع محور و بر اساس اهداف پژوهش سازماندهی شده است. در پایان هر جلسه، به منظور تثبیت یادگیری به مادران تکالیفی ارائه گردیده است. این بسته با تأکید بر فرزند پروری مبتنی بر شفقت ورزی، برخلاف اکثر پژوهشها و برنامه های آموزشی قبلی که تنها بر یک یا چند مفهوم محدود از فرزند پروری تأکید داشتند، بر تعداد زیادی از مفاهیم کاربردی برای مادران تأکید دارد. برای تدوین و اعتباربخشی برنامه آموزشی با مطالعه متون علمی مرتبط با فرزندپروری و شفقت ورزی، ابعاد، مولفه ها و شاخص های برنامه استخراج شد و به این ترتیب به سه سوال اول پژوهش یعنی شناسایی ابعاد، مولفه ها و شاخص های برنامه آموزشی، پاسخ داده شد. همچنین سوال چهارم نیز در این بخش مورد بررسی قرار گرفت. در نهایت برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای تنظیم شد. محتوای جلسات این برنامه با برنامه فرزندپروری مثبت ساندرز (۲۰۰۸) مبنی بر ارائه اطلاعات درباره نیازهای گوناگون مادر و کودک، چگونگی رابطه مادر - کودک، کارکرد خانواده و مهارتهای والدگری؛ برنامه فرزندپروری ذهن آگاهانه جان کابات زین (۲۰۰۹) به دلیل توجه به افزایش توجه والدینی، افزایش آگاهی در مورد تنیدگی فرزندپروری، کاهش واکنش پذیری والدین؛ برنامه فرزندپروری آرامش بخش مارکهام (۲۰۱۸) مبنی بر سه هدف اصلی هدایت و مهار خود در نقش والد، تقویت روابط با کودک، و آموزش و مربیگری به جای کنترل کردن، برنامه فرزندپروری مسالمت آمیز مبنی بر ایجاد محیطی امن برای کودکان به منظور احساس و بیان احساسات قوی، مهارت گوش دادن فعال، حفظ روابط (دلبستگی) قلبی، گرمی و خطوط ارتباطی باز، تسهیل حل مسأله و ایجاد توافق با استفاده از اظهارات من برای والدین به منظور بیان احساسات و درخواست های غیرتهاجمی، ایجاد محدودیت با شفافیت و آرامی در حالی که همدلی برای هر پیامد ناراحتی، حفظ می شود، درک عمیق تر احساسات نیازهای برآورده نشده کودک که محرک رفتار او هستند، همسو است. در پاسخ به سوال اول پژوهش می توان گفت برنامه آموزشی حاضر در دو بعد «ارتباط با خود» و «ارتباط با فرزند» تدوین شده است. در تبیین این پاسخ باید گفت فرزندپروری فرایندی است که پرورش فرزندان از بدو تولد تا اوایل بزرگسالی را دربرمی گیرد و ارتقای تحول جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی فرزندان از اهداف اصلی آن محسوب می شود (اپوکوو همکاران، ۲۰۲۰) سبک فرزند پروری به عنوان مجموعه ای از رفتارها تعریف شده است که تعاملات والد فرزند را در طول دامنه گسترده ای از موقعیت ها توصیف می کند و فرض بر این است که یک جو تعاملی تأثیر گذار را به وجود می آورد (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸). در این تعریف تعامل بین والد و فرزند برجسته شده است. تعامل دو سویه دارد، یک سویه مخاطب، که در اینجا فرزند است و سویه دیگر خود فرد یعنی والد قرار دارد. بنابراین در این تعامل باید هر دو سویه مد نظر قرار گیرد تا اثربخش باشد. به عبارت دیگر در برنامه آموزش فرزندپروری باید جلساتی برای کار در رابطه با خود والدین نیز در کنار کار در رابطه با فرزند وجود داشته باشد.

در پاسخ به سوال دوم پژوهش میتوان گفت مولفه های برنامه آموزش شامل سه مولفه مهربانی، اشتراکات انسانی و ذهن آگاهی است که در برنامه آموزشی حاضر گنجانده شده است. در تبیین این مولفه ها می توان گفت با توجه به اینکه برنامه آموزشی حاضر با محوریت شفقت ورزی طراحی شده است می بایست شفقت ورزی در جای جای برنامه نمود و حضور داشته باشد. بنابراین با مطالعه متون مربوط به شفقت ورزی و تحلیل مفهوم آن مولفه های اصلی این کلیدواژه استخراج شد. شفقت ورزی سازه ای سه مولفه ای است متشکل از مهربانی در مقابل قضاوت کردن، اشتراکات انسانی در مقابل انزوا و ذهن آگاهی در مقابل همانندسازی فزاینده (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۵). لذا این سه مولفه در محتوای برنامه آموزشی مورد توجه قرار گرفت. در پاسخ سوال سوم ۶ شاخص برای برنامه آموزشی فرزندپروری مبتنی بر شفقت ورزی در نظر گرفته شد: ۱- مهربانی در ارتباط با خود، ۲- مهربانی در ارتباط با فرزند، ۳- اشتراکات انسانی در ارتباط با خود، ۴- اشتراکات انسانی در ارتباط با فرزند، ۵- ذهن آگاهی در ارتباط با خود، ۶- ذهن آگاهی در ارتباط با فرزند. در تبیین این پاسخ باید گفت با بررسی ابعاد و مولفه هایی که در پاسخ دو سوال قبلی به دست آمد شاخص های برنامه آموزشی مشخص شد. همانطور که اشاره شد برنامه در دو بعد «ارتباط با خود» و «ارتباط با فرزند» و با مولفه های مهربانی، اشتراکات انسانی و ذهن آگاهی تدوین شده است. ادغام ابعاد و مولفه ها، شاخص های برنامه را ایجاد می کند این شاخص ها در جلسات آموزشی مد نظر قرار گرفتند. برای تبیین می توان گفت سبک زندگی حاصل ترکیبی از انتخابها، فرصتها و منابع است. سبک زندگی سالم منبع با ارزشی برای کاهش بروز و تأثیر مشکلات سلامتی، افزایش بهبودی، مقابله با عوامل استرس زا، ارتقای کیفیت زندگی و سلامت خانواده است سازمان بهداشت جهانی، بر اهمیت ارتقای سلامت و سبک زندگی سالم، خلق محیط حمایت کننده برای سلامت، جهت دهی مجدد خدمات بهداشتی و تعیین سیاستهای بهداشت عمومی تأکید کرده است. در همین راستا، با آموزش تعامل مبتنی بر شفقت به مادران، میتوان در جهت پیشگیری از بروز مشکلات ناشی از رابطه نامناسب مادر و فرزند و نیز ارتقای سلامت خانواده گام برداشت. شفقت میتواند از طریق کاهش دفاعی شدن، در نظر گرفتن شرایط منصفانه، درگیر نشدن با اهداف غیرواقع بینانه، جست وجو و دریافت کمک و حمایت و شفقت از دیگران، تنظیم عواطف و تحمل پریشانی، به کاهش تنیدگی مادران و در نهایت بهبود رابطه مادر- فرزند کمک نماید. باور زیربنایی شفقت ورزی کاهش هیجانات منفی (مانند اضطراب، خشم و ترس) است و لازم است بالا بردن هیجانات مثبت مورد توجه قرار گیرد (اثباتی، ۱۳۹۵). در پاسخ به سوال آخر پژوهش می توان گفت برنامه آموزشی از روایی محتوایی کافی برخوردار است. بنابراین بسته مذکور با برخی از پژوهش های قبلی از جمله یافته های پژوهش تمل و همکاران (۲۰۲۰). کربی^۲ (۲۰۱۹) فاتحی پیکانی و صالحی (۱۳۹۹) مدحی و قمرانی (۱۳۹۹)، خلج زاده و هاشمی (۱۳۹۸) و خونساری و همکاران (۱۴۰۰) و جغرسون و همکاران (۲۰۲۰) همسو بود. اما با آنها از نظر هدف محتوایی بسته متفاوت بود و تا کنون پژوهشی دقیق و همانند با موضوع پژوهش حاضر به طراحی برنامه آموزش فرزند پروری مبتنی شفقت ورزی مادران در دوران نوجوانی نپرداخته است.

محدودیت ها و پیشنهادها

در پژوهش حاضر فقط مادران ساکن شهر تهران مورد بررسی قرار گرفتند؛ بنابراین، تعمیم یافته ها به شهرهای دیگر ایران، باید به دنبال اجرای بسته آموزشی و آزمون نتایج صورت پذیرد. همچنین یکی دیگر از محدودیت های پژوهش، انجام پژوهش بر روی گروه سنی نوجوان بود که پیشنهاد می شود، مطالعات آینده بر روی مادران دارای فرزند گروه سنی دیگر انجام شود. همچنین پیشنهاد می شود که در پژوهش های دیگر کارایی بسته آموزشی در جامعه های آماری دیگر همچون در دانشگاه ها و خوابگاه های دانشجویی انجام پذیرد. با توجه به اثر بخشی برنامه آموزشی در سطح کاربردی پیشنهاد می شود در کارگاه های تخصصی بسته آموزشی به والدین مشاوران و روانشناسان، سرای محله های تهران ارائه شود تا آنها با ارائه این بسته آموزشی برای گروه ها گام عملی بردارند. به هر حال، نتایج پژوهش حاضر میتواند چارچوبی برای مطالعات آینده باشد.

Designing and validating a parenting education package based on mothers' compassion

Marzieh Akbari, Parisa Tajalli, Yalda Delgoshaei

Abstract

The purpose of the current research was to design and validate a parenting educational program based on mothers' compassion. The research was of an applied type in terms of its purpose and of a qualitative type in terms of its method. The educational package was compiled with the method of Library/documents by studying books and articles about parenting and compassion, and then to validate the educational package, in a purposeful and Based on the theoretical saturation of the research experts, the contents of the packet were sent to all psychology professors of the Islamic Azad University, Central Tehran branch, with opinion on parenting and compassion, and finally 5 psychology professors responded to the validation items. CVI index was used to obtain validity, and CVI index was equal to 0.75 , which indicated that the validity of the package is suitable from the perspective of research experts. According to these results, this package can be used to teach the mothers of female students in the first year of high school. Also, this research can provide a perspective to families and researchers and thinkers in the field of psychology, social sciences and sociologists, the causes of certain behaviors and To search the actions of students and teenagers not in the present time, but in the growth process and in the educational and developmental stages and previous periods of family and social life.

Keywords: parenting, compassion, educational package accreditation, mothers

منابع

- اثباتی، مهنوش (۱۳۹۵). برازش مدل آسیب‌شناسی در درمان متمرکز بر شفقت: رویکردی فراتشخیصی به اضطراب و افسردگی. پایان نامه دکتری تخصصی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه الزهرا
- افخمی اردکانی، ملیحه؛ وزیری، سعید؛ رضاپور میرصالح، یاسر و فلاح، محمدحسین (۱۴۰۱). اعتباریابی الگوی بومی (اسلامی-ایرانی) فرزندپروری شفقت‌ورزانه بر اساس نظر متخصصان. خانواده درمانی کاربردی ۳(۴)، ۳۴۶-۳۲۶.
- بابایی، انسیه، حسین زاده، شیرین؛ گلستانی، طاهره؛ احمدی، عباس. (۱۴۰۱). پیش‌بینی سازگاری اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزندپروری، کمالگرایی و تفکر خلاق در دانش‌آموزان. مطالعات روانشناسی تربیتی، ۱۹(۴۷)، ۱۵-۱.
- بندار کاخکی، زهرا؛ مشهدی، علی و امین یزدی، سید امیر (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش فرزندپروری ذهن‌آگاهانه بر بهبود اجتناب تجربه‌ای، خود-شفقتی و ذهن‌آگاهی مادران تنیده دارای کودک پیش‌دبستانی، دانشکده پزشکی مشهد، ۶۲(۱)، ۱-۱۴.
- خلج زاده، مهدیه، و هاشمی، نظام. (۱۳۹۸). اثربخشی آموزش خود شفقت ورزی بر ادراک شایستگی و انعطاف‌پذیری روانشناختی دختران بد سرپرست. فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، ۱۵(۵۴)، ۱-۳۲.
- خونساری، میناسادات؛ تاجری، بیوک؛ سرداری پور، مهران؛ حاتمی، محمد و حسین زاده تقوایی، مرجان. (۱۴۰۰). مقایسه اثربخشی آموزش گروهی مبتنی بر شفقت و تئوری انتخاب بر احساس شرم و سطوح خودانتقادی دانش‌آموزان دختر. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۲(۲)، ۳۴۱-۳۵۶.
- زمانی فروشانی، شهلا؛ شریفی، طیبه؛ غضنفری، احمد؛ عابدی، محمدرضا؛ نقوی، اعظم (۱۳۹۸). تدوین بسته آموزشی تعامل مبتنی بر شفقت در رابطه مادر و کودک و بررسی اثربخشی آن بر رابطه مادر-کودک و بهبود تنیدگی والدینی. آموزش پرستاری، ۸(۱): ۱-۱۲.
- شریعتی، مریم؛ حمید، نجمه؛ هاشمی، سیداسماعیل؛ بشلیده، کیومرث؛ و مرعشی، سیدعلی. (۱۳۹۵). اثربخشی درمان مبتنی بر مهرورزی بر افسردگی و خودانتقادی دانشجویان دختر. دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی، ۱۷(۱ پیاپی ۶۳)، ۴۳-۵۰.
- فاتحی پیکانی، فرزانه و صالحی، اعظم (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش فرزند پروری مبتنی بر شفقت به والدین بر تنظیم شناختی هیجان و خودکارآمدی دانش‌آموزان دختر مبتلا به اضطراب اجتماعی. فصلنامه زن و فرهنگ، ۱۲(۴۵)، ۳۳-۲۱.
- قاضی، منیره؛ گل قلیچی، جهان و امری، تاج بی بی (۱۴۰۱). اثر بخشی آموزش مدیریت روابط والدین بر سلامت روان و پرخاشگری دانش‌آموزان، دومین کنفرانس علوم اجتماعی، روانشناسی، علوم تربیتی و علوم انسانی

- مدحی، محمد و قمرانی، امیر. (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش فرزندپروری مبتنی بر شفقت به خود بر مشکلات رفتاری و خودپنداره کودکان با نارسایی‌های ذهنی و تحولی. فصل‌نامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، ۱۱(۳)، ۱-۱۸.
- یوسفی، ناصر؛ چهاردولی، داود؛ و پشآبادی، سمیرا. (۱۳۹۸). بررسی و مقایسه دانش‌آموزان کمرو و عادی از لحاظ شیوه‌های فرزندپروری، سبک‌های دلبستگی و طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه. مشاوره کاربردی، ۹(۲)، ۴۵-۶۶.
- Gilbert P, McEwan K, Matos M, Rivis A. (2011). Fears of compassion: development of three self-report measures. *Psychol Psychother.*;84(3):239-55
- Gilbert, P. (2014). The origins and nature of compassion focused therapy. *British Journal of Clinical Psychology*, 53, 6-14
- Jefferson, F. A., Shires, A., & McAloon, J. (2020). Parenting self-compassion: A systematic review and meta-analysis. *Mindfulness*, 11(9), 2067-2088.
- Kirby, J. N. (2019). Nurturing family environments for children: Compassion-focused parenting as a form of parenting intervention. *Education Sciences*, 10(1), 3
- Kirby, J. N., Grzazek, O., & Gilbert, P. (2019). The role of compassionate and self-image goals in predicting psychological controlling and facilitative parenting styles. *Frontiers in psychology*, 10, 1041.
- Opoku, M., William, N., Esther, B. B., & Wisdom, K., Mprah. (2020): Understanding the parental experiences of raising deaf children in Ghana. *Journal of Family Studies*, 8(1), 1-20.
- Polit, DF., Beck, CT. (2006). The content validity index: are you sure you know what's being reported? Critique and recommendations. *Res Nurs Health*. 29(5): 489-497.
- Ruiz- Esteban,c, Méndez,I, Fernández- Sogorb,a,& Álvarez Teruel.J,d(2021). Perfectionism classes and aggression in adolescents. *Frontiers in Psychology*. 12, 686380
- Sanders MR.(2008). Triple P-Positive Parenting Program as a public health approach to strengthening parenting. *Journal of Family Psychology*; 22(4):506
- Smetana, J. G. (2017). Current research on parenting styles, dimensions, and beliefs. *Current opinion in psychology*, 15, 19-25.
- Temel, M., & Atalay, A. A. (2020). The relationship between perceived maternal parenting and psychological distress: Mediator role of self-compassion. *Current Psychology*, 39(6), 2203-2210.
- Wells, A., & Cart Wright-Hatton, S. (2019). A short form of metacognitions questionnaire: Properties of the MCQ-30. *Behaviors Research and Therapy*, 42, 385- 396.



اثربخشی طرحواره درمانی بر همجوشی شناختی و سرزندگی تحصیلی دانش آموزان دختر اقدام کننده به خودکشی

مرضیه جمشیدی^۱، پروین احتشام زاده^۲، مرضیه طالب زاده شوشتری^۳، رضا پاشا^۴، ساسان باوی^۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۰/۲۷

چکیده

خودکشی یک پیامد اجتماعی پیچیده است و در بین در دانش آموزان دختر یک مشکل رو به افزایش است، بنابراین هدف پژوهش حاضر اثربخشی طرحواره درمانی بر همجوشی شناختی و سرزندگی تحصیلی دانش آموزان دختر اقدام کننده به خودکشی بود. پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اصفهان در سال ۱۴۰۲ دارای سابقه خودکشی در دو سال گذشته بود. از بین آنها تعداد ۳۰ نفر با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی و با روش قرعه کشی در دو گروه آزمایش و کنترل (۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل) جایگزین شدند. گروه آزمایش طرحواره درمانی (۱۰ جلسه) و هر هفته یک جلسه و به مدت ۶۰ دقیقه دریافت نمودند و گروه کنترل در این مدت مداخله ای دریافت نکردند. پرسشنامه های پژوهش شامل پرسشنامه همجوشی شناختی گیلاندرز و همکاران (۲۰۱۴) و مقیاس سرزندگی تحصیلی دهقانی زاده و حسین چاری (۱۳۹۱) بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از تحلیل کوواریانس تک متغیری با نرم افزار SPSS نسخه ۲۵

۱. دانشجوی دکترای روانشناسی، گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول). p-ehatesham@yahoo.com

۳. استادیار، گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۴. دانشیار، گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

۵. استادیار، گروه روانشناسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران.

استفاده شد. نتایج نشان داد که طرحواره درمانی در کاهش همجوشی شناختی و افزایش سرزندگی تحصیلی در مرحله پس آزمون موثر بود ($p < 0/001$). یافته های پژوهش حاضر می تواند در انتخاب و طراحی مناسب ترین رویکرد درمانی در کاهش افکار خودکشی دانش آموزان دختر دارای پریشانی روان شناختی مورد استفاده قرار گیرند.

کلید واژه ها : طرحواره درمانی، همجوشی شناختی، سرزندگی تحصیلی، دانش آموزان، خودکشی.

مقدمه

خودکشی به معنای نابود کردن و از بین بردن خود، پدید های است که طی سالیان دراز، از روابط عشیر های و سنتی تا روابط پیچیده شهرهای بزرگ امروزی، گریبان بشر را گرفته و در فراز و نشیب تحولات اجتماعی قلب و روح خانواد هها و اجتماع را آزرده است (حیدری و رسائی پور، ۱۳۹۲). اکثر کسانی که گرایش به خودکشی دارند در اصل نمی‌خواهند بمیرند. آنها صرفاً می‌خواهند به درد و رنجشان (واقعی یا خیالی) پایان دهند و به عبارتی نیازمند کمک هستند. عملی که آگاهانه و از روی عمد برای نابودسازی خود صورت می‌گیرد «خودکشی کامل» نامیده می‌شود اما در صورتی که چنین عملی منجر به مرگ نشود، آن را «خودکشی ناموفق یا اقدام به خودکشی» (خودکشی ناکامل) می‌نامند که معمولاً توصیف کننده کسانی است که گاهی زمینه را طوری فراهم می‌سازند که نجات پیدا کنند، هرچند ممکن است فریادرسی وجود نداشته باشد (نوری و همکاران، ۱۴۰۱). تحقیقات نشان می‌دهد شیوع اختلالات روانی و عاطفی و رفتاری در نوجوانان به خصوص در نوجوان دختر که از نظر عاطفی_روانی حساس تر و آسیب پذیرتر هستند در سالهای اخیر افزایش داشته است. از آنجا که حدود یک نفر از هر پنج نفر افراد بین سن ۱۲ تا ۱۹ سال یک اختلال روانی را تجربه می‌کنند نوجوانی به عنوان یک دوره آسیب پذیری نسبت به مشکلات مربوط به سلامت روان شناخته شده است (کوگلن و همکاران، ۲۰۱۴).

تغییرات سنی و ارگانیکی در دوره نوجوانی و به دنبال آن نوجوانی و نوگرایی، و هیجان خاصی که بر رفتار او غالب می‌شود، ممکن است ظرفیت ناهمناوبی فرد را بالا ببرد. امروزه سازگاری موفقیت‌آمیز دانش‌آموزان در عصر اطلاعات و انفجار علم و فناوری مستلزم آن است که او برای حل مسایل و تصمیم‌گیری مناسب، از توانایی‌های شناختی و مهارت‌های هیجانی و اجتماعی کافی بهره‌مند باشد تا از طریق سیالی اندیشه و مهارت‌های شناختی و هیجانی کارآمد بتواند خود را با شرایط همواره متحول به نحوی مناسب سازگار نماید (کتر، ۲۰۱۹). همچنین همجوشی شناختی زمانی رخ می‌دهد که افکار فرد روی رفتار اثر گذارند و باعث شوند فرد به جای توجه به فرایند فکر (زمینه) به تولیدات فکر (محتوا) توجه کنند (هیز و دیگران، ۲۰۰۶). به عبارتی، فرد طوری تحت تأثیر افکارش قرار می‌گیرد که گویی کاملاً واقعی اند و موجب می‌شود رفتار و تجربه بر دیگر منابع تنظیم رفتار او حاکم شوند و فرد نسبت به نتایج مستقیم حساسیت کمتری پیدا کند (گیلاندرز و همکاران، ۲۰۱۵).

از طرفی موفقیت و پیشرفت در یادگیری هدف همه نظام‌های آموزشی و میزان بهره‌مندی از محیط‌های آموزشی مستلزم احساس انرژی و سرزندگی دانش‌آموزان است. از مهم‌ترین متغیرها در سلامت بافت تحصیلی سیستم آموزشی هر کشوری، سرزندگی تحصیلی می‌باشد که حسی درونی برای تضمین سلامت ذهنی است و در واقع پژوهشگران آن را راهی مفید و ساده برای درک مفهوم بهزیستی دانش‌آموزان عنوان کرده‌اند (ساره، پائول و لیزا، ۲۰۱۳). در زندگی روزانه تحصیلی دانش‌آموزان با انواع چالش‌ها، موانع و فشارهای ویژه دوران تحصیل روبه‌رو می‌شوند که تهدیدی برای اعتماد به نفس، انگیزش و در نتیجه عملکرد تحصیلی و سلامت روان آنها می‌باشد. عده‌ای از دانش‌آموزان در مقابله با آنها موفق عمل می‌کنند و دیگران در این زمینه موفقیت قابل‌قبولی ندارند. از این رو پژوهشگران تعلیم و تربیت باید به درک و چگونگی سازگاری با چالش‌های تحصیلی توجه جدی نشان دهند. از توانمندی‌هایی که در سازگاری تحصیلی دانش‌آموزان به آن توجه شده است، سرزندگی تحصیلی می‌باشد. در واقع این متغیر تأثیر شگرفی بر افزایش توان مقابله‌ای دانش‌آموزان در

مقابل مشکلات تحصیلی آنها خواهد داشت. سرزندگی تحصیلی، تاب‌آوری تحصیلی را در چارچوب روان‌شناسی مثبت بازتاب می‌دهد (مارتین و مارش، ۲۰۱۷).

با توجه به وضعیت روان‌شناختی دانش‌آموزان اقدام‌کننده به خودکشی، استفاده از روان‌درمانی‌های مفید و کارآمد ضروری و حیاتی می‌باشد. در چند دهه اخیر رویکردی که در زمینه مداخلات خود را نشان داده، رویکرد طرحواره درمانی بوده است؛ طرحواره درمانی به عمیق‌ترین سطح شناخت پرداخته و طرحواره‌های ناسازگار اولیه را مورد هدف قرار میدهد و با بهره‌گیری از راهبردهای شناختی، تجربی، هیجانی، رفتاری و بین‌فردی، افراد را در غلبه بر طرحواره‌های مذکور یاری می‌دهد (پاگ، ۲۰۱۵).

طرحواره درمانی بر الگوهای خودپیرانگر تفکر، احساس و رفتاری که از دوران کودکی فرد ریشه گرفته‌اند و در سراسر طول زندگی فرد تکرار میشوند تمرکز میکند (خاشو و همکاران، ۲۰۱۹). مرور پژوهش‌ها نشان از این دارد که طرحواره درمانی بر متغیرهای مختلفی شناختی و اجتماعی تاثیر دارد. آزار، رنر، دیرابیتز، آرنتز، پیترز، البستال و هایبرز (۲۰۱۸) نشان دادند طرحواره درمانی گروهی روی بهبود علائم اضطراب و افسردگی گروه تحت درمان گروهی موثر بوده است. هاشمی و افشاری (۱۳۹۷) نشان دادند طرحواره درمانی یانگ به طور معناداری منجر به کاهش رفتارهای ایذایی دانش‌آموزان می‌گردد. رهبرکرباسدهی، ابوالقاسمی و رهبرکرباسدهی (۱۳۹۸) اثربخشی طرحواره درمانی بر تاب‌آوری روان‌شناختی و توانمندی اجتماعی دانش‌آموزان با نشانه‌های افسردگی را نشان دادند. همچنین پژوهش نیمادیک، المبرث و ریس (۲۰۱۷) مبنی بر اثربخشی طرحواره درمانی بر کاهش آسیب‌های بالینی نشان داده شده است. با توجه به مطالب فوق می‌توان دریافت که همجوشی شناختی و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان اقدام‌کننده به خودکشی از اهمیت خاصی برخوردار است، زیرا ضعف عملکرد شناختی و تحصیلی میتواند زمینه‌ساز اختلالات مختلفی مانند اضطراب و افسردگی شود که به خاطر حساسیت مقطع تحصیلی و ارتباط آن با آینده شغلی و اجتماعی افراد مسیر زندگی فرد را دچار تغییر می‌نماید و با توجه به اینکه موضوع فوق از اولویتهای تحقیقاتی معاونت آموزشی سازمان آموزش و پرورش به شمار می‌آید. این مطالعه با هدف تعیین اثربخشی طرحواره درمانی بر همجوشی شناختی و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان دختر اقدام‌کننده به خودکشی انجام شد، بنابراین پرسش اصلی این است که آیا اثربخشی طرحواره درمانی بر همجوشی شناختی و سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان دختر اقدام‌کننده به خودکشی اثر دارد؟

روش شناسی پژوهش

روش تحقیق نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری کلیه دانش‌آموزان دختر شهر اصفهان در سال ۱۴۰۲ که طی دو سال گذشته سابقه اقدام به خودکشی داشتند و به بیمارستان‌های شهر اصفهان اعزام و یا مراجعه کرده بودند، که تعداد آنها برابر با ۲۴۸ نفر بود. در نهایت تعداد ۳۰ نفر از دانش‌آموزان دختر اقدام‌کننده به خودکشی، به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. بدین صورت که پس بررسی پرونده این دانش‌آموزان پرسشنامه افکار خودکشی بک (BSSA) توزیع گردید و افرادی که نمره بالاتری در این آزمون کسب نمودند؛ به عنوان نمونه انتخاب گردیدند. و به صورت کاملاً تصادفی در دو گروه مداخله‌ای و کنترل (هر گروه ۱۵ نفر) قرار گرفتند. معیارهای ورود به پژوهش عبارت بود از: پاسخ مثبت به ۵ سوال اول مقیاس افکار خودکشی بک (BSSA)، سابقه اقدام به خودکشی، عدم

ابتداءً به اختلالات طیف روان پریش، عدم مصرف مواد و داروی ترک در طول دوره پژوهش و جلسات روان درمانی، رضایت آزمودنی ها و داوطلب بودن جهت شرکت در این پژوهش بود. معیارهای خروج از پژوهش نیز عبارت بود از: ۱ - عدم همکاری فرد تا انتهای درمان، ۲- غیبت مکرر (۳ جلسه) در طول دوره درمان. مداخلات طرحواره‌درمانی برای گروه مداخله ۱۰ جلسه ۶۰ دقیقه ای توسط محقق مسئول برگزار گردید. در حالی که گروه کنترل هیچ آموزشی دریافت نکردند. پرسشنامه‌های پژوهش شامل پرسشنامه همجوشی شناختی گیلاندرز و همکاران (۲۰۱۴) و مقیاس سرزندگی تحصیلی دهقانی زاده و حسین چاری (۱۳۹۱) بعنوان پیش‌آزمون و پس‌آزمون اجرا شد. ملاحظات اخلاقی پژوهش حاضر به شرح ذیل بود: ۱. کلیه شرکت‌کنندگان به صورت شفاهی اطلاعاتی در مورد پژوهش دریافت کرده و در صورت تمایل مشارکت کردند. ۲. این اطمینان به آزمودنی‌ها داده شد که تمامی اطلاعات آن‌ها محرمانه خواهد ماند. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۵ صورت گرفت. داده‌ها با روش آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) و تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شدند.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه افکار خودکشی بک (BSSA)

مقیاس افکار خودکشی بک (۱۹۹۱) یک پرسشنامه خودسنجی ۱۹ سؤالی است که به منظور آشکارسازی و اندازه گیری شدت نگرش ها و طرح ریزی برای اقدام به خودکشی تهیه شده است. مقیاس مواردی از قبیل آرزوی مرگ، تمایل به خودکشی فعال و غیرفعال، مدت و فراوانی افکار خودکشی، میزان کنترل خود، عوامل بازدارنده و آمادگی فرد جهت اقدام به خودکشی را می‌سنجد. پرسشنامه دارای ۵ سؤال غربالگری می‌باشد. در صورتی که پاسخ دهنده به ویژه به پرسش شماره ۵ پاسخ مثبت یعنی ۱ و یا ۲ بدهد، لازم است که ۱۴ سؤال باقی مانده را پاسخ دهد، در غیر این صورت نیازی به ادامه نمی‌باشد. نمره صفر یعنی هیچ، نمره یک یعنی تا حدودی و نمره دو یعنی زیاد. مطالعات گذشته نشان دادند، مقیاس افکار خودکشی بک با آزمونهای استاندارد شده افسردگی و گرایش به خودکشی همبستگی بالایی داشته است. ضرایب همبستگی دامنه اش از ۰/۹۰ برای بیماران بستری تا ۰/۹۴ برای بیماران درمانگاهی بود. همچنین همبستگی این مقیاس با سؤال خودکشی پرسشنامه افسردگی بک از ۰/۵۸ تا ۰/۶۹ بود. به علاوه همبستگی مقیاس ناامیدی بک و پرسشنامه افسردگی بک از ۰/۶۴ تا ۰/۷۵ گزارش شده است. همچنین مطالعات نشان دادند که اعتبار این مقیاس با استفاده از روش آلفای کرونباخ ۰/۸۷ تا ۰/۹۷ و با استفاده از روش آزمون- بازآزمون ۰/۵۴ می‌باشد.

۲. پرسشنامه همجوشی شناختی گیلاندرز^۱ و همکاران (CFQ)

این پرسشنامه را گیلاندرز و همکاران (۲۰۱۴) ارائه دادند که حاوی ۱۲ سؤال است که دارای دو زیر مقیاس همجوشی و گسلش است و بر اساس مقیاس ۶ درجه ای لیکرت (از همیشه درست تا هرگز درست نیست) تنظیم شده است (گیلاندرز و همکاران، ۲۰۱۴). زارع (۱۳۹۳) برای هنجاریابی پرسشنامه مذکور، ۳۷۹ نفر از دانشجویان دانشگاه های پیام نور و سنتی را آزمود. نتایج حاکی از این بود که این پرسشنامه از روایی و پایایی مطلوبی برخوردار است؛ به نحوی که ضریب آلفای کرونباخ برای آن ۰/۷۶ به دست آمده است (زارع، ۱۳۹۳).

۳. مقیاس سرزندگی تحصیلی دهقانی زاده و حسین چاری

دهقانی زاده و حسین چاری (۱۳۹۱) پرسشنامه سرزندگی تحصیلی را با الگوگیری از مقیاس سرزندگی تحصیلی مارتین و مارش که دارای ۴ گویه است، توسعه دادند. این ابزار دارای ۹ گویه می باشد و درجه موافقت یا مخالفت پاسخ دهنده را در دامنه پنج درجه ای از ۱ (کاملاً مخالف) تا ۵ (کاملاً موافق) می سنجد. حاصل جمع نمرات هر فرد در مجموع ۹ گویه، یک نمره کلی برای او به دست می دهد که نشان دهنده میزان سرزندگی تحصیلی او است. به این ترتیب نمره محتمل برای هر فرد بین ۹ تا ۴۵ خواهد بود. دهقانی زاده و حسین چاری برای احراز روایی این پرسشنامه از تحلیل مؤلفه اصلی با چرخش متعامد واریماکس استفاده کردند. بار عاملی گویه بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۴ بود. همچنین نتایج آزمون های میزان کفایت نمونه برداری (KMO) ۰/۸۳ و آزمون کرویت بارتلت (۳۶۰/۶۱۱) نشان از وجود شواهد کافی برای انجام تحلیل عامل بود. نمودار سنگ ریزه و مقادیر ارزش های ویژه بالاتر از یک نشان داد که یک عامل قابل استخراج است. در مجموع ۹ گویه مذکور ۳۷ درصد واریانس متغیر سرزندگی تحصیلی را تبیین کردند. اعتبار این ابزار نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ و باز آزمایی به ترتیب ضرایب ۰/۸۰ و ۰/۷۳ به دست آمد. در پژوهش فرهادی و همکاران (۱۳۹۵) پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ۰/۸۶ به دست آمده است.

۴. خلاصه محتوای جلسات طرحواره درمانی

جلسه اول تا سوم

هدف این جلسات، سنجش مشکلات بیمار، ارزیابی طرحوارهها و سبک های مقابله ای و فرمول بندی مشکل طبق رویکرد طرحواره درمانی است. مدل طرحواره درمانی به زبانی ساده و شفاف به بیمار آموزش داده میشود. علاوه بر این اهداف درمان توضیح داده شد. در سه جلسه ابتدایی تکالیفی مثل مطالعه بروشور آشنایی با طرحواره درمانی، پرسشنامه های طرحواره و پرسشنامه سرگذشت چند وجهی زندگی در اختیار بیمار قرار میگیرد. تمامی اطلاعات به دست آمده در فرم مفهوم سازی مشکل بیمار طبق رویکرد طرحواره درمانی جمع بندی می شود.

جلسات سوم تا پنجم

این جلسات با هدف شناسایی و چالش با طرحوارهها در سطح شناختی انجام میشود و هر جلسه به بحث و تبادل نظر پیرامون طرحوارهها و آموزش تکنیکهای شناختی اختصاص مییابد. در روند رویکرد طرحواره درمانی نیز تکالیفی به بیماران واگذار میشود. در این شش جلسه به آموزش تکنیکهای شناختی، پرداخته میشود؛ مثل آزمون اعتبار طرحواره، تعریف جدید از شواهد تأیید کننده طرحواره، ارزیابی مزایا و معایب سبکهای مقابله ای، برقراری گفتگو بین جنبه سالم و جنبه طرحواره، تدوین کارت آموزشی و تکمیل فرم ثبت طرحواره.

جلسات ششم و هفتم

هدف اصلی این جلسات به کارگیری تکنیکهای هیجانی (تجربی) است تا بیماران بتوانند به ریشه های تحول طرحوارهها در سطح هیجانی پی ببرند. هر جلسه به نقد و بررسی تکالیف جلسات قبل پرداخته می شود. در این شش جلسه به آموزش تکنیکهای تجربی (هیجانی) پرداخته می شود؛ مثل انجام گفتگوهای خیالی، با والدینی در حین کار با تصاویر ذهنی، تصویرسازی وقایع آسیب زا، نوشتن نامه و تصویر سازی ذهنی به منظور الگوشکنی رفتاری.

جلسات هشتم تا دهم

هدف این جلسات، ترغیب بیماران برای رها کردن سبک های مقابله ای ناسازگار و تمرین رفتارهای مقابله ای کارآمد به منظور ارضاء نیازهای هیجانی اساسی است. در این جلسات، پیرامون چگونگی رها سازی رفتارهای مقابله ای ناسازگار به بحث و تبادل نظر و آموزش تکنیک پرداخته میشود. تکالیف خانگی این جلسات حول محور الگوشکنی رفتاری دور میزند و بستگی به چگونگی پیشرفت بیمار در این مرحله دارد. در این جلسات به آموزش تکنیک های الگوشکنی رفتاری پرداخته می شود مثل تصویرسازی موقعیت های مشکل آفرین، اولویت بندی رفتارها، تغییر رفتار، انگیزه آفرینی، پی بردن به ریشه های تحولی رفتارها در دوران کودکی، بازنگری مزایا و معایب ادامه رفتار و تمرین رفتارهای سالم.

نتایج

در این پژوهش در گروه آزمایش در محدوده سنی زیر ۱۵ سال ۴ نفر (۲۶/۷ درصد) در گروه سنی ۱۵ تا ۱۷ سال ۴ نفر (۲۶/۷ درصد) و در گروه سنی بالای ۱۷ سال نیز ۷ نفر (۴۶/۷ درصد) حضور داشتند. در گروه کنترل و در محدوده سنی زیر ۱۵ سال ۵ نفر (۳۳/۳ درصد)، در محدوده سنی ۱۵ تا ۱۷ سال ۵ نفر (۳۳/۳ درصد) و در محدوده سنی بالای ۱۷ سال ۵ نفر (۳۳/۳ درصد) حضور داشتند.

نتایج آمار توصیفی (میانگین و انحراف استاندارد) در مرحله پیش آزمون و پس آزمون در جدول ۱ بیان شده است.

جدول ۱. نمرات گروه کنترل و آزمایش در متغیرهای همجوشی شناختی و سرزندگی تحصیلی

گروه	متغیر	آزمایش		کنترل	
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
همجوشی شناختی	پیش آزمون	۲۶/۸۷	۵/۹۴	۲۷/۴۰	۵/۶۱
	پس آزمون	۴۴/۵۳	۶/۷۲	۲۸/۰۷	۵/۹۳
سرزندگی تحصیلی	پیش آزمون	۷۰/۱۳	۹/۱۱	۷۱/۴۰	۹/۳۷
	پس آزمون	۹۷/۸۰	۱۱/۴۶	۷۰/۵۳	۸/۹۹

قبل از تحلیل کوواریانس، پیش فرض های آن مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به عدم معناداری اندازه آزمون موچلی برای مولفه بهزیستی روان شناختی، مفروضه کرویت موچلی برقرار است. فرض کرویت موچلی رد نشده و می توان کرویت در واریانس ها را برای مدل تحلیل واریانس در نظر گرفت. نتایج آزمون ام باکس نشان داد که سطح معنی داری از ۰/۰۵ بیشتر است؛ بنابراین فرض همگنی ماتریس های واریانس - کوواریانس رعایت شده است. نرمال بودن داده ها نیز با آزمون شاپیرو-ویلکز مورد بررسی قرار گرفت که بالاتر از ۰/۰۵ بود و نشان داد که داده ها نرمال هستند. نتایج آزمون لوین نیز نشان داد که سطح معنی داری به دست آمده بزرگ تر از ۰/۰۵ می باشد؛ بنابراین شرط همگنی واریانس خطاها هم رعایت شده است. نتایج تحلیل کوواریانس در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج تحلیل کوواریانس برای بررسی همجوشی شناختی و سرزندگی تحصیلی در دو گروه

متغیر	منابع تغییرات	SS	df	MS	F مقدار	P	Eta
همجوشی شناختی	بین گروهی	۳۸۷/۶۵۴	۱	۳۸۷/۶۵۴			
	درون گروهی	۶۶۳/۰۶۸	۲۸	۲۳/۶۸۱	۱۶/۳۷	۰/۰۰۱	۰/۵۷
	کل	۱۰۵۰/۷۲۲	۲۹	۳۶/۲۳			
سرزندگی تحصیلی	بین گروهی	۲۵۷/۱۵۹	۱	۲۵۷/۱۵۹			
	درون گروهی	۹۰۷/۹۸۴	۲۸	۳۲/۴۲۸	۷/۹۳	۰/۰۰۱	۰/۴۱۵
	کل	۱۱۶۵/۱۴۳	۲۹	۴۰/۱۷۷			

نتایج جدول ۲، نشان داد که طرحواره درمانی بر همجوشی شناختی و سرزندگی تحصیلی دانش آموزان دختر اقدام کننده به خودکشی موثر بود ($P < 0/01$).

بحث و نتیجه گیری

هدف این پژوهش بررسی اثربخشی طرحواره درمانی بر کنجکاوی اجتماعی و سرزندگی تحصیلی دانش آموزان دختر اقدام کننده به خودکشی بود. یافته ها نشان داد که طرحواره درمانی بر کنجکاوی اجتماعی دانش آموزان دختر اقدام کننده به خودکشی موثر بود. این نتایج با نتایج پژوهش های رهبر کرباسدهی، ابوالقاسمی و رهبر کرباسدهی (۱۳۹۸) و آزار، رنر، دیرابیتز، آرنترز، پیترز، البستال و هایبرز (۲۰۱۸) همسو بود. نتایج ناهمسو یافت نشد.

در تبیین این یافته می توان گفت میتوان گفت که افراد برای ایفای نقشهای اجتماعی- روانی- جسمی و به طور کلی حفظ سلامت عمومی خود باید توانایی تفسیر، تحلیل برای و ارزیابی مسائل مختلف را داشته باشند و این امر بدون برخورداری از مهارتهای شناختی امکانپذیر نخواهد بود. هیجانات در ترکیب با افکاری که فرد از تفسیر تجارب خود دارد ممکن است تجارب درونی فرد را غیرقابل تشخیص از واقعیت کنند. پدیده همجوشی شناختی زمانی اتفاق می افتد که فرد در بافت فکری خود گرفتار میشود (فرهادمنش و همکاران، ۱۳۹۶). به باور هیز و همکاران (۲۰۰۶) پذیرش افکار و احساسات همان گونه که هستند منجر به تضعیف همجوشی شناختی میشود و در کنار آن پذیرش رویدادهای درونی، هنگامی شخص در جدال با پریشانیها و آشفتگیهای خود نیست، و به وی اجازه توسعه خزانه رفتاری اش را میدهد و خود را به فعالیت های ارزشمند و هدفمند متعهد مینماید. هر چه میزان همجوشی بالاتر باشد کنترل و تسلط بر محیط زندگی کمتر است و احساس خودکارآمدی، خودباور و بهزیستی روانی پایینتر است و در افرادی که مهارت های شناختی و رفتاری در جهت کنترل رویدادهای فشارزای محیطی ندارند باعث تردید در توانایی های خود و افسردگی در آنان میشود. دانش آموزان دارای همجوشی بالا از امید به زندگی و کیفیت زندگی پایینتری برخوردار هستند و احتمال افسردگی در آنان بالاتر

است. همجوشی شناختی فرایندی است که انعطاف‌پذیری روانی را تهدید میکند و بدین ترتیب فرد را در معرض افکار خودکشی قرار میدهد. بنابراین طرحواره درمانی تکنیک‌هایی را بکار می‌برد تا دیدگاه فرد در مورد مفید بودن شیوه‌های مقابله و مواجهه با افکار و هجانات را تغییر دهد و فرد را به سمت تجربه هیجانی اصلاحی هیجانات ناخوشایند و پذیرش آنها سوق دهد تا درمانجو، در مقابله با هیجاناتش، احساس خودکنترلی و درنهایت تنظیم هیجانی بیشتری و هم جوشی شناختی پایین‌تر داشته باشد. دیگر یافته این پژوهش نشان داد که طرحواره‌درمانی بر سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان دختر اقدام‌کننده به خودکشی موثر بود. این نتایج با نتایج پژوهش (پرینگر و تال، ۲۰۱۶) همسو بود. نتایج ناهمسو یافت نشد.

در تبیین این یافته میتوان گفت رویکرد طرحواره‌محور به دلیل کار کردن بر درون مایه‌های روانشناختی یا همان طرحواره‌های ناسازگار اولیه در افرادی که دید منفی نسبت به خود، تواناییها، عواطف و هیجانات خود دارند، در اصلاح باورها و افکار آنها مفید است (پرینگر و تال، ۲۰۱۶). بر همین اساس در بعد عاطفی و بیان عواطف، طرحواره‌درمانی با استفاده از راهبردهای تجربی باور شناختی را که به باور هیجانی گره خورده است، به چالش میکشد تا تخلیه هیجانی، نیازهای هیجانی ارضا نشده را که به شکل‌گیری طرحواره‌های ناسازگار منجر شده است، بشناسد. این آگاهی سبب میشود تا دانش‌آموزان دختر اقدام‌کننده به خودکشی با بهره‌گیری از طرحواره‌درمانی بتوانند به شکلی بهتر، عواطف، احساسات و هیجانات خود را مدیریت نمایند. این فرآیند سبب رهایی این دانش‌آموزان از مشکلات عاطفی و هیجانی درونی شده و زمینه را برای موفقیت در دیگر فرآیندها همچون بهبود سرزندگی تحصیلی مهیا میسازد.

با توجه به نتایج تحلیل انجام شده، پردازش هیجانی در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با درگیری تحصیلی در دانش‌آموزان اثر دارد، و این نتایج در جهت روابط این متغیرها با یکدیگر همسو با یافته‌های جریحی، نیلی، نوروزی و سعدی‌پور (۱۳۹۸)، قنبری، قنبری طلب و نادری لردجانی (۱۳۹۴)، مارنگو، لانگینریچسن، کلیبرت، لوه‌رین، وارن و ساملی (۲۰۱۸)، هیمیچی، هاشوری و مایاک (۲۰۱۸)، در جهت روابط بین پردازش هیجانی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با درگیری تحصیلی در دانش‌آموزان می‌باشد.

طرحواره‌های ناسازگار اولیه به ساختارهای روان‌شناختی، وقایع و فرآیندهایی اشاره دارد که در کنترل، اصلاح و تفسیر تفکر تداخل دارند (مارنگو و همکاران، ۲۰۱۸). این حالات از طریق فرآیندهایی همچون، نظارت منفی، بر پردازش شناختی انسان اثرگذار بوده، در تعامل با شیوه پردازش اطلاعات فرد از عملکرد می‌کاهد یا در آسیب‌پذیری نسبت به آشفتگی‌ها نقش دارد (عبدالله زاده و همکاران، ۱۳۹۱). فعال شدن طرحواره‌های حوزه بریدگی و طرد مانند طرحواره شرم/نقص با کاهش توانمندی فراشناختی دانش‌آموز مرتبط است؛ به این معنا که حساسیت تشدید یافته دانش‌آموز نسبت به موضوع‌های راه‌انداز نیازهای ارضا نشده امنیت، محبت، احساس همدلی و پذیرش با کاهش مهارت‌های فراشناختی مرتبط است (برانون و همکاران، ۲۰۱۵).

این پژوهش با محدودیت‌هایی روبرو بود مثل محدود شدن پژوهش به دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه شهر اصفهان و استفاده از پرسشنامه خودگزارش‌دهی بود. پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های انجام گرفته در این حیطه در حوزه‌های گسترده‌تر و با نمونه‌هایی از جامعه‌های مختلف و بزرگ‌تر انجام پذیرد تا نتایج، قابلیت تعمیم بیشتری داشته باشد.

درمان گران و روانشناسان با توجه به تاثیرات طرحواره درمانی جهت کاهش همجوشی شناختی و بهبود سرزندگی تحصیلی دانش آموزان دختر اقدام کننده به خودکشی استفاده نمایند.

تشکر و قدردانی

این مقاله برگرفته از رساله دکترای نویسنده اول است. نویسندگان از تمامی دانش آموزان شرکت کننده در پژوهش بابت همکاری در این پژوهش تشکر می نمایند.

منابع

- افشاری، علی و هاشمی، زهره (۱۳۹۷). اثربخشی طرحواره درمانی بر رفتارهای ایذایی دانش‌آموزان مبتلا به اختلال‌های یادگیری. مجله علمی-پژوهشی ناتوانی های یادگیری. ۷(۴): ۷-۲۰.
- حیدری، آرمان، رسائی‌پور، کیهان. (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی و روان‌شناختی مؤثر بر گرایش به خودکشی: نمونه موردی زنان ۱۶ تا ۴۰ ساله شهر یاسوج. بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۴(۲)، ۲۰۹-۲۳۳.
- دهقانی زاده، محمدحسین، حسین چاری، مسعود. (۱۳۹۱). سرزندگی تحصیلی و ادراک از الگوی ارتباطی خانواده؛ نقش واسطه ای خودکارآمدی. مجله مطالعات آموزش و یادگیری، ۴(۲)، ۲۱-۴۷.
- رهبرکریاسدهی، ف.، ابوالقاسمی، ع. و رهبرکریاسدهی، ا. (۱۳۹۸). اثربخشی طرحواره‌درمانی بر تاب‌آوری روانشناختی و توانمندی اجتماعی دانش‌آموزان با نشانه‌های افسردگی، مطالعات روانشناختی، ۱۵(۴)، ۷۳-۹۰.
- زارع، حسین (۱۳۹۳). هنجاریابی مقیاس اجتماعی همجوشی شناختی گیالندرز بر اساس الگوی بوهرنستات. فصلنامه پژوهشهای روانشناسی اجتماعی، ۴(۱۵)، ۱۷-۲۸.
- فرهادمنش، نگین. طاهری، الهام. و امیری، مهدی. (۱۳۹۶). اثربخشی شناخت درمانی مبتنی بر ذهن آگاهی بر حساسیت اضطرابی و تنظیم هیجان. پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره (مطالعات تربیتی و روان شناسی)، ۷(۲)، ۱۲۲-۱۰۵.
- فرهادی علی، قدم پور عزت اله، خلیلی گشنیگانی زهرا (۱۳۹۵). پیش‌بینی سرزندگی تحصیلی بر اساس درگیری شناختی، انگیزشی و رفتاری دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان. دوماهنامه علمی- پژوهشی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی؛ ۹(۴): ۲۶۰-۲۶۵.
- نوری، رضا. فتحی آشتیانی، علی. سلیمی، حسین. سلطانی نژاد، عبدا... (۱۴۰۱). عوامل زمینه‌ساز خودکشی در سربازان یک نیروی نظامی. طب نظامی، ۱۴(۲)، ۹۹-۱۰۳.

Bluett, Ellen J., "Effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy as a Treatment for Posttraumatic Stress Disorder and Moral Injury" (2017). All Graduate Theses and Dissertations. 5892.

Coughlan, H. Tied, L, Clark, M. Kelleher, I. Tabish, J. Molloy, C. Harley M. Cannon, M. (2014). Prevalence of DSM-IV mental disorder, deliberate self-harm and suicidal ideation in early adolescence: An Irish population- based study. Journal of adolescence. 37(1): 1-9.

Gillanders DT, Bolderston H, Bond FW, Dempster M, Flaxman PE, Campbell L, Kerr S, Tansey L, Noel P, Ferenbach C, Masley S, Roach L, Lloyd J, May L, Clarke S, Remington B.(2014). The development and initial validation of the cognitive fusion questionnaire. Behav Ther.;45(1):83-101.

- Gillanders, D; Ashleigh, K.S; Margaret, M. & Kirsten, J. (2015). "Illness cognitions, cognitive fusion, avoidance and self-compassion as predictors of distress and quality of life in a heterogeneous sample of adults, after cancer". *J Contextual Behav Sci*, 4, 300-311.
- Hayes, S. C., Luoma, J. B., Bond, F. W., Masuda, A., & Lillis J. (2006). Acceptance and commitment therapy: model, processes and outcomes. *Behav Res Ther*. 44(1):1-25.
- Katz, L. S. (2019). Holographic reprocessing couple therapy with military couples. In P. J. Pitta & C. C. Datchi (Eds.), *Integrative couple and family therapies: Treatment models for complex clinical issues* (p. 137–156).
- Khasho, D.A., Van Alphen, S.P.G., Heijnen-Kohl, S.M.J., Ouwens, M.A., Arntz, A., Videler, A.C. (2019). The effectiveness of individual schema therapy in older adults with borderline personality disorder: Protocol of a multiple-baseline study. *Contemporary Clinical Trials Communications*, 14(2), 321-330.
- Martin, A., Marsh, F (2018). 24. Calvete E, Orue I, Hankin BL. Early maladaptive schemas and social anxiety in adolescents: The mediating role of anxious automatic thoughts. *J Anxiety Disord* 2013; 27: 278-88.
- Nenadic, I., Lamberth, S., Reiss, N. (2017). Group schema therapy for personality disorders: A pilot study for implementation in acute psychiatric in-patient settings. *Psychiatry Research*, 253, 9-12.
- Prenger, R., Taal, E. (2016). The effects of mindfulnessbased stress reduction therapy on student disease: A metaanalysis. *Journal of Psychosomatic Research*, 86(6), 539-544.
- Pugh, M. (2015). A narrative review of schemas and schema therapy outcomes in the eating disorders. *Clinical Psychology Review*, 39(15), 30-41.
- Renner, F., DeRubeis, R., Arntz, A., Peeters, F., Lobbestael, J., Huibers, M.J.H. (2018). Exploring mechanisms of change in schema therapy for chronic depression. *Journal of Behavior Therapy and Experimental Psychiatry*, 58, 97-105.
- Sarah, M., Paul, C., & Lisa. K. M. (2013). Well-being, Academic buoyancy and educational achievement in primary school student. *International Journal of Educational Research*, 62, 239-248.

The effectiveness of schema therapy on cognitive fusion and academic vitality of female students committing suicide

Marzieh Jamshidi¹, Parvin Ehteshamzadeh², Marzieh Talebzadeh Shoushtari³, Reza Pasha⁴, Sasan Bavi⁵

Abstract

Suicide is a complex social consequence and it is an increasing problem among female students, so the aim of the present study was the effectiveness of schema therapy on cognitive fusion and academic vitality of female students committing suicide. The current research was a semi-experimental type with a pre-test and a post-test with a control group. The statistical population included all secondary school female students in Isfahan city in 2023 who had a history of suicide in the last two years. Among them, 30 people were selected by the available sampling method and were replaced randomly and by lottery in two experimental and control groups (15 people in the experimental group and 15 people in the control group). The experimental group received schema therapy (10 sessions) and one session every week for 60 minutes, and the control group did not receive any intervention during this period. The research questionnaires included the cognitive fusion questionnaire of Gillanders et al. (2014) and the academic vitality scale of Dehghanizadeh and Hossein Chari (2011). For data analysis, univariate covariance analysis was used with SPSS version 25 software. The results showed that schema therapy was effective in reducing cognitive fusion and increasing academic vitality in the post-test phase ($p < 0.001$). The findings of the present study can be used in selecting and designing the most appropriate therapeutic approach to reduce suicidal thoughts of female students with psychological distress.

Key words: schema therapy, cognitive fusion, academic vitality, students, suicide.

1. PhD. student in Psychology, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

2. (Corresponding author) Associate Professor, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

3 Assistant Professor, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

4 Associate Professor, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

5. Assistant Professor, Department of Psychology, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت

سحر واقفی^۱، سعید جهانیان^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۷/۰۲ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۰۲۱۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت انجام شد. طرح پژوهشی حاضر همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل مراجعه کننده به مراکز خدمات مشاوره و روانشناسی واقع در منطقه ۸ شهر تهران در بهار سال ۱۴۰۲ بود. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد و براساس فرمول کلاین تعداد ۲۵۰ نفر انتخاب گردید. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه گرایش به طلاق روزلت جانسون و مورو (۱۹۸۶)، پرسشنامه نگرش به خیانت واتلی (۲۰۰۸)، پرسشنامه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنایی، ذاکر و دیگران (۱۳۸۷) استفاده گردید. یافته‌ها نشان داد که تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت نقش واسطه‌ای دارد. همچنین متغیر برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی علاوه بر اثر مستقیم و معنادار بر متغیر درونزاد گرایش به خیانت با ضریب استاندارد بتا ۰/۳۵۲ دارای اثر غیر مستقیمی بر این متغیر از راه میانجی‌گری متغیر تعارضات زناشویی نیز با ضریب استاندارد ۰/۱۹۳ می‌باشد. همچنین میزان برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی بدون آنکه اثر مستقیم و معناداری بر متغیر درونزاد نهای گرایش به طلاق داشته باشد، دارای اثر غیر مستقیم با ضریب استاندارد ۰/۱۰۹ با میانجی‌گری تعارضات زناشویی است. نتایج نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر تعارضات زناشویی تاثیر معنادار دارد. همچنین در خصوص تعارضات زناشویی بر گرایش به طلاق و خیانت که تعارضات زناشویی بر گرایش به طلاق تاثیر معنادار دارد و فرضیه تایید می‌گردد. در خصوص استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به خیانت نیز نتایج نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به خیانت تاثیر معنادار دارد. نتایج در خصوص تعارضات زناشویی بر گرایش به خیانت نتایج نشان داد تعارضات زناشویی بر گرایش به خیانت تاثیر معنادار دارد و فرضیه تایید می‌گردد. در نهایت نتایج نشان داد تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت نقش واسطه‌ای دارد و فرضیه تایید می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: تعارض زناشویی، گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی، گرایش به طلاق و خیانت

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشکده روانشناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مقدمه

خانواده^۱ را می‌توان اساسی‌ترین نهاد جامعه در کلیه جوامع بشری، پایه و اساس اجتماع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ انسان دانست (صادقی و عرفان منش، ۲۰۱۳). اگر نهاد خانواده در جامعه از سلامت برخوردار باشد، می‌توان گفت که آن جامعه نیز به سمت سلامت پیش خواهد رفت. به گونه‌ای که می‌توان اذعان کرد که سلامت یا عدم سلامت یک خانواده تضمین کننده شکوفایی یا فروپاشی یک جامعه است (کوهن^۲ و استرانگ^۳، ۲۰۲۰). نهاد خانواده با ازدواج شکل می‌گیرد. ازدواج را می‌توان یکی از اساسی‌ترین و ممتازترین رسوم مدنی دانست که افراد جهت ارضای نیازهای عاطفی، جنسی و امنیت به سمت آن سوق پیدا می‌کنند. ازدواج را می‌توان شکلی از روابط انسانی در نظر گرفت که عملکردی پویا دارد و اگر ازدواج سلامت و روابط در آن صمیمی و سازنده باشد؛ باعث شکوفایی و توسعه فردی در اعضا می‌شود (فریر^۴، ۲۰۲۰).

خانواده در دهه‌های اخیر به گونه‌ای روزافزون با مخاطرات زیادی مواجه بوده است. بسیاری از خانواده‌ها در عملکردهای احساسی، شناختی و اجتماعی دچار اختلال شده‌اند که این خود موجب شده است اعضای خانواده رضایت کمتری را تجربه کنند. عدم رضایت در خانواده افراد را به سمت اختلالات روانی و ناپهنجاری‌های اجتماعی سوق می‌دهد و این خود می‌تواند موجب طلاق^۵ شود (ونگ^۶ و دیگران، ۲۰۱۵). طلاق در واقع تحت عنوان گسستن اساسی‌ترین نهاد جامعه یعنی خانواده تعریف می‌شود. در واقع طلاق را عملی قانونی نیز می‌توان در نظر گرفت چرا که پایان رابطه زناشویی زیر نظر سازمان‌های مربوطه ثبت می‌شود (هارکونن^۷، ۲۰۱۴). طلاق را می‌توان از جنبه‌های مختلف بررسی نمود. اولین جنبه روانی است چرا که این عمل باعث ایجاد مشکلات روانشناختی در اعضای خانواده و حتی بستگان و دوستان می‌شود، دومین جنبه، جنبه اقتصادی می‌باشد؛ چرا که از لحاظ مالی مشکلاتی برای اعضا ایجاد می‌شود (ونگر^۸، ۲۰۲۰) و جنبه بعد، اجتماعی است، زیرا این عمل بر اساس فرهنگی که در جامعه حاکم است به اشکال گوناگون در جامعه تعبیر می‌شود (گاتمن^۹، ۲۰۱۴). باید در نظر داشت پس از ازدواج بیشتر افراد از خود و همسرشان انتظار دارند که در طول ازدواجشان از نظر جنسی و عاطفی وفادار بمانند. زمانی که فردی ازدواج می‌کند انتظار دارد که در یک رابطه وفادارانه قرار بگیرد و شریک زندگی فرد چه از لحاظ جنسی و چه عاطفی وفادار باشد. همچنین وفاداری از نظر جامعه نیز امری با اهمیت تلقی می‌شود و داشتن رابطه^{۱۰} بیرون از ازدواج عموماً یک رفتار مذموم برشمرده می‌شود. یکی از معضلاتی که اغلب زوج‌ها را به روان درمانی و در مرحله آخر طلاق سوق می‌دهد داشتن روابط خارج از محدوده ازدواج یا همان خیانت^{۱۱} است (کلایتون^{۱۲}، ۲۰۱۴). عمده‌ترین و با اهمیت‌ترین عاملی که موجب بی‌ثباتی کارکرد خانواده و اختلال در روابط زناشویی می‌باشد، خیانت زناشویی است. این امر خانواده را با مشکلات اساسی رو به رو می‌کند از این رو مورد توجه روانشناسان قرار گرفته شده است (فینچام^{۱۳} و می^{۱۴}، ۲۰۱۷). خیانت زناشویی در زمان تأهل موجب شوک عمیقی به شریک زندگی و خانواده می‌گردد.

1. family
2. Cohen, T. F
3. Strong, B
4. Ferrier, S
5. divorce
6. Wang, Y. H
7. Härkönen, J
8. Wagner, M
9. Gottman, J. M
10. infidelity
11. Clayton, R. B
12. Fincham, F. D
13. May, R. W

خیانت آسیبی است که در زندگی هر زوجی امکان اتفاق آن وجود دارد (فای^۱ و میمز^۲، ۲۰۱۹). این امر باعث می شود که همسر فرد و به طور کل تمام خانواده ضربه انکار ناپذیری ببینند. خیانت را می توان شکلی از رابطه احساسی یا جنسی که با شخصی جز شریک زندگی برقرار می شود تعریف نمود، لازم به ذکر است که این عمل به صورت پنهانی انجام می شود (اروج^۳ و انجم^۴، ۲۰۱۵). به تعبیر دیگر خیانت، برقراری رابطه جنسی یا وقف منابع عاطفی مانند عشق، زمان و توجه به فردی غیر از شریک زندگی است. معمولاً خیانت عاطفی از خیانت جنسی جدا در نظر گرفته می شود اما نمی توان مرز مشخصی میان این دو در نظر گرفت چرا که عموماً باهم اتفاق می افتند (گیترو^۵ و دیگران، ۲۰۱۷). این امر آثار ویرانگری را دربر دارد و از اساسی ترین عوامل عدم رضایت زناشویی و بنیان تعارضات زناشویی (شیرن^۶ و دیگران، ۲۰۱۸) و طلاق در نظر گرفته می شود (بورست^۷، ۲۰۱۵). از طرف دیگر عوامل متعددی می توانند موجب بروز طلاق و خیانت زناشویی شوند، یکی از این عوامل استفاده از شبکه های اجتماعی^۸ است (ویدیانتری^۹ و دیگران، ۲۰۱۹).

شبکه های اجتماعی یکی از عواملی هستند که می توانند بستر ساز شرایطی باشند که خیانت زناشویی اتفاق بیفتد و موجب کم شدن روابط و حتی طلاق شوند (مک دانیل^{۱۰} و دیگران، ۲۰۱۷). در سال ۱۹۶۰ دانشگاه ایلی نیوز آمریکا اولین بار بحث شبکه های اجتماعی عنوان شد و پس از آن در سال ۱۹۹۷ نخستین سایت شبکه اجتماعی با نام سیکس دیگریس^{۱۱} راه اندازی شد (فتحی و دیگران، ۱۳۹۳). شبکه اجتماعی با حضور اورکات در بین کاربران ایرانی در سال ۲۰۰۷ فراگیر شد و در زمان کمی آنقدر رشد کرد که پس از برزیل و آمریکا، ایران سومین کشور حاضر در اورکات شد (مجردی و دیگران، ۱۳۹۳). ارتباط، بخصوص ارتباطی که از عمق برخوردار باشد برای اغلب انسان ها خوشایند است، زمانی که فرد نتواند با دیگری ارتباط برقرار کنند احتمال این که افسرده شوند بسیار بالا می رود (کلاس^{۱۲} و دیگران، ۲۰۲۰). در دنیای کنونی بخصوص از زمانی که تکنولوژی در زندگی روزمره نقش پررنگی یافت؛ مفهوم و الگوهای ارتباطی پیشین خانواده شکلی تازه به خود گرفته اند و از محدوده تعاریف کهنه خارج شده اند، دگرگونی های ایجاد شده بخصوص افزایش گرایش افراد به استفاده از فضای مجازی موجب شده است که خانواده ها با چالش های بسیاری مواجه شوند و عملکرد آن ها مختل شود (رحیمی و دیگران، ۱۳۹۶). زمانی که افراد یک خانواده بیش از حد به اینترنت و شبکه های اجتماعی می پردازند، روابط اعضا دچار خلل می شود و افراد از یکدیگر فاصله می گیرند و فضای خانواده به گونه ای می شود که علی رغم این که افراد در کنار هم زندگی می کنند اما با یکدیگر تعامل کمتری خواهند داشت؛ عاطفه کمتری به یکدیگر نشان می دهند و ارتباطات کم عمق تری برقرار خواهند کرد (رید چاسیاکوس^{۱۳} و دیگران، ۲۰۱۶). آمارها حاکی از آن است که اعتیاد به اینترنت می تواند باعث بروز تعارضات و مشکلاتی در نظام خانواده و روابط زناشویی شود که پدیده طلاق عاطفی و در نهایت طلاق قانونی از نتایج چنین مشکلاتی است (پیکانیان و فرهادی، ۱۳۹۶). شبکه اجتماعی ممکن است منجر به افزایش خیانت زناشویی شود که خیانت خود از عوامل عمده نارضایتی زناشویی و همچنین دلیل اصلی درگیری ها و ناسازگاری ها و تعارضات

-
1. Fye, M. A
 2. Mims, G. A
 3. Urooj, A
 4. Anjum, G
 5. Guitar, A. E
 6. Scheeren, P
 7. Borst, J. B
 8. social media
 9. Widiantari, M. M
 10. McDaniel, B. T
 11. six degrees
 12. Keles, B
 13. Reid Chassiakos, Y. L

زناشویی و جنسی می‌باشد (صحنی^۱ و جین^۲، ۲۰۱۸) و همچنین یکی از شاخص‌ترین موانع در روابط زناشویی و طلاق محسوب می‌شود (نورسیفا^۳، ۲۰۲۰).

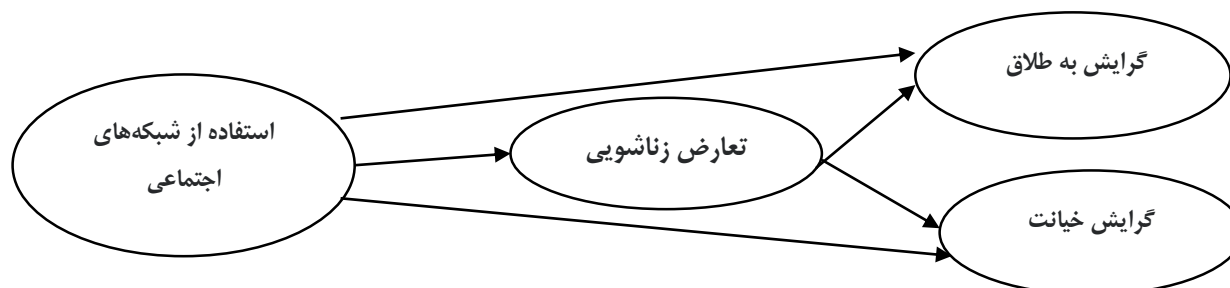
اگرچه شبکه‌های اجتماعی احساسات مثبتی را برای مردم به ارمغان می‌آورد؛ اغلب موجب دگرگونی‌هایی می‌شود که نتایج چشمگیری به دنبال خواهد داشت؛ یکی از با اهمیت‌ترین این نتایج تعارض زناشویی است (فرانکل^۴ و دیگران^۵، ۲۰۱۵). زمانی که دو نفر به صورت زن و شوهر در کنار هم هستند، به علت ماهیت تعامل آن‌ها، تعارض امری اجتناب ناپذیر می‌شود، مواقعی وجود دارد که زوجها با یکدیگر اختلاف نظر دارند و قادر نیستند نیازهای هم را برآورده سازند و این خود موجب بروز خصومت و تعارض خواهد شد. تعارض زناشویی شکلی از روابط زناشویی است که در آن رفتارهای قهرآمیز مثل اهانت و سرکوفت، عیب جوئی و حمله بدنی وجود دارد و همسران نسبت به هم احساس کینه توزی، تنفر و غضب دارند و هر یک معتقدند که دیگری فرد ناپسند و ناپهنجاری است که باعث آزار و زحمت او می‌شود (علی^۶ و دیگران^۷، ۲۰۲۲). تعارض زناشویی از نظر کیکولت گلاسر و دیگران (۱۹۹۳) برآمده از ناهماهنگی همسران در نوع نیازها، شیوه‌های برطرف کردن آن‌ها، خودپسندی، تفاوت در خواسته‌ها و رفتارهای غیرمسئولانه نسبت به روابط زناشویی و ازدواج است (به نقل از کیکولت گلاسر^۸، ۲۰۱۸). زمانی که تعارض‌های زناشویی شدید شود ممکن است پیامدهایی چون طلاق قانونی یا عاطفی (پیکانیان و فرهادی، ۱۳۹۵) و خیانت زناشویی را به دنبال داشته باشد (عطاپور و دیگران^۹، ۲۰۲۱). به نظر می‌رسد با تغییراتی که به واسطه رشد و پیشرفت تکنولوژی و در ادامه آن گسترش فعالیت در شبکه‌های مجازی، نهاد خانواده به عنوان یکی از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین بخش یک جامعه در معرض آسیب‌های بسیاری از جمله طلاق و خیانت قرار گرفته است. همچنین با توجه به مطالب عنوان شده، تعارض‌های زناشویی عنصری است که می‌تواند در تشدید و بروز این ناپهنجاری‌ها نقش داشته باشد (گنجی و دیگران^{۱۰}، ۱۳۹۴).

فریبرز، ساروخانی و حضرتی صومعه (۱۴۰۰) در پژوهشی نشان دادند که بین متغیر مستقل اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی و متغیر وابسته تعارضات زناشویی رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ لیکن اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی از طریق متغیرهای واسطه صمیمیت، از خودبیگانگی، دین داری، سلامت روانی و پایبندی به سنت‌ها و ارزش‌ها بر متغیر وابسته تعارضات زناشویی تأثیرگذار و دارای رابطه‌ای معنادار است که از این بین، متغیر صمیمیت زناشویی (به میزان ۰/۳۶)، دارای بیش‌ترین مقدار ضریب تأثیر می‌باشد. نبی‌آناهیتا و دیگران (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه‌ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین نشان دادند که سلامت خانواده اصلی از طریق تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق رابطه دارد. همچنین مهارت‌های ارتباطی از طریق تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق رابطه دارد و هر یک از متغیرهای تعارضات زوجین و صمیمیت زناشویی با گرایش به طلاق نیز به صورت مستقیم در ارتباط هستند. اولومی^{۱۱} و دیگران (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان رسانه‌های اجتماعی، مبنایی برای بی‌ثباتی زناشویی و خشونت خانگی نشان دادند که شبکه‌های اجتماعی در افزایش تعارضات زناشویی و به خصوص خشونت‌های خانگی نقش مهمی دارند.

1. Sahni, S. P
2. Jain, G
3. Nursyifa, A
4. marital conflict
5. Frankel, L. A
6. Ali, P. A
7. Kiecolt-Glaser, J. K
8. Olawumi, K

گول و دیگران (۲۰۱۹) در پژوهشی به بررسی تأثیر استفاده از رسانه های اجتماعی بر رفتار زوج های متأهل پرداختند. نتایج نشان داد که اعتیاد به استفاده از رسانه های اجتماعی بر بروز اختلافات و برخی احساسات منفی در بین زوجین و همچنین تعارضات زناشویی اثرگذار است. سولیس و دیگران (۲۰۲۲) در پژوهشی رابطه بین تعارض زناشویی و خیانت را در زوج هایی با رفتارهای جنسی پرخطر بررسی کردند. این مطالعه نشان داد که زوج هایی که سطح تعارض زناشویی بالایی دارند، بیشتر از زوج هایی که سطح تعارض زناشویی پایینی دارند، درگیر روابط خارج از ازدواج هستند. آدگبویگا^۳ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر رسانه های اجتماعی بر ثبات زناشویی بزرگسالان متأهل در کلانشهر ایلورین نشان داد که شبکه های اجتماعی با ایجاد حواس پرتی زناشویی، بی توجهی به نقش ها و مسئولیت های زناشویی، ایجاد تعارض بین همسران، تشویق به خیانت زناشویی در میان سایرین، بر ثبات زناشویی بزرگسالان متأهل تأثیر گذاشته است. جانسون و دیگران (۲۰۲۳) نشان دادند که زوج هایی که از استراتژی های مدیریت تعارض خودتنظیم تری مانند ذهن آگاهی و تنظیم هیجانی استفاده می کنند، نسبت به زوج هایی که بیشتر به راهبردهای اجتناب از تعارض یا راهبردهای حل تعارض پرخاشگرانه متکی هستند، کمتر احتمال دارد طلاق بگیرند. نویسندگان پیشنهاد کردند که آموزش راهبردهای خودتنظیمی به زوجها می تواند راهی مؤثر برای کاهش احتمال طلاق در بین زوج هایی باشد که دچار پریشانی زناشویی هستند. فینکل و دیگران (۲۰۲۲) در مطالعه ای نقش شفقت به خود را در کاهش اثرات منفی تعارضات زناشویی بر استعداد طلاق بررسی کردند. این مطالعه نشان داد که سطوح بالاتر شفقت به خود با سطوح پایین تری از تمایل به طلاق، حتی در بین زوج هایی که سطوح بالایی از تعارضات زناشویی را تجربه می کنند، مرتبط است. بنابراین سؤال پژوهش حاضر این است که آیا تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت نقش واسطه ای ایفا می کند؟

بر این اساس، مدل مفهومی پژوهش به شرح زیر تدوین شد.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

1. Gull, H
2. Solis, J. G
3. Adegboyega, L. O
4. Johnson, M. D
5. Finkel, E. J

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر روش پژوهش در زمره پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل مراجعه کننده به مراکز خدمات مشاوره و روانشناسی واقع در منطقه ۸ شهر تهران (شامل: مرکز مشاوره حال خوب، مرکز مشاوره دکتر افخم شکرالهی، مرکز مشاوره دکتر یوسفی، مرکز مشاوره دکتر طلائی) در بهار سال ۱۴۰۲ بود. نمونه گیری به روش در دسترس انجام شد و حجم نمونه بر اساس فرمول کلاین ۲/۵ تا ۵ برابر تعداد ماده‌های ابزارها است. حداقل تعداد نمونه‌ها نیز باید ۲۰۰ باشد (کلاین، ۲۰۱۶). بر اساس پژوهش حاضر، ۱۴ ماده مربوط به پرسشنامه گرایش به طلاق روزلت جانسون و مورو (۱۹۸۶)، ۱۲ ماده مربوط به پرسشنامه نگرش به خیانت واتلی (۲۰۰۸)، ۱۳ ماده مربوط به پرسشنامه استفاده از شبکه‌های اجتماعی و ۴۲ ماده مربوط به پرسشنامه تعارضات زناشویی (ثنایی، ذاکر و دیگران، ۱۳۸۷) است که مجموعاً ۸۱ ماده می‌شود. بر این اساس تعداد حداقل افراد نمونه (با ضرب نمودن ۸۱ در ۲/۵)، ۲۰۲ نفر بود که در این پژوهش در جهت اطمینان حجم نمونه ۲۵۰ نفر در نظر گرفته شد. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه گرایش به طلاق روزلت جانسون و مورو (۱۹۸۶)، پرسشنامه نگرش به خیانت واتلی (۲۰۰۸) و پرسشنامه استفاده از شبکه‌های اجتماعی بودند.

پرسشنامه گرایش به طلاق

معرفی ابزار: این پرسشنامه اولین بار به وسیله روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶)، طراحی شد. این پرسشنامه در ابتدا یک ابزار ۲۸ سوالی بود و سپس سؤالات آن به ۱۴ گویه کاهش یافت که برای ارزیابی زوجین مستعد و متمایل به طلاق به کار می‌رود، که دارای ۴ بُعد است، بعد تمایل برای خارج شدن (متمایل به طلاق)، بعد تمایل به مسامحه، بعد ابزار احساسات و بعد وفاداری است.

شیوه نمره گذاری: هر آیتم به وسیله مقیاس درجه‌بندی ۷ تایی نمره گذاری می‌شود (۱=هرگز، ۲=بندرت، ۳=خیلی کم، ۴=کم، ۵=زیاد، ۶=خیلی زیاد، ۷=همیشه). بنابراین نمره‌های این پرسشنامه با جمع نمرات ماده‌ها به دست می‌آید. به عبارت دیگر کمینه و بیشینه نمره‌های اندازه گیری تمایل یا عدم تمایل به طلاق می‌باشد، که نمره بالا حاکی از میزان بالای تمایل به طلاق در آزمودنی‌ها است.

اعتبار و روایی: روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) در تحلیل آماری این پرسشنامه ضریب آلفا برای بعد خارج شدن (متمایل به طلاق) (۰/۹۱)، بعد ابزار احساسات (۰/۷۶)، وفاداری (۰/۶۳) و بعد مسامحه (۰/۸۶) گزارش کردند. این پرسشنامه توسط داوودی، اعتمادی و بهرامی (۱۳۸۷) در ایران هنجاریابی شد و بر روی ۴۰ زوج اجراء شد که پایایی آن با استفاده از شیوه آلفای کرونباخ برای کل نمونه ۰/۸۸ (۰/۸۹ برای زنان و ۰/۸۷ برای مردان) بدست آمد و میزان آلفای کرونباخ برای خرده مقیاس‌های تمایل برای خارج شدن ۰/۸۹، ابزار احساسات ۰/۹۰، وفاداری ۰/۸۶ و مسامحه ۰/۷۲ بدست آمده است.

پرسشنامه نگرش به خیانت واتلی (۲۰۰۸):

معرفی ابزار: پرسشنامه نگرش به خیانت (روابط فرازناشویی) توسط واتلی (۲۰۰۸) طراحی و اعتباریابی شده است، این پرسشنامه شامل ۱۲ گویه بسته پاسخ بر اساس طیف هفت درجه‌ای لیکرت می‌باشد، این پرسشنامه توسط سیدعلی تبار و دیگران (۱۳۹۴) اعتباریابی شده است.

شیوه نمره گذاری: این پرسشنامه، بر درجه بندی هفت گانه لیکرت صورت بندی شده است؛ کاملاً مخالفم نمره ۱، مخالفم نمره ۲، نسبتاً مخالفم نمره ۳، نه موافق نه مخالف نمره ۴، نسبتاً موافقم نمره ۵، موافقم نمره ۶، کاملاً موافقم نمره ۷ می گیرد. سوالات معکوس این پرسشنامه عبارتند از: ۲ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸ و ۱۲ که به شیوه معکوس نمره گذاری می شوند.

اعتبار و روایی: جهت بررسی روایی این آزمون در ایران، از روایی ملاکی از (نوع واگرا) استفاده شده است. به همین منظور، پرسش نامه جهت گیری مذهبی آلپورت به کار گرفته شد. روایی واگرا با جهت گیری مذهبی درونی، ۰/۲۹ و با جهت گیری مذهبی بیرونی ۰/۱۶ به دست آمد (سیدعلی تبار و دیگران، ۱۳۹۴). آلفای کرونباخ این پرسشنامه در مطالعه عبدالله زاده (۲۰۱۰) ۰/۸۴ تأیید شده است. یافته های پژوهش ویتلی (۲۰۰۸) حاکی از اعتبار مطلوب این نگرش سنج است، به طوری که آلفای کرونباخ حاصل از ضریب همسانی درونی ۰/۸۰ سنجیده شده است. برای تعیین پایایی این مقیاس از دو روش آلفای کرونباخ و ضریب بازآزمایی استفاده شد. ضریب آلفای کرونباخ مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی ۰/۷۱ برآورد شده است. ضریب بازآزمایی حاصل از اجرای این آزمون نیز ۰/۸۷ سنجیده شده است (سیدعلی تبار و دیگران، ۱۳۹۴).

پرسشنامه استفاده از شبکه های اجتماعی:

معرفی ابزار: پرسشنامه میزان استفاده از شبکه های اجتماعی تلفن همراه، به منظور سنجش میزان استفاده از شبکه های اجتماعی تلفن همراه طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۱۳ سؤال می باشد و بر اساس طیف پنج گزینه ای لیکرت با سوالاتی مانند (به طور متوسط در شبانه روز چند ساعت از شبکه های اجتماعی تلفن همراه استفاده می کنید؟) به سنجش میزان استفاده از شبکه های اجتماعی تلفن همراه می پردازد.

شیوه نمره گذاری: مقیاس درجه بندی سوال های پرسشنامه در مقیاس پنج درجه ای لیکرت است.

اعتبار و روایی: روایی پرسشنامه در پژوهش (رسول آبادی، ۱۳۹۴) سنجیده شده است و مورد تأیید بوده است. ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده در پژوهش (رسول آبادی، ۱۳۹۴) برای این پرسشنامه ۰/۷۸ برآورد شد.

پرسشنامه تعارضات زناشویی

معرفی ابزار: ثنایی ذاکر و براتی (۱۳۸۷) با هدف سنجیدن هفت بعد اصلی تعارضات زوجین این پرسشنامه را تدوین کردند. پرسشنامه شامل ۴۲ پرسش بوده بر مبنای تجربیات بالینی استاد راهنمای پژوهش ساخته شده است. این ابزار هفت جنبه یا هفت بعد از تعارضات زناشویی را اندازه می گیرد که عبارت اند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان و جدا کردن امور مالی از یکدیگر.

شیوه نمره گذاری: نمره گذاری به این صورت است که برای هر پرسش پنج گزینه در نظر گرفته شده که به تناسب ۱ تا ۵ نمره به آن ها اختصاص داده شده است. حداکثر نمره کل پرسشنامه ۲۱۰ و حداقل آن ۴۲ است. حداکثر نمره هر خرده مقیاس مساوی با تعداد پرسش های آن خرده مقیاس ضربدر ۵ است. در این ابزار نمره بیشتر به معنی تعارض بیشتر و نمره کمتر به معنی رابطه بهتر است (ثنایی، ۱۳۸۹).

اعتبار و روایی: پرسشنامه تعارضات زناشویی از روایی محتوایی خوبی برخوردار است. در مرحله تحلیل مواد آزمون پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر پرسش با کل پرسشنامه و مقیاس های آن، ۱۳ پرسش از ۵۵ پرسش اولیه حذف شده است (ثنایی، ۱۳۸۹). در پژوهش خزایی (۱۳۸۵) نمرات تمامی مؤلفه های پرسشنامه تعارضات زناشویی از ۰/۳۱ تا ۰/۸۲ با نمره کل تعارض زناشویی در سطح ۰/۰۱

همبستگی معناداری داشتند. دهقان در تحقیق خود برای هنجاریابی پرسشنامه تعارضات زناشویی روی یک گروه ۳۰ نفری بررسی انجام داده و از روش آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۷۱ و برای هفت مؤلفه آن به ترتیب کاهش همکاری ۰/۷۳، کاهش رابطه جنسی ۰/۶۰ افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۴، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۸۱، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۶۵، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۱ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۶۹ به دست آمده است.

بعد از تکمیل پرسشنامه‌ها، ابتدا داده‌های مورد نیاز از پرسشنامه‌ها استخراج شد و سپس مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی شامل فراوانی، درصد، میانگین و انحراف استاندارد و روش آمار استنباطی تحلیل مسیر برای تحلیل داده‌ها استفاده شد.

یافته‌ها

مشخصات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان

در این قسمت مشخصات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان با کمک ابزارهای آمار توصیفی در جدول ۱ گزارش می‌گردد.

جدول ۱- توزیع مشخصات دموگرافیک پاسخ‌دهندگان

متغیر	تعداد	درصد
جنسیت	مرد	۹۲
	زن	۱۵۸
	کل	۲۵۰
گروه سنی	۳۰-۲۵	۴۶
	۳۵-۳۰	۹۹
	۴۰-۳۵	۵۹
	۴۵-۴۰	۳۳
	۵۰-۴۵	۱۳
	کل	۲۵۰
تحصیلات	دیپلم	۱۲۴
	فوق دیپلم	۱۸
	لیسانس	۷۷
	فوق لیسانس	۳۱
	کل	۲۵۰

توصیف داده‌ها

در بخش توصیف داده‌ها به بررسی و توصیف متغیرهای اصلی تحقیق شامل متغیرهای گرایش به طلاق، گرایش به خیانت، تعارضات زناشویی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی همراه با خرده مقیاس‌های این متغیرها در میان افراد متأهل مراجعه کننده به خدمات روان

شناسی و مشاوره به لحاظ آماره های گرایش به مرکز (میانگین)، گرایش به پراکندگی (انحراف معیار) و توزیع نمرات (چولگی و کشیدگی) پرداخته می گردد.

جدول ۲: توصیف و بررسی متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرها	خرده مقیاس ها	کمینه	بیشینه	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
گرایش به طلاق	نمایل به طلاق	۵	۱۵	۹/۸۴	۲/۱۹	۰/۲۷۴	-۰/۱۳۴
	تمایل به مسامحه	۶	۲۶	۱۵/۹۴	۴/۳۹	-۰/۰۰۷	-۰/۳۸۹
	ابراز احساسات	۱۱	۳۴	۲۱/۱۲	۵/۲۴	۰/۴۹۲	-۰/۰۲۵
	وفاداری	۳	۱۵	۷/۷۶	۲/۴۳	۰/۱۹۸	۰/۵۰۳
	نمره کل گرایش به طلاق	۳۵	۷۵	۵۴/۶۶	۸/۲۰	۰/۰۱۱	-۰/۴۴۵
گرایش به خیانت	نمره کل گرایش به خیانت	۳۰	۵۵	۴۰/۰۶	۴/۹۵	۰/۷۵۹	۰/۷۴۱
	کاهش همکاری	۱۳	۲۳	۱۷/۳۸	۲/۴۴	۰/۲۰۹	-۰/۶۷۷
	کاهش رابطه ی جنسی	۱۳	۲۴	۱۷/۷۴	۲/۶۵	۰/۲۸۹	-۰/۴۸۲
	افزایش واکنش های هیجانی	۲۱	۳۶	۲۹/۶۸	۳/۱۰	-۰/۲۰۸	-۰/۰۶۹
	افزایش جلب حمایت فرزند	۱۳	۲۲	۱۷/۱۸	۲/۲۷	۰/۱۲۷	-۰/۶۰۶
تعارضات زناشویی	افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود	۱۷	۲۹	۲۳/۱۸	۳/۰۱	۰/۰۴۳	-۰/۷۳۷
	کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان	۱۵	۲۸	۲۱/۲۰	۳/۰۶	۰/۰۳۳	-۰/۶۱۷
	جدا کردن امور مالی از یکدیگر	۱	۳۴	۲۶/۷۰	۵/۷۵	-۱/۲۶۳	۱/۲۶۱
	نمره کل تعارضات زناشویی	۱۲۳	۱۸۶	۱۵۳/۰۶	۱۵/۳۳	۰/۲۶۷	-۰/۴۱۸
استفاده از شبکه های اجتماعی	نمره کل استفاده از شبکه های اجتماعی	۴۱	۶۲	۵۰/۶۶	۵/۳۱	۰/۳۳۳	-۰/۴۱۴

جدول ۲ نتایج توصیف و بررسی متغیرهای اصلی تحقیق را به همراه خرده مقیاس های آنان نشان می دهد. نتایج مبین آن است که میانگین نمره کل متغیر گرایش به طلاق در میان افراد ۵۴/۶۶ با انحراف معیار ۸/۲۰ می باشد که نشان می دهد میانگین به دست آمده از حد متوسط بازه ابزار بیشتر است. میانگین نمره کل گرایش به خیانت نیز ۴۰/۰۶ با انحراف معیار ۴/۹۵ است که نشان می دهد میانگین محاسبه شده از حد متوسط ابزار بیشتر می باشد. در خصوص متغیر تعارضات زناشویی میانگین نمره کل این متغیر نیز ۱۵۳/۰۶ با انحراف استاندارد ۱۵/۳۳ است که بیان می کند میانگین تعارضات زناشویی نیز در میان پاسخگویان از حد متوسط ابزار بالا است و در نهایت میانگین نمره کل استفاده از شبکه های اجتماعی ۵۰/۶۶ با انحراف معیار ۵/۳۱ است که این متغیر نیز از حد متوسط بازه ابزار بیشتر است. در مجموع نتایج آماره های توصیفی هریک از متغیرهای اصلی تحقیق نشان می دهد که پاسخگویان از

شبکه‌های اجتماعی به میزان زیادی استفاده می‌برند. همچنین دارای تعارضات زناشویی بالایی نیز هستند و در کنار این موضوع دارای گرایش به طلاق و خیانت نیز می‌باشند.

چولگی و کشیدگی داده‌ها دو آزمون آماری برای ارزیابی میزان پراکندگی فراوانی داده‌ها بوده و برای بررسی نرمال بودن توزیع استفاده می‌شوند. در علم آمار چولگی معیاری از تقارن یا عدم تقارن تابع توزیع می‌باشد. کشیدگی نیز نشان دهنده ی ارتفاع یک توزیع است. به عبارت دیگر کشیدگی معیاری از بلندی منحنی در نقطه ماکزیمم است و مقدار کشیدگی برای توزیع نرمال برابر با ۳ است. زمانی که چولگی داده‌های یک متغیر در بازه‌ی (۲، -۲) و کشیدگی آن متغیر در بازه‌ی (۳، -۳) قرار گیرند گویند که آن متغیر دارای توزیع نرمالی می‌باشد همانطور که از جدول ۲ نیز پیدا می‌باشد، میزان توزیع کشیدگی و چولگی هریک از متغیرهای تحقیق در بازه‌ی (۲، -۲) قرار دارد؛ در نتیجه می‌توان بیان کرد که تمامی متغیرهای تحقیق از نظر توصیفی دارای توزیع نرمالی می‌باشند.

بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق

یکی از مهمترین پیش‌فرض‌های انجام مدلسازی معادلات ساختاری بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق است که این مهم توسط آزمون آماری کلموگروف-اسمیرنوف در این مطالعه انجام شده است. نتایج جدول ۳ حاکی از این مورد است.

جدول ۳ بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای تحقیق با آزمون کلموگروف-اسمیرنوف

متغیرها	آماره K-S	معناداری
گرایش به طلاق	۰/۰۹۲	۰/۱۸۴
گرایش به خیانت	۰/۱۲۵	۰/۰۶۵
تعارضات زناشویی	۰/۰۶۴	۰/۱۶۴
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	۰/۱۰۲	۰/۰۷۱

جدول ۳ نشان می‌دهد که میزان معناداری متغیرهای اصلی تحقیق بالاتر از ضریب خطا ۰/۰۵ شده است در نتیجه می‌توان دریافت که تمامی متغیرهای اصلی تحقیق به لحاظ آمار استنباطی دارای توزیع نرمالی می‌باشند و پیش‌فرض نرمال بودن متغیرها مورد تایید قرار می‌گیرد.

بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

جدول ۴: بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

متغیرها	۱	۲	۳	۴
گرایش به طلاق	۱			
گرایش به خیانت	**۰/۵۶۳	۱		
تعارضات زناشویی	**۰/۵۰۰	**۰/۴۶۴	۱	
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	**۰/۳۹۶	**۰/۲۷۹	**۰/۴۰۴	۱

** در سطح معناداری ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۴ نتایج بررسی همبستگی میان هریک از متغیرهای اصلی تحقیق را با آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که متغیرهای تعارضات زناشویی با ضریب $0/500$ و استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب $0/396$ همبستگی مثبت و معناداری با متغیر گرایش به طلاق دارند. بدین معنا که میزان معناداری محاسبه شده از این روابط از سطح $0/01$ کمتر است. مبنی بر این که با افزایش تعارضات زناشویی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی میزان گرایش به طلاق نیز افزایش می‌یابد. نتایج همچنین نشان می‌دهد که متغیرهای تعارضات زناشویی با ضریب $0/464$ و استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب $0/279$ همبستگی معنادار و مثبتی در سطح $0/01$ با متغیر گرایش به خیانت در میان پاسخگویان دارند. مبنی بر این که با افزایش تعارضات زناشویی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی میزان گرایش به خیانت نیز گسترش می‌یابد. و در نهایت متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی با ضریب $0/404$ دارای همبستگی مثبت و معناداری با متغیر تعارضات زناشویی می‌باشد بدین معنا که با افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی نیز میزان تعارضات زناشویی بالا می‌رود.

بررسی عدم همخطی میان متغیرهای پیش بین

یکی دیگر از پیش‌فرض‌های مهم در انجام مدلسازی معادلات ساختاری بررسی عدم همخطی میان متغیرهای پیش بین در مدل است که توسط دو آماره عامل تورم واریانس^۱ و حداقل تحمل^۲ انجام می‌گیرد. زمانی که میزان همبستگی و همخطی میان متغیرهای پیش بین بالا باشد نتایج در مدل دچار تحریف خواهد شد.

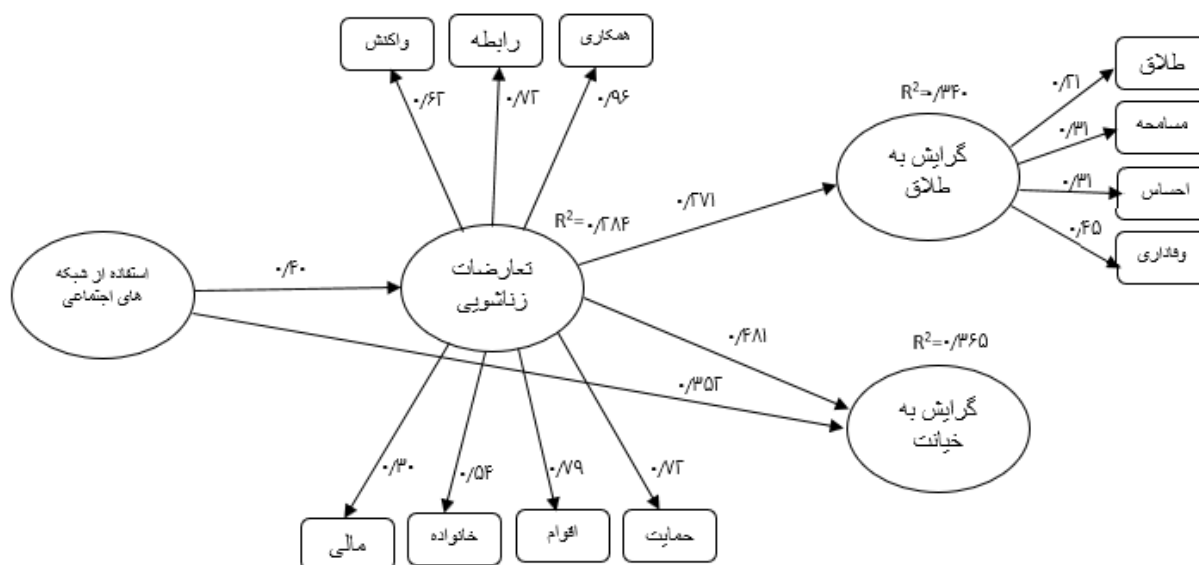
جدول ۵: بررسی عدم همخطی میان متغیرهای پیش بین

متغیرها	حداقل تحمل	عامل تورم واریانس
تعارضات زناشویی	$0/505$	$1/982$
استفاده از شبکه‌های اجتماعی	$0/505$	$1/982$

جدول ۵ نتایج بررسی عدم همخطی میان متغیرهای پیش بین را نشان می‌دهد. زمانی که دو متغیر پیش بین وجود داشته باشد آماره‌های مذکور مشابه یکدیگر به دست می‌آید زیرا ضریب همبستگی مشابهی را نسبت به یکدیگر کسب می‌کنند. در نتیجه میزان آماره حداقل تحمل برای متغیرها بالای $0/1$ و میزان عامل تورم واریانس نیز زیر 10 شده است در نتیجه می‌توان بیان کرد که همخطی میان متغیرهای پیش بین وجود ندارد و این پیش‌فرض تایید می‌شود.

تحلیل داده‌ها

در بخش تحلیل داده‌ها به بررسی مدلسازی معادلات ساختاری (SEM) رابطه‌ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی‌گری تعارضات زناشویی در میان افراد متأهل مراجعه‌کننده به مرکز خدمات مشاوره و روان‌شناسی به روش حداکثر درست‌نمایی پرداخته می‌گردد.



شکل ۲: مدل نهایی معادلات ساختاری رابطه ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی‌گری تعارضات زناشویی

شکل ۲ نتایج بررسی مدل نهایی معادلات ساختاری رابطه ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی‌گری تعارضات زناشویی را به روش حداکثر درست‌نمایی نشان می‌دهد. همانطور که مشهود است مدل حاضر از نوع مدل اصلاح شده است. پیش از اصلاح مدل حاضر رابطه ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با گرایش به طلاق با معناداری 0.843 و ضریب استاندارد 0.38 به دست آمده بود که به دلیل غیر معنادار بودن این رابطه از مدل حذف گردید و مدل اصلاح شده در پژوهش قرار گرفت. ابتدا پیش از بررسی روابط در مدل باید شاخص‌های برازش مدل مورد تحلیل قرار گیرند. شاخص‌های برازش مدل حاکی از آن است که مدل مفروض، برازش نسبتاً مطلوبی با داده‌ها دارد. تعدادی از این شاخص‌ها عبارتند از: شاخص مجذور خی ساتورا- بنتلر^۱ (χ^2)، شاخص برازش مقایسه‌ای^۲ (CFI)، خطای ریشه مجذور میانگین تقریب^۳ (RMSEA) و شاخص برازندگی غیرتطبیقی (NFI). اگر مجذور خی از لحاظ آماری معنادار نباشد و نسبت خی دو به درجه آزادی کمتر از ۵ باشد، دال بر برازش بسیار مناسب است. اگر شاخص‌های CFI, NFI بزرگتر یا مساوی 0.90 و شاخص RMSEA کوچکتر از 0.08 بر برازش مطلوب و خوب دلالت دارد. شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی این پژوهش در جدول زیر آمده است:

1. Stora-Bentler Scaled Chi-Square
2. Comparative Fit Index (CFI)
3. Root Mean Square Error of Approximation (RMSEA)

جدول ۶: شاخص های برازش مدل معادلات ساختاری رابطه ی میان استفاده از شبکه های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی گری تعارضات زناشویی

PNFI	RMSEA	CFI	NFI	CMIN/DF
۰/۹۱۳	۰/۰۷۸	۰/۹۲۴	۰/۹۰۲	۴/۵۶۳

جدول ۶ نتایج بررسی شاخص های برازش مدل معادلات ساختاری رابطه ی میان استفاده از شبکه های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی گری تعارضات زناشویی را نشان می دهد نتایج مبین آن است که میزان شاخص نسبت خی دو بر درجه آزادی ۴/۵۶۳ شده است که از میزان ۵ کمتر است و مورد تایید قرار می گیرد. میزان شاخص RMSEA نیز ۰/۰۷۸ است که از میزان ۰/۰۸ کمتر و مورد قبول است و در نهایت میزان شاخص های NFI ۰/۹۰۲، CFI ۰/۹۲۴ و PNFI ۰/۹۱۳ است که هر سه این شاخص ها از میزان ۰/۹ بیشتر می باشند و مورد قبول هستند. به طور کلی می توان بیان کرد که شاخص های برازش مدل مورد تایید می باشند و از نتایج مدل می توان در جهت تایید یا رد فرضیه های تحقیق استفاده نمود. در ادامه جدول ۴-۶ نتایج بررسی ضرایب استاندارد و غیر استاندارد مستقیم رابطه ی میان استفاده از شبکه های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی گری تعارضات زناشویی را نشان می دهد.

جدول ۷: بررسی اثر مستقیم ضرایب استاندارد و غیر استاندارد متغیرهای تحقیق

متغیرهای پژوهش	پارامتر استاندارد نشده (b)	پارامتر استاندارد شده (β)	خطای استاندارد (S.E)	آزمون معناداری (t)
استفاده از شبکه های اجتماعی ← تعارضات زناشویی	۰/۳۳۸	۰/۴۰۳	۰/۰۲۰	*۷/۲۴۰
تعارضات زناشویی ← گرایش به طلاق	۰/۲۳۰	۰/۲۷۱	۰/۰۵۹	*۳/۹۱۳
استفاده از شبکه های اجتماعی ← گرایش به خیانت	۰/۳۳۰	۰/۳۵۲	۰/۱۸۷	*۵/۳۰۷
تعارضات زناشویی ← گرایش به خیانت	۱/۷۴۳	۰/۴۸۱	۰/۳۱۰	*۸/۴۴۷

*T-value>۱/۹۶

جدول ۷ نتایج بررسی ضرایب استاندارد و غیر استاندارد مستقیم رابطه ی میان استفاده از شبکه های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی گری تعارضات زناشویی را در میان متاهل ها نشان می دهد. نتایج حاکی از آن است که متغیر درون زاد استفاده از شبکه های اجتماعی با ضریب استاندارد ۰/۴۰۳ و میزان تی ۷/۲۴۰ بر متغیر میانجی تعارضات زناشویی و با ضریب استاندارد بتا ۰/۳۵۲ و میزان تی ۵/۳۰۷ بر متغیر درون زاد گرایش به خیانت اثر معناداری دارد زیرا میزان تی به دست آمده از میزان ۱/۹۶ بیشتر است. بدین معنا که با افزایش استفاده از شبکه های اجتماعی توسط افراد میزان تعارضات زناشویی و گرایش به خیانت نیز گسترش می یابد. نتایج همچنین نشان می دهد که متغیر میانجی تعارضات زناشویی با ضریب استاندارد بتا ۰/۲۷۱ و میزان تی ۳/۹۱۳ بر متغیر درون زاد گرایش به طلاق و با میزان ضریب استاندارد بتا ۰/۴۸۱ و میزان تی ۸/۴۴۷ بر متغیر درون زاد گرایش به خیانت اثر معناداری دارد.

زیرا میزان تی این روابط از ۱/۹۶ بیشتر است مبنی بر این که با افزایش تعارضات زناشویی در میان افراد میزان گرایش به طلاق و گرایش به خیانت نیز بالا می‌رود. جدول ۴-۷ نتایج بررسی ضرایب استاندارد اثر کل، مستقیم و غیر مستقیم روابط میان متغیرها را بیان می‌کند.

جدول ۸: بررسی اثر مستقیم، غیر مستقیم و اثرات کل متغیرهای تحقیق

متغیرهای پژوهش	اثرات مستقیم	اثرات غیر مستقیم	اثرات کل
استفاده از شبکه‌های اجتماعی ← تعارضات زناشویی	*۰/۴۰۳		۰/۴۰۳
تعارضات زناشویی ← گرایش به طلاق	*۰/۲۷۱		۰/۲۷۱
استفاده از شبکه‌های اجتماعی ← گرایش به خیانت	*۰/۳۵۲	*۰/۱۹۳	۰/۵۴۵
تعارضات زناشویی ← گرایش به خیانت	*۰/۴۸۱		۰/۴۸۱
استفاده از شبکه‌های اجتماعی ← گرایش به طلاق		*۰/۱۰۹	۰/۱۰۹

*T-value>۱/۹۶

جدول ۸ نتایج بررسی ضرایب استاندارد مستقیم، غیر مستقیم و کل رابطه‌ی میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی با گرایش به طلاق و خیانت همراه با میانجی‌گری تعارضات زناشویی را نشان می‌دهد. همانطور که مشهود است متغیر برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی علاوه بر اثر مستقیم و معنادار بر متغیر درونزاد گرایش به خیانت با ضریب استاندارد بتا ۰/۳۵۲ دارای اثر غیر مستقیمی بر این متغیر از راه میانجی‌گری متغیر تعارضات زناشویی نیز با ضریب استاندارد ۰/۱۹۳ می‌باشد. همچنین میزان برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی بدون آنکه اثر مستقیم و معناداری بر متغیر درونزاد نهایی گرایش به طلاق داشته باشد، دارای اثر غیر مستقیم با ضریب استاندارد ۰/۱۰۹ با میانجی‌گری تعارضات زناشویی است. در نتیجه جهت سنجش معناداری این روابط غیر مستقیم در مدل حاضر از آزمون سوبل استفاده می‌گردد. فرمول آزمون سوبل عبارتند از:

$$t - \text{Value} = \frac{a * b}{\sqrt{(b^2 * s_a^2) + (a^2 * s_b^2) + (s_a^2 * s_b^2)}}$$

نتایج آزمون سوبل نشان داد که میزان معناداری تی اثر غیر مستقیم متغیر برونزاد استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به طلاق ۲/۳۳۱ با ضریب استاندارد بتا ۰/۱۰۹ می‌باشد مبنی بر این که میزان تی محاسبه شده از میزان ۱/۹۶ بیشتر است همچنین میزان تی اثر غیر مستقیم استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به خیانت با میانجی‌گری تعارضات زناشویی ۲/۸۶۲ با ضریب استاندارد ۰/۱۹۳ است که این میزان تی نیز از ۱/۹۶ بیشتر است در نتیجه به طور کلی می‌توان بیان کرد که با افزایش استفاده از شبکه‌های اجتماعی و در پس آن افزایش تعارضات زناشویی در میان افراد میزان گرایش به طلاق و خیانت نیز ارتقا می‌یابد.

نتایج مقایسه میان ضرایب استاندارد کل اثرگذار بر متغیر درونزاد نهایی گرایش به طلاق و خیانت نیز نشان می‌دهد که بالاترین میزان ضریب استاندارد کل مربوط به متغیر استفاده از شبکه‌های اجتماعی در رابطه با متغیر درون زاد گرایش به خیانت با میزان

ضریب ۰/۵۴۵ می باشد و بعد از آن اثر متغیر میانجی تعارضات زناشویی بر گرایش به خیانت با ضریب استاندارد اثر کل ۰/۴۸۱ محسوب می گردد.

مقدار ضرایب تعیین به دست آمده برای متغیر میانجی تعارضات زناشویی و متغیرهای درونزاد گرایش به طلاق و گرایش به خیانت در مدل نشان می دهد که میزان ضریب تعیین متغیر تعارضات زناشویی ۰/۲۸۴ است بدین معنا که متغیر استفاده از شبکه های اجتماعی به میزان ۲۸/۴ درصد توانسته تغییرات متغیر میانجی تعارضات زناشویی را تبیین کند. نتایج همچنین نشان می دهد که میزان ضریب تعیین متغیر گرایش به طلاق ۰/۳۴۰ و برای متغیر گرایش به خیانت ۰/۳۶۵ برآورد شده است مبنی بر این که متغیرهای برونزاد استفاده از شبکه های اجتماعی و میانجی تعارضات زناشویی به میزان ۳۴ درصد قادر به تبیین متغیر گرایش به طلاق و به میزان ۳۶/۵ درصد قادر به تبیین متغیر گرایش به خیانت بودند.

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش با هدف اصلی نقش واسطه ای تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت انجام شده است. طرح پژوهشی حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد متأهل مراجعه کننده به مراکز خدمات مشاوره و روانشناسی واقع در منطقه ۸ شهر تهران در بهار سال ۱۴۰۲ بود. نمونه گیری به روش در دسترس انجام شد و تعداد ۲۵۰ نفر انتخاب گردید. پرسشنامه گرایش به طلاق روزلت جانسون و مورو (۱۹۸۶)، پرسشنامه نگرش به خیانت واتلی (۲۰۰۸)، پرسشنامه استفاده از شبکه های اجتماعی و پرسشنامه تعارضات زناشویی ثنائی، ذاکر و دیگران (۱۳۸۷) به آن ها داده شد و توسط افراد نمونه تکمیل گردید. تجزیه و تحلیل داده های خام حاصل از این پژوهش در دو بخش توصیفی و استنباطی با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری صورت گرفت. نتایج نشان داد که استفاده از شبکه های اجتماعی بر تعارضات زناشویی تاثیر معنادار دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش های فریبرز، ساروخانی و حضرتی صومعه (۱۴۰۰)، اولومی، عبداللهی و دیگران (۲۰۲۲)، گول، اقبال و دیگران (۲۰۱۹) همسو می باشد. زمانی که افراد بیشتر وقت خود را صرف رسانه های اجتماعی کنند، زمان کمتری را با همسر خود می گذرانند و ارتباط کمتری دارند. این افراد بودن در رسانه های اجتماعی را به همنشینی با همسر ترجیح می دهند و به مرور باعث به وجود آمدن مشکلات زناشویی می گردد. این افراد در فضای مجازی کسی را دارند که به آنها توجه کند و حرف دل آن ها را بشنود و همسو با آنها فکر کند، بنابراین قدرت تحمل نگرش های مخالف خود را ندارند و در مشاجرات با همسر کوتاه نمی آیند و در زمان دعوا برای آرامش یافتن به فضای مجازی رجوع می کنند و با گذشت زمان این تعارضات زناشویی بیشتر می گردد.

همچنین در خصوص تعارضات زناشویی بر گرایش به طلاق نتایج نشان داد که تعارضات زناشویی بر گرایش به طلاق تاثیر معنادار دارد و فرضیه تایید می گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش نیئی آناهیتا و دیگران (۱۳۹۹)، جانسون و دیگران (۲۰۲۳) همسو می باشد. به منظور تبیین این فرضیه می توان گفت که تعارضات زناشویی عبارتند از اختلاف یا تنش بین دو فرد متأهل یا در یک رابطه متعهد. این تضادها می تواند به دلیل تفاوت در باورها، ارزش ها، اهداف و انتظارات و همچنین به هم خوردن ارتباطات، کشمکش های مالی، خیانت و مسائل دیگر باشد. زمانی که تعارضات زناشویی زیاد باشد، زن و شوهر ممکن است در ارزش ها و نگرش ها با یکدیگر متفاوت باشد و نمی توانند از خودگذشتگی داشته باشند و پیوسته بحث و مشاجره دارند. این موارد اگر شدت بیشتری پیدا کند و طرفین گذشت نداشته باشند و پیوسته بحث و اختلافات بالا بگیرد منجر به طلاق می گردد در خصوص استفاده از شبکه های

اجتماعی بر گرایش به خیانت نیز نتایج نشان داد که استفاده از شبکه‌های اجتماعی بر گرایش به خیانت تاثیر معنادار دارد. نتایج این فرضیه با پژوهش آدگبویگا (۲۰۲۲) همخوانی دارد. زمانی که افراد یک خانواده بیش از حد به اینترنت و شبکه‌های اجتماعی می‌پردازند، روابط اعضا دچار خلل می‌شود و افراد از یکدیگر فاصله می‌گیرند و فضای خانواده به گونه‌ای می‌شود که علی‌رغم این که افراد در کنار هم زندگی می‌کنند اما با یکدیگر تعامل کمتری خواهند داشت؛ عاطفه کمتری به یکدیگر نشان می‌دهند و ارتباطات کم عمق‌تری برقرار خواهند کرد. احتمال وجود دارد که در فضای مجازی فردی جایگزین همسر گردد و افراد به جای نثار محبت و مهربانی به همسر به فرد غریبه‌ای در فضای مجازی ابراز علاقه نمایند و یک خیانت عاطفی شکل گرفته که در گذر زمان به خیانت جنسی تبدیل می‌گردد.

در خصوص تعارضات زناشویی بر گرایش به خیانت نتایج نشان داد تعارضات زناشویی بر گرایش به خیانت تاثیر معنادار دارد و فرضیه تایید می‌گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش سولیس و دیگران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد زمانی که تعارضات بین زوجین زیاد باشد، تفاوت بین زوجین زیاد است و نمی‌توانند همدیگر را درک کنند، ارزش‌ها و نگرش‌های متفاوت دارند و یکدیگر را نمی‌فهمند. بنابراین این افراد زمانی که توسط شخصی مورد توجه قرار بگیرند و آن فرد را از نظر ارزش‌ها و سلیقه‌ها همسو با خود ببینند، به سمت آن فرد کشیده شده و به آن وابستگی عاطفی پیدا می‌کنند و خیانت بوجود می‌آید.

در نهایت نتایج نشان داد تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت نقش واسطه‌ای دارد و فرضیه تایید می‌گردد. نتایج این فرضیه با پژوهش‌های فریبرز، ساروخانی و حضرتی صومعه (۱۴۰۰)، اولومی، گول، اقبال و دیگران (۲۰۱۹)، نیئی آناهیتا و دیگران (۱۳۹۹)، جانسون و دیگران (۲۰۲۳) همسو می‌باشد. زمانی که افراد در فضای مجازی حضور پررنگ داشته باشند و ساعت‌های طولانی با دوستان و افراد غریبه چت کنند، همواره افرادی مشابه و هم عقیده با خود پیدا می‌کنند که باعث درک شدن می‌گردد و در زمان مشاجرات زناشویی، فرد به فضای مجازی و گفتگو با افراد مورد نظر روی می‌آورد و با ارتباط برقرار کردن با دوستان مجازی خود احساس آرامش می‌کند و رفته رفته در دعوای زناشویی قدرت تحمل فرد کم شده و صبوری و از خودگذشتگی ندارد و تعارضات شدید می‌گردد. بالا رفتن تعارضات به دلیل از بین بردن حس آرامش و ایجاد مشکلات عدید منجر به گرایش به افرادی غیر از همسر برای ارضای نیازهای محبت و جنسی می‌گردد و در یک‌سری از افراد منجر به تصمیم طلاق برای رهایی از درگیری‌ها و سختی‌ها می‌گردد. در نهایت با توجه به نتایج مقاله به محققین آتی پیشنهاد می‌گردد که تحقیق حاضر با همین موضوع در سال‌های آینده در سایر شهرها و با سایر روش‌های نمونه‌گیری انجام گیرد. همچنین در پژوهش‌های آینده بررسی نقش واسطه‌ای تعارض زناشویی در رابطه بین گرایش به استفاده از شبکه‌های اجتماعی و گرایش به طلاق و خیانت با کنترل سن و سطح تحصیلات بررسی گردد.

در خصوص پیشنهادهای کاربردی نیز موارد زیر به موارد زیر توجه ویژه ای گردد تا گرایش به طلاق و خیانت کاهش یابد. پرداختن به علل ریشه ای تعارضات زناشویی و ارتقای مهارت های ارتباطی سالم و حل مسئله در مراکز مشاوره می تواند خطر خیانت را در زوج های پرخطر کاهش دهد.

تلاش نهادهای مسئول در جهت افزایش سواد رسانه ای و آگاه سازی زوجین از آسیب ها و تهدیدات احتمالی شبکه های اجتماعی که یکی از بسترهای مناسب تحقق این امر، می تواند دو واحد درس عمومی دانش خانواده در دوره کارشناسی باشد .

داشتن حساب کاربری مشترک و استفاده همراهانه از این فناوری بدون پنهان کاری و خصوصی کاری

عدم استفاده یا حداقل استفاده از شبکه های اجتماعی در شرایطی که معنای ضمنی آن عدم توجه به حضور همسر است.

رعایت رفتار عفیفانه در فضای مجازی و حفظ فاصله عاطفی با مردان و زنان غیرمحرّم.

منابع

- پیکانین، ر و فرهادی، ه. (۱۳۹۶). بررسی اعتیاد به اینترنت، میزان استفاده از پیام‌رسان‌های آنلاین و خیانت‌های اینترنتی به عنوان پیش‌آیند طلاق در زوج‌های در آستانه طلاق و مطلقه شهر اصفهان. پژوهش‌های علوم شناختی و رفتاری، ۷(۱): ۸۱-۹۰.
- رحیمی، م؛ شکرپیگی، ع؛ ساروخانی، ب و حضرتی، ز. (۱۳۹۶) بررسی جامعه شناختی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و تغییرات جاری در خانواده‌ها پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، ۵(۸): ۸۳-۶۷.
- رضاپور، ر؛ ذاکری، م و ابراهیمی، ل. (۱۳۹۶). پیش‌بینی خودشیفتگی، ادراک تعاملات اجتماعی و تعارضات زناشویی بر اساس استفاده از شبکه‌های اجتماعی. خانواده پژوهی، ۱۳(۲): ۲۱۴-۱۹۷.
- سلیمانی، م. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی تلفن همراه با اهمال کاری، تحصیلی احساس تنهایی و سلامت روان در دانش‌آموزان پسر سوم دبیرستان شهر قم پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی تهران، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- فریبرز، ز؛ ساروخانی، ب و حضرتی صومعه، ز. (۱۴۰۰). مدل سازی معادلات ساختاری تأثیر اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی بر تعارضات زناشویی در خانواده‌های تهرانی. تغییرات اجتماعی-فرهنگی، ۱۸(۱): ۱۵۸-۱۳۱.
- گنجی، م؛ نیازی، م و ملک پور شهرکی، ع. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر اعتیاد به فناوری‌های نوین ارتباطی اینترنت ماهواره بر از هم گسیختگی خانواده در شهر کرد. فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۴(۱): ۷۳-۶۲.
- مجردی، و؛ اسلامی، ع و جمال، س. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بین دانشجویان استان خراسان شمالی فصلنامه دانش انتظامی خراسان شمالی، ۸۵-۹۹.
- نبیئی، آ؛ حسینی، س؛ کاکابرای، ک و امیری، ح. (۱۳۹۹). الگوی معادلات ساختاری در رابطه بین گرایش به طلاق با مهارت‌های ارتباطی و سلامت خانواده اصلی با نقش واسطه ای صمیمیت زناشویی و تعارضات زوجین. سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، ۴(۱): ۹-۱۷.
- نیک‌منش، ز و امیری‌مقدم، دین‌محمد. (۱۳۹۹). بررسی و ارزیابی نگرش به خیانت و رابطه آن با دلزدگی و تعارض زناشویی. دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی، ۲۴(۳): ۵۲-۳۷.

- Adegboyega, L. O. (2022). Influence of social media on Marital Stability of Married Adults in Ilorin Metropolis. In Families in Nigeria: Understanding Their Diversity, Adaptability, and Strengths. Emerald Publishing Limited.
- Ali, P. A., McGarry, J., & Maqsood, A. (2022). Spousal role expectations and marital conflict: perspectives of men and women. Journal of interpersonal violence, 37(9-10), NP7082-NP7108.
- Atapour, N., Falsafinejad, M. R., Ahmadi, K., & Khodabakhshi-Koolaee, A. (2021). A study of the processes and contextual factors of marital infidelity. Practice in Clinical Psychology, 9(3), 211-226.
- Borst, J. B. (2015). A systematic review of the effects of family conflict: Focusing on divorce, infidelity, and attachment style.

- Clayton, R. B. (2014). The third wheel: The impact of Twitter use on relationship infidelity and divorce. *Cyberpsychology, Behavior, and Social Networking*, 17(7), 425-430.
- Cohen, T. F., & Strong, B. (2020). *The marriage and family experience: Intimate relationships in a changing society*. Cengage learning.
- Ferrier, S. (2020). *Marriage*. Outlook Verlag.
- Fincham, F. D., Beach, S. R., Davila, J., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2015). Spiritual intimacy and relationship satisfaction in long-term marriages: Influences of gender and attachment. *Journal of Family Issues*, 36(3), 387-411.
- Fye, M. A., & Mims, G. A. (2019). Preventing infidelity: A theory of protective factors. *The Family Journal*, 27(1), 22-30.
- Gao, M., Du, H., Davies, P. T., & Cummings, E. M. (2019). Marital conflict behaviors and parenting: Dyadic links over time. *Family relations*, 68(1), 135-149.
- Gottman, J. M. (2014). *What predicts divorce?: The relationship between marital processes and marital outcomes*. Psychology Press.
- Guitar, A. E., Geher, G., Kruger, D. J., Garcia, J. R., Fisher, M. L., & Fitzgerald, C. J. (2017). Defining and distinguishing sexual and emotional infidelity. *Current Psychology*, 36, 434-446.
- Gull, H., Iqbal, S. Z., Al-Qahtani, S., Alassaf, R. A., & Kamaleldin, M. M. (2019). Impact of social media usage on married couple behavior a pilot study in Middle East. *International Journal of Applied Engineering Research*, 14(6), 1368-1378.
- Härkönen, J. (2014). *Divorce: Trends, patterns, causes, and consequences*. The Wiley Blackwell companion to the sociology of families, 303-322.
- Jain, S., & Bhatia, R. (2015). Impact of social media on marital quality amongst army couples. *Indian Journal of Applied Research*, 5(10), 1-3.
- Johnson, L. N. (2018). Intergenerational family systems theory. In *Innovations and Advances in Family Therapy for Eating Disorders* (pp. 13-31). Routledge.
- Johnson, M. D., Woodruff, E., & Fincham, F. D. (2023). Self-regulatory Conflict Management and the Likelihood of Divorce Among Couples Experiencing Marital Distress. *Journal of Family Psychology*, 37(1), 87-96.
- Johnson, S. M., & Lebow, J. L. (2000). The coming apart of intimate relations: A contextual perspective. In S. Duck (Ed.), *Handbook of personal relationships* (2nd ed., pp. 507-524). John Wiley & Sons.
- Keles, B., McCrae, N., & Grealish, A. (2020). A systematic review: the influence of social media on depression, anxiety and psychological distress in adolescents. *International Journal of Adolescence and Youth*, 25(1), 79-93.
- McDaniel, B. T., Drouin, M., & Cravens, J. D. (2017). Do you have anything to hide? Infidelity-related behaviors on social media sites and marital satisfaction. *Computers in human behavior*, 66, 88-95.
- Nursyifa, A. (2020). Shifting Causes of Divorce in Indonesia Due to Social Media In Sociological Perspective. *Solid State Technology*, 63(2s).

- Olawumi, K., Abdullahi, H. I., & Oyinlola, O. A. (2022). Social Media, A Basis for Marial Instability Domestic Violence in Ota, Ogun state, Nigeria. *African Journal for The Psychological Studies of Social Issues*, 25(3).
- Reid Chassiakos, Y. L., Radesky, J., Christakis, D., Moreno, M. A., Cross, C., Hill, D., ... & Swanson, W. S. (2016). Children and adolescents and digital media. *Pediatrics*, 138(5).
- Sadeghi SoheilaIrfan Menesh Iman, , (2013). Situationism and Discourse Analysis of Social Theoreticians from the Ideal Family in Iran, *Quarterly Journal of the Social Cultural Council of Women and Family*, 15th year / No. 58
- Sahni, S. P., & Jain, G. (2018). An overview: Internet infidelity. *Internet Infidelity: An Interdisciplinary Insight in a Global Context*, 1-12.
- Scheeren, P., Apellániz, I. D. A. M. D., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: The experience of men and women. *Trends in Psychology*, 26, 355-369.
- Scheeren, P., Apellániz, I. D. A. M. D., & Wagner, A. (2018). Marital infidelity: The experience of men and women. *Trends in Psychology*, 26, 355-369.
- Shafer, K., & Keith, P. M. (2014). Job status, unemployment, and extramarital sex. *Journal of Marriage and Family*, 76(2), 338-352.
- Solis, J. G., Pérez-Fuentes, M. d. C., Molero, M. M., Gázquez, J. J., & Carrión, J. J. (2022). Marital conflict and infidelity in couples with high-risk sexual behaviours: The role of mental health symptoms. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(1), 234.
- Solis, J. G., Pérez-Fuentes, M. d. C., Molero, M. M., Gázquez, J. J., & Carrión, J. J. (2022). Marital conflict and infidelity in couples with high-risk sexual behaviours: The role of mental health symptoms. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 19(1), 234.
- Urooj, A., & Anjum, G. (2015). Perception of Emotional and Sexual Infidelity among Married Men and Women. *Pakistan Journal of Psychological Research*, 30(2).
- Wagner, A., Mosmann, C. P., Scheeren, P., & Levandowski, D. C. (2019). Conflict, conflict resolution and marital quality. *Paidéia (Ribeirão Preto)*, 29.
- Wagner, M. (2020). On increasing divorce risks. *Divorce in Europe: New insights in trends, causes and consequences of relation break-ups*, 37-61.
- Wagner, M. (2020). On increasing divorce risks. *Divorce in Europe: New insights in trends, causes and consequences of relation break-ups*, 37-61.
- Wang, Y. H., Haslam, M., Yu, M., Ding, J., Lu, Q., & Pan, F. (2015). Family functioning, marital quality and social support in Chinese patients with epilepsy. *Health and quality of life outcomes*, 13(1), 1-8.
- Widiantari, M. M., Utari, P., & Nurhaeni, I. D. A. (2019, August). Social media effect on divorce. In *1st Annual Internatioal Conference on Social Sciences and Humanities (AICOSH 2019)* (pp. 162-167). Atlantis Press.
- Widiantari, M. M., Utari, P., & Nurhaeni, I. D. A. (2019, August). Social media effect on divorce. In *1st Annual Internatioal Conference on Social Sciences and Humanities (AICOSH 2019)* (pp. 162-167). Atlantis Press.

The mediating role of marital conflict in the relationship between the inclination towards using social networks and the propensity for divorce and infidelity

Sahar Vaghefi ¹, Saeid Jahanian ²

This study investigates the mediating role of marital conflict in the association between the propensity to use social networks and the inclination towards divorce and infidelity. Conducted as a correlational research project, the study's population comprised married individuals seeking counseling and psychological services in district 8 of Tehran during the spring of 1402. Utilizing Klein's formula, a sample of 250 participants was selected through convenience sampling. Data collection employed Roosevelt Johnson and Morrow (1986) Divorce Tendency Questionnaire, Watley's Infidelity Attitude Questionnaire (2008), the Social Network Use Questionnaire, and Sanai, Zakir et al.'s Marital Conflicts Questionnaire (2007). Findings indicate that marital conflict serves as a mediator between the inclination to use social networks and the tendency towards divorce and infidelity. Furthermore, the exogenous variable of social network usage demonstrates a significant direct impact on the endogenous variable of infidelity propensity ($\beta = 0.352$) and an indirect effect mediated by marital conflicts ($\beta = 0.193$). Additionally, while social network usage does not directly affect divorce propensity, it exerts an indirect influence ($\beta = 0.109$) mediated by marital conflicts. Results underscore the significant impact of social network usage on marital conflicts, as well as the consequential effects of marital conflicts on divorce and infidelity tendencies. The study confirms the hypothesized mediating role of marital conflict in the relationship between social network usage and divorce and infidelity tendencies.

Keywords: Marital conflict, social network usage, divorce propensity, infidelity tendency

1. Master Student of psychology, Department of psychology, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of psychology, Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran
(Corresponding Author)